



دانشگاه حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد M.A

رشته :

حقوق جزا و جرم شناسی

عنوان :

چالش های فرآوری نهاد امنیت قضایی در نظام دادگستری ایران با تاکید بر روش ها و

راهکار های پیشگیرانه

استاد راهنما:

دکتر امین حاجی وند

نگارش :

دانیال پورناصری

بهار ۱۴۰۱

تقدیم به :

پدر و مادرم و اساتید برجسته همچون دکتر آزمایش که در نور عدالت قدم برداشتند

سپاسگزاری : تقدیر و تشکر از آقای دکتر امین حاجی وند

چکیده

امنیت قضایی ، روشن ساختن ابعادی چند از مفهوم امنیت قضایی است . اگر چه کاربرد این واژه در نوشته های امروزی رو به فزونی نهاده است ، با این وصف به نظر می رسد که درک روشن و دقیقی از این واژه در میان عامه مردم و حتی اصحاب قضا و کارشناسان امر، وجود ندارد. ازاین رو در ابتدا به تشریح برخی تعاریف داده شده از امنیت قضایی پرداخته و پس از بررسی و نقد آنها، تعریف جامعی را پیشنهاد داده است ، در پایان نیز ضمن بررسی مورد پرونده « خفاش شب » از وجود یا نبود امنیت قضایی در رسیدگی به این پرونده سخن گفته است . هدف در این نوشتار آن بوده تا با ارایه شاخص های حقوقی مشخصی ، ضمن کمی کردن مفهوم انتزاعی « امنیت قضایی »، میزان قابلیت آن را در تحلیل های حقوقی جاری به نمایش گذارد.

دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است به تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون اساسی " (اصل ۳ - بند ۱۴) برخی از صاحب نظران بدون آن که تعریف مشخصی از امنیت قضایی انجام دهند، به بررسی مصادیقی از شاخص های امنیت قضایی و یا بررسی علل و نمونه های فقدان امنیت قضایی پرداخته اند. عنوان «امنیت قضایی زنان در ایران» (۱)، به بررسی وضعیت امنیت قضایی زنان در جامعه ایران پرداخته است بدون این که تعریف مشخصی از واژه امنیت قضایی به دست دهد، به بررسی برخی از مصادیق ونهادهای موجود در قوانین ایران می پردازد که از نگاه وی ، بر هم زننده امنیت قضایی زنان می باشد. دکتر سیدمحمد هاشمی نیز تعریف مشخصی از این مفهوم نمی کند. با این

وصف ایشان به بیان برخی از نهادهای امنیت قضایی در حقوق ایران می پردازد. (۲) ایشان همچنین قاضی و قانون را تأسیساتی می داند که تأمین کننده آزادی و امنیت هستند. (۳) ، امنیت قضایی عبارت است از کیفیت مناسب عملکرد دادگاهها در به کار بستن ضمانت‌های اجرایی قانون ، به

ترتیبی که شهروندان را قبل از نقض قوانین و تعهداتشان ، از آن عمل باز دارد. (۴)

واژه های کلیدی :امنیت قضایی ، نظام دادگستری ، روش ها و راهکار های پیشگیرانه

مقدمه.....1.

الف - بیان

مساله.....۱

ب - سابقه پژوهش

.....۱۵

پ- نوآوری پژوهش۱۷

ت - ضرورت انجام پژوهش۱۸

س- سوالات پژوهش۱۹

ح- فرضیات پژوهش۱۹

ج- اهداف و کاربردهای پژوهش۲۰

خ- روش پژوهش.....۲۱

چ- سامان دهی پژوهش۲۱

بخش اول: کلیات

۱-۱ اصل بهره مندی از وکیل ۲۶

۱-۳ آگاهی اصحاب دعوا از موضوع دادرسی ۲۷

۱-۴ مفهوم شناسی امنیت قضایی

..... ۲۸

۱-۵ امنیت

قضایی ۳۱

۱-۶ مبانی لزوم امنیت قضایی ۳۶

۱-۷ اصل تساوی سلاح ها ۴۱

بخش دوم: چالش ها و راهکارهای فراروی

۲-۱ حق داشتن وکیل ۴۵

۲-۲ تامین امنیت

قضایی ۵۲

۲-۳ امنیت قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی ما قبل

دادرسی ۵۷

۲-۴ اصول تحقق اهمیت

قضایی ۵۸

۲-۵ قضات عادلانه

..... ۵۸

۲-۶ احترام به حقوق

مکتسبه ۵۹

۲-۷ عملکرد بدون

تبعیض ۵۹

۲-۸ عدم جواز داوری بیشتر از یک

بار ۶۰

۲-۹ درک مشترک از

قانون ۶۰

۲-۱۰ تفهیم اتهام یا حق اطلاع متهم از موضوع اتهام ۶۱

۲-۱۰-۱-حقوق متهم و ضمانت های اجرائی مرحله ۶۲

۲-۱۰-۲-کفایت ادله برای احضار ۶۲

۲-۱۰-۳-درج علت احضار و نتیجه عدم

حضور ۶۳

۲-۱۰-۴-بیان علت حضور در ورقه

احضاریه
.....

۲-۱۰-۵-بسی طرفی قضات ۶۴

۲-۱۰-۶-رویه قضایی و امنیت اقتصادی ۶۶

۲-۱۰-۷-نقش رویه قضایی در نیل به امنیت اقتصادی ۶۸

۲-۱۰-۸-چالشها
.....

۷۲

۲-۱۰-۹-شفافیت راهکاری برای مدیریت تعارض منافع در نظام قضایی
.....

۷۵

مقدمه

الف - بیان مساله

سند امنیت قضایی پس از تصویب توسط رییس قوه قضائیه در تاریخ ۱۶/۷/۱۳۹۹، در روز ۲۴ مهر ماه در ۳۷ ماده در اجرای بند «ب» ماده ۱۲۰ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵ و به منظور تحقق اهداف بندهای ۶۵، ۶۶ و ۶۷ سیاست‌های کلی قانون برنامه ششم توسعه کشور مصوب ۱۳۹۴ از سوی حجت‌الاسلام والمسلمین سید ابراهیم رئیسی ابلاغ شد. بنابراین، روح حاکم بر این سند، «تحول نظام قضایی» است و هدف از آن تنظیم، ایجاد امنیت قضایی برای شهروندان و نهایتاً رسیدن به عدالت قضایی در فرآیند رسیدگی‌های حقوقی و کیفری است. برای رسیدن به این هدف به اصول و قواعدی استناد شده است که غالب آنها در قوانین موضوعه کشور از جمله قانون اساسی و قوانین عادی وجود دارد و لیکن قرائت‌های

متفاوت و یا عدم اجرای دقیق آنها ریاست محترم قوه قضائیه را در دوره جدید بر آن داشته که بر رعایت آنها تأکید نماید.

محتوای این سند، عمدتاً برگرفته از قوانین و بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های موجود است و به خودی خود حامل مقررہ یا دستورالعمل قانونی جدید و بدیعی نیست. هر چند تجمیع مطالب آن در قالب یک سند کلی در ایران جدید است ولی سابقه اصلی این اصول مستند به اصول قضایی موسوم به بنگلور است که در سال ۲۰۰۲ میلادی و به دلیل توافق بر تصویب و اجرای آن در شهر بنگلور هندوستان به اصول بنگلور معروف شده است. در واقع این سند مشابه منشور حقوق شهروندی که توسط دولت ارائه شد، می‌کوشد با تجمیع و یکپارچه‌سازی مواد و اصول پراکنده قانونی، به برجسته‌سازی مسئله تحول در قوه قضائیه بپردازد

آیت الله شریعتمدار جزایری اعتماد شهروندان به قوه قضائیه توانمند و سالم و احترام و التزام به قانون و تساوی تمام افراد جامعه در برابر قانون را، امنیت قضایی می‌داند. ایشان با بیان لزوم جهت گیری عادلانه سیستم قضایی، به برخی از قواعد شکلی مورد نیاز برای برقراری امنیت قضایی اشاره می‌کند آیت الله یزدی، امام جمعه موقت تهران نیز در یکی از خطبه‌های نماز جمعه خویش، اقدام به تعریف امنیت قضایی می‌کند. از نگاه وی: امنیت قضایی به معنی داشتن اطمینان به این که قاضی براساس قانون عمل کرده و اگر کسی شکایت دارد می‌تواند شکایت کند تا رسیدگی شود بررسی تعاریف و رویکردهای پیش گفته، بیانگر این واقعیت است که نگاه روشن و دقیقی به مفهوم امنیت قضایی در میان صاحب نظران وجود ندارد. این در حالی است که مفهوم «امنیت قضایی» عیناً در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وارد گردیده است.

الف - قضا به مثابه سیستم

اکنون و به قصد بررسی دقیق تر مفهوم امنیت قضایی ، به تشریح نظام قضایی کشوری پردازیم .
اگر نظام قضایی کشور را یک سیستم در نظر آوریم ، می توانیم با بهره گیری از مدل‌های تجزیه و تحلیل سیستمی به بررسی دقیق تری از این سیستم نایل شویم . بر این اساس با مفاهیمی مانند نظام یا سیستم ، ۱ اهداف ، ۲ ورودیها، ۳ عملکرد یا فرآیند عمل ۴ و خروجیها ۵ روبرو خواهیم شد.
بدین ترتیب ترکیبی مفهومی را در اختیار داریم که متشکل از اهداف ، ورودیها، عملکرد و خروجیهای یک سیستم می باشد(8).

هر آن چه را که بتوان سیستم یا نظام نام نهاد، می توان براساس این جدول به بحث و بررسی درآورد. هر نظام ، واجد برخی اهداف است و برای انجام دادن اعمال خویش در رسیدن به اهداف موردنظر، نیاز به برخی داده ها به مثابه ورودی دارد. نتیجه و محصول عملکرد نظام نیز در قالب برخی نتایج (تحت عنوان خروجی) نمایان.

فرآیند قضا و نظام قضایی نیز از این قاعده مستثنی نیست . از این زاویه نظام قضایی رانیز همانند هر سیستم دیگری می توان براساس اهداف ، ورودیها، عملکرد و خروجیهایش ، شناسایی کرد.

اهداف نظام قضایی کشور

براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، اهداف نظام قضایی کشور را می توان شامل تأمین حقوق همه جانبه افراد (بند ۱۴ از اصل سوم) و پاسداری از حقوق مردم (مقدمه قانون اساسی)

دانست . این امر از طرق زیر محقق می شود

- پیگیری و صدور حکم در مورد تظلمات ، تعدیات ، شکایات و حل و فصل دعاوی و رفع 1

خصومات (اصل ۱۵۶- بند ۱)

- اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می کند (اصل ۱۵۶ - 2

بند ۲)

در صورتی که تأمین حقوق افراد از طریق رفع خصومت و اختلاف میان اصحاب دعوی باشد، با مصادیق بند اول از اصل ۱۵۶ مواجه خواهیم بود. اما اگر تأمین حقوق افراد و پاسداری از حقوق مردم از طریق اخذ تصمیم و بدون اقامه دعوی از جانب کسی باشد، با مصادیق حسبه (بند دوم از 9). (اصل ۱۵۶) سروکار خواهیم داشت

در حالت اول ، قوه قضاییه از طریق صدور رأی و اعطای حقوق به ذیحق اقدام به رفع خصومت خواهد کرد. همچنین این قوه از طریق مورادی چون مثلاً نصب قیم برای برخی افراد که فاقد ولی خاص می باشند (موضوع ماده ۱۲۱۸ قانون مدنی) اقدام به تأمین و حفظ حقوق (اموال) ایشان می نماید. اقدام قوه قضاییه در مورد اخیر، اصولاً نیازی به شکایت شاکی و ادعای مدعی ندارد و این قوه رأساً و براساس ترتیبات مقرر شده ، نسبت به پیگیری امر و صدور حکم اقدام می کند

ورودی های نظام قضایی

ورودیهای نظام قضایی کشور متعدّدند. مصادیقی از ورودیهای نظام قضایی کشور رامی توان به

شرح زیر فهرست کرد:

1-1 مردم : مردم در جایگاه طرفین اختلاف و یا کسانی که به نحوی با امور حسبیه مربوط هستند از جمله ورودیهای قوه قضاییه به شمار می روند. به عبارت دیگر تا قبل از مراجعه مردم ، یعنی طرفین اختلاف ، فرآیند قضاء شکل نخواهد گرفت . همچنین می توان از نمایندگان مردم (وکلا) ایشان) نیز به مثابه بخشی از ورودیهای فرآیند قضاء یاد کرد. این نمایندگان (وکلا) فقر دانش و تجربه مردم در برخورد با قوه قضاییه را جبران می کنند.

1-2- وابستگان قضایی و اداری قوه قضاییه : قضات ، وابستگان اداری دادگاهها، دادستانها، کارشناسان رسمی ، ضابطین قوه قضاییه و اعضای هیأت منصفه (در جرایم سیاسی و مطبوعاتی - اصل (168) از جمله مصادیق وابستگان قضایی و اداری قوه قضاییه هستند. این افراد در مقام بخشی از ورودیهای قوه قضاییه تأثیر زیادی در شکل گیری فرآیند قضاء و تأمین و یا عدم تأمین اهداف نظام قضایی دارند.

1-3- قوانین و دیگر مقررات لازم الاجرا: قضاوت نیاز به برخی احکام کلی دارد که در دولتهای امروزی آن را مراجع دیگری قوای مقننه تهیه و در اختیار دادگاه ها و قوه قضاییه قرار می دهند. این متون که مبنای عمل ، رفتار و احکام قضات هستند، شامل موارد زیر می باشند:

الف - قوانین مربوط به تعریف حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی . مجموعه قوانینی مانند قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی و بسیاری دیگر از قوانین ریز و درشت رامی توان در این ردیف شمارش کرد. در واقع چه در امور حسبیه و چه در امور ترافعی ، این گروه از قوانین هستند که

مشخص می کنند که چه کسی صاحب حق است از این مجموعه از قوانین می توان به قوانین

ماهوی تعبیر کرد

ب - قوانین شکلی مربوط به صلاحیتها و آداب رسیدگی مقررات مربوط به آیین دادرسی و تعیین صلاحیتهای ذاتی و نسبی دادگاهها و شیوه رسیدگی در دادگاهها، در این طبقه از قوانین و مقررات جای می گیرند؛ این که دادگاهها چگونه طبقه بندی می شوند، کدام دادگاهها به کدامین اختلاف رسیدگی می کند، شیوه و تشریفات رسیدگی چیست ؟ سلسله مراتب دادگاهها چگونه است و نظام نقض و ابرام احکام قضایی چیست ؟ به کمک قوانینی مشخص می گردد که آنها را قوانین شکلی نام می نهیم.

ج - قوانین مربوط به نظام اداری در درون نظام قضایی ، نحوه استخدام وابستگان قضایی و اداری دادگاهها و غیره.

فرآیند قضا مرحله اصلی در نظام قضایی کشور، انجام گرفتن فعالیتی است که آن را قضاوت می نامیم . رسیدگی قاضی به مسأله مورد اختلاف ، شامل برخی مراحل تشریفاتی و مهم و برخی فعالیتهای ذهنی است که آن را قاضی انجام داده و در انتها به صدور حکم منتهی می شود. قاضی براساس برخی ورودیهای نظام قضایی (قوانین شکلی) به برخی دیگر از این ورودیها (قوانین ماهوی) مراجعه می کند تا موضوع اختلاف میان طرفین دعوی را با آنها منطبق ساخته و بتواند به شناسایی صاحب حق و تأمین حقوق وی اقدام نماید. ممکن است که مرحله جمع آوری ادله و

تحقیق را نیز در جرگه همین مرحله (فرآیند قضاء) طبقه بندی کنیم . با این وصف به نظر می رسد که مراحل جمع آوری ادله ،تحقیقات مقدماتی و تبادل لوایح را باید در زمره ورودیهای نظام قضایی طبقه بندی کرد

مرحله اصلی در نظام قضایی کشور، انجام گرفتن فعالیت است که آن را قضاوت می نامیم . رسیدگی قاضی به مسأله مورد اختلاف ، شامل برخی مراحل تشریفاتی و مهم برخی فعالیتهای ذهنی است که آن را قاضی انجام داده و در انتها به صدور حکم منتهی می شود. قاضی براساس برخی ورودی های نظام قضایی (قوانین شکلی) به برخی دیگر از این ورودیها (قوانین ماهوی) مراجعه می کند تا موضوع اختلاف میان طرفین دعوی را با آنها منطبق ساخته و بتواند به شناسایی صاحب حق و تأمین حقوق وی اقدام نماید. ممکن است که مرحله جمع آوری ادله و تحقیق را نیز در جرگه همین مرحله (فرآیند قضاء) طبقه بندی کنیم . با این وصف به نظر می رسد که مراحل جمع آوری ادله ،تحقیقات مقدماتی و تبادل لوایح را باید در زمره ورودیهای نظام قضایی طبقه بندی کرد

۴-خروجی ها نتیجه عملکرد دستگاه قضایی و قضاوت قاضی در صدور برخی احکام قضایی و قرارهای قانونی مشاهده می شود. قرارهایی مانند قرار منع یا موقوفی تعقیب یا حکم برائت یا مجرمیت در دعاوی کیفری و قرارها و احکام دیگری در حوزه امور حقوقی ، از جمله خروجیهای

نظام قضایی کشور است . ترسیم روشنی از عملکرد نظام قضایی کشور را می توان در جدول صفحه بعد دید.

ب- چستی امنیت قضایی در بحثهای مربوط به امنیت ملی ، معمولاً به ابعاد ذهنی و عینی مفهوم

امنیت پرداخته می شود. بعد عینی امنیت ناظر بر ویژگیها و شرایط خارجی است که به مثابه

شاخصهای ظاهری امنیت شناسایی شده اند. اگر نیروهای نظامی کشور همسایه فاقد سلاحهای

تهاجمی قوی باشند و یا این که سلاحهای هسته ای در اختیار نداشته باشند، احتمال آسیب

پذیری خود را در این زمینه کمتر خواهیم دانست و در این وادی خود را امن ترمی دانیم .

ارزیابی صورت گرفته ، در این حالت ناظر بر بود یا نبود یک شاخص عینی خارجی است که در

حکم یک متغیر در ارزیابیهای ما وارد می شود. همچنین کاهش میزان بیکاری یا کاهش آشوبهای

خیابانی را می توان از مصادیق عینی بهبود شرایط عینی کشور دانست

در مقابل ، بعد ذهنی امنیت ، ناظر بر احساسی است که در کنش گر نسبت به ایمن بودن یا نبودن

خود، ایجاد می گردد. اگرچه انتظار می رود میان ابعاد عینی و ذهنی امنیت ، تلازم منطقی وجود

داشته باشد، با این وصف ویژگیهای روانی حیات انسان ، گویای این واقعیت است که در عمل این

احتمال می رود که چنین تلازمی دیده نشود. چه بسا که شرایط عینی نمایانگر بهبود اوضاع امنیتی

کشور باشد، حال آن که مردم یا نخبگان آن کشور (به هر علت) احساس مساعدی در این زمینه

نداشته باشند. بالعکس ممکن است شرایط عینی مبین نامساعد بودن اوضاع امنیتی کشور باشد،

حال آن که مردم یا نخبگان چنین احساس نداشته باشند

ب - سابقه پژوهش

محترم شمردن قوانین و مهمتر از آن التزام عملی به قانون، از اولین پایه های استمرار و قوام جامعه و ایجاد نظم و امنیت فردی و اجتماعی اسرت. در همین راستا امنیت قضایی، زمانی شکل خواهد گرفت که اصول دادرسی عادلانه به نحو گسترده تضمین کننده حقوق مادی و معنوی شهروندان و خصوصا اصحاب دعوا باشند. امروزه الزام و تمایل به استفاده از مکانیزم های حقوقی و ابزارهایی مادی چون: سامانه های الکترونیکی، تشکیل پرونده شخصیت متهم، الزامات تفهیم اتهام، حق دسترسی بازداشت شدگان به وکیل، استقلال بازپرس در صدور قرارها، اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق و ... موضوعات متنوعی را برای تحقیق و مطالعه فراهم نموده اند که بر آن شدیم تا یکی از موضوعات متنوعی امنیت مدار را به رشته تحریر درآوریم. هدف اصلی، تبیین مفهومی به نام «امنیت قضائی» با تکیه بر ابزار دادرسی عادلانه و رعایت حقوق متهم در مرحله پیش از دادرسی است. در حقیقت، دادرسی عادلانه، یکی از حقوق بنیادین بشری است که صحت، کارایی و سلامت سیستم قضایی یک کشور را تضمین میکند و از همین اینرو، ضمن رعایت کامل حقوق قضایی، امنیت قضایی را نیز تأمین می نماید همچنین امنیت قضایی به عنوان

یکی از حقوق بنیادین بشری در اسناد بین المللی مربوط به حقوق بشر و انواع آن، به عنوان حقوقی بنیادین و لازم الاجرا دارای ویژگی های حقوق سخت و از قواعد لازم الاجرا می باشد

از حقوق مربوط به موضوع امنیت قضایی که در اسناد بین المللی معتبر، از جمله میثاق حقوق مدنی و سیاسی آمده، مواردی چون: آزادی و امنیت شخصی، حق دسترسی به دادگاه، حمایت در برابر بازداشت غیرقانونی و ... میتوان به اجمال نامبرد از آنجا که حاکمیت دولت به معنای اعم به تامین امنیت قضایی تحت عنوان یکی از ابعاد مختلف حقوق شهروندی موظف بوده لذا به نظر میرسد گام اول برای تحقق این امنیت، گسترش بسترهای قانونی در راه آموزش و حفظ حقوق شهروندی باشد. و از طرفی قوانینی در راستای تضمین حقوق قضایی شهروندان و در درجه بعد برای اصحاب دعوا، نزد مراجع انتظامی و محاکم قضائی وضع شود. حال شاید ابتدا به جهت اینکه بحث امنیت قضایی در حقوق کیفری ایران و رویه قضایی آنگونه که باید مورد توجه قرار نگرفته است در ثانی در کنار اهمیت موضوع رایج و مهم دیگر، یعنی رابطه امنیت قضایی و حقوق شهروندی- انجام تحقیق حاضر را به یک ضرورت مبدل ساخته است. مسئله اصلی این تحقیق بررسی این موضوع بوده که اساساً چیستی و مصادیق امنیت قضایی در مرحله پیش از دادرسی چگونه قابل ارزیابی و در نهایت دستیابی و مراقبت است؟ همین جا باید گفت با توجه به پیچیدگی روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... مجریان قانون نمی توانند برای هماهنگی با تغییرات روز جامعه منتظر ارائه تفسیر مناسب از قانونگذار یا تصویب قوانین جدید بمانند لذا اگر

به وسیله رویه قضایی این تحول و تطول صورت نگیرد و قاعده حقوقی در راستای تفسیر منطبق با واقعیات و نیازهای جامعه از قانون ایجاد نشود، قانون مسکوت و یا مجمل میماند و یا دارای اثر مورد نظر قانونگذار نخواهد بود. در این پژوهش ضمن توجه دادن به مراتب، سطوح و موضوعات امنیت در کنار عدالت قضائی، با تکیه بر مفهوم متغیری چون «دادرسی عادلانه»، ارتباط عدالت و امنیت به این صورت که عدالت در یک مفهوم زمینه ساز امنیت است و در مفهومی دیگر که نتیجه و توجه به امنیت، عدالت می باشد، ارائه شده است. در پاسخ به سوال مورد تحقیق ابتدا مفهوم امنیت قضایی و مبانی آن، سپس مصادیق امنیت قضایی به طور خاص در مرحله کشف جرم و در ادامه در مرحله تحقیقات مقدماتی تبیین شده و به تحلیل و نتیجه بحث پرداخته می شود

پ-نوآوری پژوهش

امنیت در لغت به معنای ایمن شدن، در امان بودن، آرامش و آسودگی است. در حالی که امنیت قضایی در اصطلاح حقوقی اطمینان خاطر است که بر اساس آن افراد در جامعه ای که زندگی میکنند تا نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند همچنین این حقوقدان، قاضی و قانون را تاسیساتی تأمین کننده آزادی و امنیت میدانند. همانطور که عدهای عقیده دارند: «امنیت قضائی عبارت است از کیفیت مناسب عملکرد دادگاهها در به کار بستن ضمانتهای اجرایی قانون، به ترتیبی که امام علی با فضیلت ترین شهروندان را قبل از نقض

قوانین و تعهدات شان از آن عمل باز دارد مردمان را کسی میداند که به بیشترین حد، به حق قضاوت کند. در این ساحت به نظر میرسد که نظام قضائی هر کشوری میتواند مدافع حقوق شهروندان، مجری عدالت و رکن اصلی ایجاد امنیت قضائی باشد. بنابراین امنیت نه تنها یک ارزش و به خودی خود مطلوب است بلکه وسیله ای است برای رسیدن به مطلوبه ای دیگر به عبارت دیگر آثار قوانین در حمایت از ارزشها و منافع اجتماعی بروز پیدا نمیکند مگر اینکه قوه قضائیه این حمایت را قضایی، و حفظ کرامت برای تامین امنیت تضمین و سرپرستی کند. برابر بند ۶ اصل ۲ ق.ا.ج.ا. و ارزش والای انسان و آزادیهای مشروع او در جامعه، تنها راه رسیدن برپائی قسط و عدل واقعی است. از این رو برای اینکه همه افراد در مقابل قانون یکسان تلقی شوند و در نتیجه تساوی عموم در برابر قانون محقق گردد؛ امنیت سازی قضائی اولاً: بر عهده حکومت دولتها و ثانياً: وظیفه ذاتی قوه قضائیه خواهد بود. کلید واژه‌های که عیناً در قانون اساسی ایران و، از جمله در شرح وظایف بنابراین امنیت دولت به معنی اعم ذکر شده است. قضایی را میتوان در تعریف زیر بیان کرد: عملکرد صحیح، به هنگام و بدون تبعیض سیستم قضایی جهت رسیدن به اهداف تعریف شده و اطمینان عمومی نسبت به این عملکرد «اگر اهداف نظام قضایی در کشور را، تأمین و دفاع از حقوق شهروندان بدانیم، امنیت قضایی آن هنگام حاصل خواهد شد که قواعد احکام، نهادها، سازمان و فعالان موجود در بخش قضایی کشور مجموع ورودیها، فرآیند قضاء و خروجیهای نظام قضایی در رسیدن به این اهداف، تلاش ورزند، از این رو اگر نظام قضایی موجود باشد و به هر علت نتواند به اهداف یاد شده نایل گردد، خواهیم گفت که به میزان

محروم شدن از اهداف نظام قضایی، از امنیت قضایی محرومیم در نتیجه مواردی که تضمین کننده حقوق شهروندان است مانند: اصل برائت برای متهم، شخصی بودن مجازاتها، تساوی افراد در برابر قانون، اصل علنی بودن رسیدگی و محاکمات و همچنین بررسی این قوانین در امنیت قضایی متهم و شاکی در مرحله رسیدگی و تحقیقات مقدماتی، باید همیشه مورد حمایت و حفاظت قرار گیرند

ت- ضرورت انجام پژوهش

هدف از پژوهش در امنیت قضایی ایجاد باور، خود سازی و ایمان برای سالم سازی دستگاه قضا است و باید با مدیریت و با استفاده از افراد لایق و متخصص جهت کاهش فساد در سیستم قضایی باشیم یک مشکل اساسی این است که ذهن و فکر پژوهشی نداریم نگاه پژوهشی باید به هم افزایی جمعی ختم شود تا انباشت دانش داشته باشیم پژوهش منجر به تغییر و ارتقای سطح دانش و زندگی می شود ذات پژوهش یادگیری و یاددهی است روش مندی، رسیدن به واژگان مشترک و اهمیت داده ها مراحل مختلف رسیدن به پژوهش است پژوهش فرآیند هوشمند، خلاق و روش مند برای بیان، یافتن، توصیف، بازنگری پدیده ها، رخداد، رفتار و باور است که منجر به تغییر و خلق دانش جدید می شود

س- سوالات پژوهش

مهم ترین پرسش پژوهش حاضر بررسی میزان انطباق در مقررات شکلی و ماهوی در ایران در مورد فرآیند رسیدگی به پرونده های قضایی با روش ها و راهکار های پیشگیرانه و این که تا چه اندازه ساختار و تشکیلات قضایی ایران در رابطه با چالش های امنیت قضایی با آنچه در قانون اساسی و قوانین موضوعه منطبق است

ح- فرضیات پژوهش

رسیدگی به چالش های فرآوری نهاد امنیت قضایی بر تمام فرآیند حقوق شهروندی انجام تحقیق حاضر را به یک ضرورت مبدل ساخته است. مسئله اصلی این تحقیق بررسی این موضوع بوده که اساساً چیستی و مصادیق امنیت قضایی در مرحله پیش از دادرسی چگونه قابل ارزیابی و در نهایت دستیابی و مراقبت است؟ همینجا باید گفت با توجه به پیچیدگی روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... مجریان قانون نمیتوانند برای هماهنگی با تغییرات روز جامعه منتظر ارائه تفسیر مناسب از قانونگذار یا تصویب قوانین جدید بمانند لذا اگر به وسیله رویه قضایی این تحول و تطول صورت نگیرد و قاعده حقوقی در راستای تفسیر منطبق با واقعیات و نیازهای جامعه از قانون ایجاد نشود، قانون مسکوت و یا مجمل میماند و یا دارای اثر مورد نظر قانونگذار نخواهد بود.

ج- اهداف و کاربرد های پژوهش

نخستین و ساده ترین بحث در پژوهش این است که پژوهش هدف نیست بلکه ابزار رسیدن به برخی اهداف است که این اهداف بنا به مخاطب متفاوت اند چون مخاطب ما قضات هستند و باید اهدافمان را بر اساس مخاطبمان تنظیم کنیم

اگر اهداف نظام قضایی در کشور را، تأمین و دفاع از حقوق شهروندان بدانیم، امنیت قضایی آن هنگام حاصل خواهد شد که قواعد، احکام، نهادها، سازمان و فعالان موجود در بخش قضایی کشور مجموع ورودیها، فرآیند قضاء و خروجیهای نظام قضایی در رسیدن به این اهداف، تلاش ورزند، از این رو اگر نظام قضایی موجود باشد و به هر علت نتواند به اهداف یاد شده نایل گردد، خواهیم گفت که به میزان محروم شدن از اهداف نظام قضایی، از امنیت قضایی محرومیم در نتیجه مواردی که تضمین کننده حقوق شهروندان است مانند: اصل برائت برای متهم، شخصی بودن مجازاتها، تساوی افراد در برابر قانون، اصل علنی بودن رسیدگی و محاکمات و همچنین بررسی این قوانین در امنیت قضایی متهم و شاکی در مرحله رسیدگی و تحقیقات مقدماتی، باید همیشه مورد حمایت و حفاظت قرار گیرند

خ- روش پژوهش

با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی در دو بخش مجزا ساختار تشکیلاتی مراجع قضایی، دادسرا مربوط به چالش ها در نظام دادرسی مورد بررسی قرار داده است و این که تا چه اندازه این ساختار و قواعد دادرسی در مورد قضات با راهکارهای و روش های پیشگیرانه آمده است

چ- سامان دهی پژوهش

برای شناخت و نیز حمایت از امنیت قضائی، در کنار ظهور مفاهیمی چون مشروعیت و عدالت طبیعی و ... اصلاح قوانین بر اساس مکتب فطری- انسانی اسلام و نیز بهره مندی از تجارب حاصل از رویه قضائی، باید به مقوله کرامت ذاتی انسانها اشاره کرد. انسان به علت داشتن کرامت ذاتی بهره مند از برخی حقهای بنیادین است که این حقوق اولیه در اسناد حقوق بشری منطقهای و بازتاب بین المللی یافته اند.

امنیت و عدالت از ابهام آمیزترین و چالش برانگیزترین اصطلاحات حوزه مطالعات علوم انسانی هستند. شاید یکی از دلایل این ابهام و مناقشه، مُشکک بودن این دو اصطلاح باشد؛ بدین معنا که هم عدالت و هم امنیت مقوله هایی ذومراتب هستند و سطوح و جلوه های مختلفی را در برمیگیرند در واقع امنیت قضائی به این معناست که افراد بتوانند در کوتاه ترین زمان ممکن به حقوق خود اعم از حق فردی یا اجتماعی برسند به اجرای عدالت دست پیدا کنند حال در بررسی واژه امنیت که به معنی فراغت نسبی هر انسانی از تهدید یا حمله میباشد؛ و شامل انواع و دسته بندهایی مانند: امنیت فردی، امنیت عمومی، امنیت خانوادگی، امنیت اجتماعی و ... موضوع امنیت قضائی در مرحله پیش از دادرسی، موضوع بررسی قرار گرفته است

از سوی دیگر امنیت حقوقی به عنوان اصلی پویا از پیشینه های طولانی برخوردار است. به طوری که فقه اسلامی به عنوان ریشه حقوق موضوعه ایران در موارد بسیاری به مصادیق این اصل

اشاره دارد، از جمله برابری آحاد مردم در مقابل قانون، تامین حقوق اجتماعی افراد بیمه سلامت، حق بازنشستگی و ... حق داشتن وکیل و دادخواهی در دادگاهها و دهها حق مسلم دیگر به طور مبنایی برای حفظ کرامت انسان ها و در مسیر ایجاد امنیت قضائی، برخی اصول در نظامهای کیفری تعیین شده است که رعایت آنها به تبع عدالت و امنیت قضایی را تامین میکند

بخش اول: کلیات

امنیت در لغت به معنای ایمن شدن، در امان بودن، آرامش و آسودگی است در حالی که امنیت قضایی در اصطلاح حقوقی «اطمینان خاطر است که بر اساس آن افراد در جامعه ای که زندگی میکنند تا نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند همچنین این حقوقدان، قاضی و قانون را تاسیساتی تأمین کننده آزادی و امنیت میدانند. همانطور که عدهای عقیده دارند: «امنیت قضائی عبارت است از کیفیت مناسب عملکرد دادگاهها در به کار بستن ضمانتهای اجرایی قانون، به ترتیبی که شهروندان را قبل از نقض قوانین و تعهداتشان از آن عمل باز دارد

در این ساحت به نظر میرسد که نظام قضائی هر کشوری میتواند مدافع حقوق شهروندان، مجری عدالت و رکن اصلی ایجاد امنیت قضائی باشد. بنابراین امنیت نه تنها یک ارزش والای و به خودی خود مطلوب است بلکه وسیلهای است برای رسیدن به مطلوبهای دیگر به عبارت دیگر آثار قوانین در حمایت از ارزشها و منافع اجتماعی بروز پیدا نمی کند مگر اینکه قوه قضائیه این

حمایت را قضایی، و حفظ کرامت برای تامین امنیت تضمین و سرپرستی کند. برابر بند ۶ اصل ۲ ق.ا.ج.ا. و ارزش والای انسان و آزادیهای مشروع او در جامعه، تنها راه رسیدن برپائی قسط و عدل واقعی است. از این رو برای اینکه همه افراد در مقابل قانون یکسان تلقی شوند و در نتیجه تساوی عموم در برابر قانون محقق گردد؛ امنیت سازی قضائی اول: بر عهده حکومت و دولتها و ثانيا: وظیفه ذاتی قوه قضائیه خواهد بود. کلید واژه‌های که عینا در قانون اساسی ایران و ، از جمله در شرح وظایف بنابراین امنیت دولت به معنی اعم ذکر شده است قضایی را میتوان در تعریف

زیر بیان کرد

عملکرد صحیح، به هنگام و بدون تبعیض سیستم قضایی جهت رسیدن به اهداف تعریف شده و اطمینان عمومی نسبت به این عملکرد اگر اهداف نظام قضایی در کشور را، تأمین و دفاع از حقوق شهروندان بدانیم، امنیت قضایی آن هنگام حاصل خواهد شد که قواعد، احکام، نهادها، سازمان و فعالان موجود در بخش قضایی کشور مجموع ورودیها، فرآیند قضاء و خروجی های نظام قضایی رسیدن به این اهداف، تلاش ورزند، از این رو اگر نظام قضایی موجود باشد و به هر علت نتواند به اهداف یاد شده نایل گردد، خواهیم گفت که به میزان محروم شدن از اهداف نظام قضایی، از امنیت قضایی محرومیم در نتیجه مواردی که تضمین کننده حقوق شهروندان است مانند: اصل برائت برای متهم، شخصی بودن مجازاتها، تساوی افراد در برابر قانون، اصل علنی

بودن رسیدگی و محاکمات و همچنین بررسی این قوانین در امنیت قضایی متهم و شاکی در مرحله رسیدگی و تحقیقات مقدماتی، باید همیشه مورد حمایت و حفاظت قرار گیرند برای شناخت و نیز حمایت از امنیت قضائی، در کنار ظهور مفاهیمی چون مشروعیت و عدالت طبیعی و ... اصلاح قوانین بر اساس مکتب فطری- انسانی اسلام و نیز بهره مندی از تجارب حاصل از رویه قضائی، باید به مقوله کرامت ذاتی انسانها اشاره کرد. انسان به علت داشتن کرامت ذاتی بهره مند از برخی حق های بنیادین است که این حقوق اولیه در اسناد حقوق بشری منطقیهای و بازتاب بین المللی یافته اند.

از سوی دیگر امنیت حقوقی به عنوان اصلی پویا از پیشینه ای طولانی برخوردار است. به طوری که فقه اسلامی به عنوان ریشه حقوق موضوعه ایران در موارد بسیاری به مصادیق این اصل اشاره دارد، از جمله برابری احاد مردم در مقابل قانون، تامین حقوق اجتماعی افراد بیمه سلامت، حق بازنشستگی و ..، حق داشتن وکیل و دادخواهی در دادگاهها و دهها حق مسلم دیگر. به طور مبنایی برای حفظ کرامت انسانها و در مسیر ایجاد امنیت قضائی، برخی اصول در نظامهای کیفری تعیین شده است که رعایت آنها به تبع عدالت و امنیت قضایی را تامین میکند

همچنین برای بررسی میزان مطلوبیت هر موضوع یا فرایند، از جمله قانون و قانونگذاری، به ناچار باید آن را با مقوله عدالت ارزیابی کرد. عدالت در معنای عملی خود با مفاهیم نزدیک و هم خانوادههایی مانند: برابری، اخلاق، قانون، انصاف، آزادی در می آمیزد بدین ترتیب، در این

جوامع افراد ملت مشمول محدودیتها و اوامر و نواهی قانونی قرار نمی گیرند مگر با اعمال مقررات قانونی در مراجع قضایی که در آن کلیه معیارهای دادرسی عادلانه، مد نظر قرار گرفته باشد پس امنیت قضایی هر کشور بستگی به کارکرد نهادهای متعدد کشوری بالاخص دستگاه قضایی آن کشور دارد و کارکرد صحیح این قوه و دادگستری ها در اقصی نقاط کشور امنیت و آزادی را به دنبال میاورد مهمترین عناصر و مولفه های امنیت قضایی عبارتند از: حاکمیت قانون، به معنای احترام و التزام مسئولان نظام و مردم به قانون و حسن اجرای آن در جامعه؛ استقلال قضایی؛ به این معنا که قضات مطابق قانون و وجدان و بنابر تشخیص قضایی خود و بدون نفوذ هرگونه مقامی حتی مقامات قضایی بالاتر از خود مبادرت به صدور حکم و اتخاذ تصمیم قضایی نمایند حال تضمین واقعی برای برخورداری افراد یک جامعه از حقوق بنیادین در باب امنیت، یکی تامین دادرسی عادلانه برای شهروندان به معنی عادلانه برگزار شدن دادگاهها، به عنوان یک قاعده کلی و دیگری تشخیص حق از باطل و اجرای عدالت واقعی در جزء جزء فرآیند دادرسی است و لذا استناد و اتکاء بر اصول و ساز و کارهای دادرسی عادلانه عدالت شکلی و به دنبال آن احقاق حقوق و فصل خصومت و ایجاد صلح و سازش عدالت ماهوی در مرئی و منظر عموم مردم، تقویت هر چه بیشتر امنیت قضائی - در مرحله تحقیقات مقدماتی و نیز در مراحل مختلف دادرسی را در بر خواهد داشت. به این منظور به مرور بر اصول هفتگانه دادرسی عادلانه مورد توجه و رعایت نظامهای حقوق؛ می پردازیم

اصل برائت از بنیادی ترین اصول کلی حاکم بر دادرسی، به این معنی است که بنای دادرسی بر عدم ارتکاب جرم توسط افراد قرار دارد؛ مگر اینکه با رسیدگی صحیح و عادلانه، جرم فرد در یک مرجع صالح قانونی ثابت شود. حق بهره مندی از این اصل در اصل ۳۷ ق.ا، بند ۲ ماده واحده ۲ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، بند الف ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۸۷، همچنین ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر به صراحت مورد تایید قرار گرفته است؛ و در حال حاضر ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری با ظهور کامل به این ۴ اصل اشاره کرده است: از آن جا که اصل «برائت» نتیجه منطقی اصل قانون بودن جرائم

به

به شمار می رود و در امور کیفری کاربرد بسیار حائز اهمیتی دارد لذا اصل امنیت حقوقی ایجاب می کند که شهروندان اطمینان داشته باشند که به جز در مواقع احراز جرم، هیچگاه وضعیت حقوقی آنان دگرگون نمیشود و همواره تا پیش از تغییر وضعیت حقوقی از حمایت نظام حقوقی برخوردار هستند علاوه بر این پذیرش اصل برائت دو اثر عمده دیگر در دادرسی کیفری دارد: یک اثر آن حقایق دفاعی متهم و دیگری حق های ناظر بر تأمین آزادی متهم

است

یکی دیگر از اصول مهم دادرسی، اصل بی طرفی مقام قضائی در دادرسی است. بی طرف بودن، از جمله تعهداتی است که قاضی باید دارا باشد و منظور از اصل استقلال و بی طرفی رسیدگی

کننده آن است که اول قضات بدون جانبداری سیاسی، حقوقی و اعتقادی به وظیفه خویش
بپردازند و ثانیاً؛ رسیدگی قضایی باید مستدل، مستند و در چارچوب قوانین حاکم باشد. درباره
تامین این حق و رعایت این اصل در بند ۱ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است :

«هرکس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش به وسیله دادگاه مستقل و بی طرف، منصفانه و
علناً رسیدگی شود.» در ماده ۱۰ این اعلامیه نیز گفته: «هر انسانی سزاوار و محق به دسترسی کامل
و برابر به دادرسی آشکار و عادلانه توسط دادگاهی بیطرف و مستقل است تا در برابر هر گونه
اتهام جزایی علیه وی، به حقوق و تکالیف وی رسیدگی کند.» اکنون در مقررات ایران نیز به
صراحت از بیطرفی در دادرسی سخن رفته است و ماده ۳ قانون آئین دادرسی کیفری مقرر داشته :

«مراجع قضایی باید با بی طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاهترین مهلت
ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند ملاحظه می شود در بیان اصول قطعی دادرسی
عادلانه و برای تامین امنیت قضائی قانونگذار سال ۱۳۹۲ در بخش اول به نام کلیات، فصل اول در
جایگاه تعریف آیین دادرسی کیفری و اصول حاکم بر آن، اصول حقوقی و قواعد آمرهای را درج
و اشاره کرده است که آرزوی مجریان دستگاه قضائی و شهروندان بوده است. در کنار این، رویه
قضایی به واسطه عوامل مهمی چون استقلال قاضی، قضاوت عادلانه، احترام به حقوق مکتسبه،
درک مشترک از قانون، عملکرد بدون تبعیض نقش بسیار مهمی در تحقق امنیت قضایی دارد
همچنین در ارزیابی ها، قضاوت براساس میزان عدل مورد سنجش قرار میگیرد و لازمه سلامت
این معیار، خالی بودن دستگاه قضایی از هرگونه اثرپذیری از منافع یا عواطف شخصی میباشد

البته وظیفه قانون نیز تضمین بی طرفی از طریق تعیین دلیلی که ممکن است منجر به عدم ایجاد بی طرفی شود، میباشد. بنابراین قانون میبایست بیطرفی دستگاه قضایی را از طریق اعمال وظایف مشخص بر قوه قضائیه بر عهده بگیرد. بنابراین یکی از سازوکارهای تأمین امنیت قضایی در روایات، رعایت عدالت و تساوی افراد در برابر قانون است که از پایه های اساسی قضاوت به شمار آمده است. در همین راستا در کلامی امام صادق (ع) فرموده اند: «هر کس درگیر قضاوت شد، باید در اشاره و نگاه کردن و محل نشستن، تساوی را رعایت کند

اصل علنی بودن محاکمات نیز به عنوان یکی از اصول اساسی دادرسی عادلانه، وضعیتی است که در آن بدون ایجاد مانع بر سر راه حضور افراد عادی و رسانه های عمومی، جلسات رسیدگی به اتهام متهم تشکیل و اداره میشود. ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و بند ۱ ماده اعلامیه حقوق بشر بر علنی بودن رسیدگی تاکید کرده اند. البته اصل ۱۶۵ قانون اساسی مقرر کرده است: «محاکمات علنی انجام میشود و حضور افراد بالامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی، طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمات علنی نباشد». اگرچه تحقیق مقدماتی پیش از دادرسی چه در دادسرا و چه در محاکم بدوی غیرعلنی است، ولی این مقطع با اصل دادرسی توسط مقامی بی طرف تضمین خواهد شد، یعنی محرمانه بودن تحقیقات برای کشف حقیقت است نه جمع آوری علیه متهم لذا با گذر از محدودیت ماده 192 قانون آئین دادرسی کیفری میتوان به دادرسی علنی و رسیدگی

عادلانه در نظام کیفری ایران اشاره نمود، چراکه علنی بودن محاکمه یک اصل بدیهی و مقبول جوامع است. پس از سپری شدن مرحله تحقیقات مقدماتی؛ اصل بر توافعی و علنی بودن محاکمه

است

۱-۴ اصل علنی بودن دادرسی

اصل علنی بودن محاکمات نیز به عنوان یکی از اصول اساسی دادرسی عادلانه، وضعیتی است که در آن بدون ایجاد مانع بر سر راه حضور افراد عادی و رسانه های عمومی، جلسات رسیدگی به اتهام متهم تشکیل و اداره میشود. ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و بند ۱ ماده اعلامیه حقوق بشر بر علنی بودن رسیدگی تاکید کرده اند. البته اصل ۱۶۵ قانون اساسی مقرر کرده است «محاکمات علنی انجام میشود و حضور افراد بلامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه

،علنی

بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی، طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمات علنی نباشد». اگرچه تحقیق مقدماتی پیش از دادرسی چه در دادسرا و چه در محاکم بدوی غیرعلنی است، ولی این مقطع با اصل دادرسی توسط مقامی بیطرف تضمین خواهد شد، یعنی محرمانه بودن تحقیقات برای کشف حقیقت است نه جمع آوری علیه متهم لذا با گذر از محدودیت ماده 192 قانون آئین دادرسی کیفری میتوان به دادرسی علنی و رسیدگی عادلانه

در نظام کیفری ایران اشاره نمود، چراکه علنی بودن محاکمه یک اصل بدیهی و مقبول جوامع است. پس از سپری شدن مرحله تحقیقات مقدماتی؛ اصل بر توافقی و علنی بودن محاکمه است

۱-۵ اصل بهره مندی از وکیل

حق داشتن وکیل یکی دیگر از اصول دادرسی منصفانه را حق متهم به داشتن وکیل عنوان میکنند که در اصل 35 قانون اساسی پیش بینی شده است. در حال حاضر این حق ضمن مواد ۵، تبصره ۲ ماده ۱۳، ۴۸، 68، ۸۶، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۹۰، ۱۹۵، ۲۶۳ و ... قانون آیین دادرسی کیفری مطرح و تثبیت شده است و در صورت عدم رعایت این ضوابط نظیر سلب حق همراه داشتن وکیل، منجر به محکومیت انتظامی قضات خواهد شد. در این قسمت با ذکر مواد مرتبط، گذری به موضوع اصل بهره مندی از وکیل می شود:

حق دسترسی به وکیل: «ماده ۵- متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره مند شود

تقاضای همراهی وکیل: «ماده ۴۸- با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم میتواند تقاضای حضور وکیل نماید».

نحوه حضور و اختیارات وکیل: ماده ۱۹۰ «متهم میتواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به

متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود این حق در برگه احضاریه قید و به او ابلاغ میشود. وکیل متهم میتواند با کسب اطلاع از اتهام و دلیل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورتمجلس نوشته میشود اصل بهره مندی از وکیل حق داشتن وکیل به عنوان یکی از اصول دادرسی عادلانه در جهت تامین امنیت قضائی افراد جامعه تا به آنجا مورد نظر قانونگذار قرار گرفته است که برای رعایت اصل برابری سلاح ها، در مقطعی وکیل میتواند در محاجه با مقام قضائی مبادرت به تذکر موضوع تبصره ماده ۱۹۵ نماید «تبصره- وکیل متهم میتواند در صورت طرح سؤالات تلقینی یا سایر موارد خلاف قانون به بازپرس تذکر دهد. اصل تفهیم اتهام به متهم این حق متهم میباشد که از جانب مقام قضائی اتهام وی به نحوهای بیان شود که با توجه به شرایط و وضع متهم برای او قابل درک باشد. تفهیم اتهام باید با ذکر ماده قانونی که توسط متهم نقض شده و از جانب مقام قضائی صورت بگیرد. حق اطلاع دقیق از زمینه اتهام، نوع و درجه آن که در ابتدایی ترین مراحل تعقیب و تحقیق باید صورت پذیرد تا متهم بتواند خود را برای دفاع مناسب آماده سازد پیش از این در ماده ۱۲۷ و بعد ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ ضمن اشاره به لزوم تسریع در تحقیقات مقدماتی به این اصل تفهیم اتهام اشاره شده بود و حق تفهیم اتهام برای متهم را به رسمیت شناخته شده بود. به دلیل اهمیت تفهیم در بند ۲ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر شده: «هرکس دستگیر میشود باید در موقع دستگیر شدن از جهات علل آن مطلع گردد و در اسرع وقت اخطاریه ای دایر به هرگونه اتهامی که به او نسبت داده

میشود، دریافت دارد و اما در ادامه قانون آئین دادرسی کیفری در مواد ۵، ۶ و ۷ برای تأمین عدالت قضائی و تشریفات دادرسی عادلانه هر چه تمام تر پایه گذاری امنیت قضائی را شکل میدهد: آگاهی از حقوق دفاعی متهم: ماده ۵ «متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره مند شود

۱-۶ آگاهی اصحاب دعوا از موضوع دادرسی :

ماده ۶ «متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذیربط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود» رعایت حقوق شهروندی و ضمانت اجرای نقض آن: ماده ۷ «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب « ۱۳۸۳/۲/۱۵ از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ محکوم می شوند، مگر آنکه

در

این قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد پس به طور کلی تحقق امنیت قضایی از مهمترین نیازها و حقوق انسانی شهروندان است. امنیت قضایی موجب اعتماد و اطمینان شهروندان نسبت به

جامعه می شود و زمینه ی رشد و بالندگی جوامع را فراهم میکند و فقدان یا ضعف آن موجب

اختلال در نظم اقتصادی و سیاسی می شود

۱-۷ مفهوم شناسی امنیت قضایی

امروزه تامین امنیت در راس دغدغه هایی هر نظام حقوقی قرار گرفته است یکی از ابعاد مهم امنیت که احساس آرامش شهروندان را به دنبال خواهد داشت تامین امنیت قضایی است امنیت قضایی یعنی در امان بودن ، جان ، مال ، ناموس ، آزادی ، حیثیت و حقوق شهروندان از هر گونه تجاوز ، سازوکار های مناسب برای نیل به این مقصود و تامین امنیت قضایی شهروندان به ویژه متهمین چیست ؟ نظام های حقوقی ایران در این زمینه ، چه گام هایی برداشته اند و چه اقداماتی را پیش بینی کرده اند ؟ تامین امنیت قضایی در پرتو ضمن اصول دادرسی عادلانه و منصفانه و حضور قضاتی مستقل و بی طرف در مراجع قضایی و رعایت حقوق دفاعی ایشان مانند اصل برائت ، حق داشتن وکیل و تفهیم آن حاصل می شود رعایت اصل برائت و پایبندی به آن و حضور وکیل در فرآیند کیفری ، علاوه براین که به عنوان یاور دادرسی شناخته می شود در اجرای عدالت نیز سودمند است مورد توجه نظام حقوقی ایران و در قانون اصلی توجه اسناد بین المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ قرار دارد مطابق قانون آیین دادرسی کیفری ایران کسی را نباید بدون دلیل کافی برای انتساب اتهام به عنوان متهم احضار یا جلب کرد این مقرر به اصل برائت اشاره دارد و تامین کننده امنیت قضایی است که شهروندان می توانند در پرتو آن

خود را از هرگونه پیگیری غیر قانونی در امان دارند و از سوی دیگر در صورت توجه اتهام با برخورداری از یک وکیل به دفاع از خود بپردازد با توجه به اهمیت وکیل در فرآیند دادرسی کیفری، حضور وکیل در تمام مراحل دادرسی در نظام حقوقی ایران پیش بینی شده است

تامین حقوق متهم و منافع جامعه و حفظ نظم و مصالح اجتماعی از هدف های مهم نظام های حقوق کیفری است بدون آن که دفاع از منافع جامعه تمسکی برای نادیده گرفتن حقوق متهم باشد و یا مقررات دادرسی کیفری به نحوی وضع شوند که مجرم بتواند از چنگال عدالت فرار کند و یا این که احیاناً بی گناهی را به ناحق گرفتار عقاب سازد توجه به حقوق متهم و جامعه پیوسته باید مد نظر حاکمیت باشد اما در دوره هایی از تاریخ، گاهی فقط تامین منافع متهم و گاهی تنها حفظ مصالح اجتماع مورد توجه قرار گرفته است در حالی که تامین حقوق متهم و برخورداری وی از دادرسی عادلانه هم زمان با رعایت مصالح اجتماعی دست یافتنی است برای تحقق هدف مذکور و برخورداری از امنیت قضایی و برای پرهیز از هر گونه تجاوز و تهدید نسبت به جان، مال، ناموس آزادی، شرف و احقاق حقوق قانونی و مشروع شهروندان چه باید کرد؟ قانون گذار ایران در راستای رسیدن به این هدف، سعی نموده با شناسایی معیار های دادرسی منصفانه، در جهت حمایت از منافع متهم و جامعه گام های اساسی و مهمی بردارد زیرا امنیت قضایی در پرتو حقوق دفاعی متهم شکل می گیرد از این رو، حقوق دفاعی متهم را به عنوان یکی از معیار های دادرسی عادلانه ابتدا در قانون اساسی و سپس در قانون آیین دادرسی کیفری آورده است حقوق

دفاعی متهم در اصول ۳۸، ۳۷، ۳۵ قانون اساسی پیش بینی شده تا متهم بتواند فعالانه در جهت رد اتهامی که متوجه وی شده است اقدام نماید قانون آیین دادرسی کیفری نیز با بکارگیری الگوهای دادرسی عادلانه و با هدف تامین امکانات برابر برای طرفین دعوی، تحولاتی را ابتدای فرآیند کیفری کشف جرم و تحقیقات مقدماتی در جهت حفظ حقوق متهم پیش بینی کرده است مطابق ماده ۶۸ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار یا جلب کرد، به عنوان اصلی بنیادین به امنیت قضایی همه شهر وندان اشاره دارد، که می تواند از یک سو زیر سایه آن احساس آرامش کنند و خود را از هر گونه تعقیب و احضار ناصواب مصون دارند و از سوی دیگر در صورت توجه اتهام با برخورداری از وکیل به دفاع از خود پردازد حضور وکیل در فرآیند دادرسی کیفری، آنچنان پراهمیت است که سیاست گذاران جنایی بین المللی و ملی حق برخورداری از وکیل را در شمار حقوق بنیادین متهم و بزه دیده گنجانده اند با این وجود، اگرچه در تمامی اسناد و موازین حقوق بشر، بر لزوم حق بهره مندی از مساعدت وکیل به عنوان یکی از تضمینات دادرسی عادلانه تاکید شده لیکن در خصوص مبنا و ضرورت به رسمیت شناختن این حق برای متهم هیچ گونه تصریحی در اسناد فوق به عمل نیامده است

مبانی بحث مانند اصل برائت، تساوی سلاح ها، تسریع رسیدگی و به حق برخورداری متهم از وکیل پرداخته می شود

کلمه امنیت ریشه در واژه امن دارد و به معنی در امان و آرامش بودن است امن و امنیت را ر اصل به معنای آرامش نفس و از بین رفتن ترس است در لغت ، حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند

در اصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت امنیت فردی ، امنیت اجتماعی ، امنیت ملی و بین المللی به کار برده می شود تعاریف متعددی از امنیت ارائه شده که شاید یکی از اختلافات مهم در مفهوم امنیت ، میزان وسعت مفهوم امنیت از جهت بخش ها و ابعاد آن است واژه امنیت ابتدا در ادبیات سیاسی آمریکا متداول شد و بعد از تغییرات مهمی که پس از جنگ جهانی دوم در سیاست بین الملل پدید آمد ، باعث شد تا این مفهوم نیز هر چه بیشتر کارایی پیدا کند

امنیت قضایی نیز عبارت است از ایمنی و مصون ماندن فرد از هر گونه تعرض ، تجاوز ، ارباب و تهدید نسبت به جان ، مال ، ناموس ، آزادی ، شرف ، حیثیت ، شغل و مسکن و به طور کلی تمامی حقوق قانونی و مشروع او است امنیت قضایی ، فرآیندی برای رسیدن به یک نظام قضایی عادلانه و منصفانه است که در آن همگان به عدالت دسترسی داشته باشد ، حقوق افراد به طور مناسب تامین شود و عدالت نسبی میان افراد جامعه و به ویژه حاکمان و شهروندان برقرار شود امنیت قضایی عبارت از توسعه عدالت در جامعه ، تامین آزادی های مشروع و حمایت از آنها و به کار بردن تشریفات و مقررات قضایی روان و مناسب است

امنیت قضایی ، حالتی است که در آن ، حیثیت ، جان ، مال و تمامی امور مادی و معنوی انسان در حمایت قانون و در صیانت قوه قضائیه باشد برای ایجاد چنین حالتی ، باید مولفه های اساسی رعایت شوند تا از آن طریق به توان به هدف امنیت قضایی که دستیابی به عدالت قضایی است ، دسترسی یافت تامین چنین امنیت عادلانه ای برای همه و تساوی عموم در برابر قانون ، طبق بند ۱۴ اصل ۱۳ و اصل ۱۵۶ قانون اساسی بر عهده حکومت و قوه قضائیه است

احترام و التزام به قانون ، از اولین شرایط قوام جامعه و ایجاد نظم و امنیت فردی و اجتماعی است برنامه ریزی های بلند مدت به منظور ایجاد و امکان تحول و رشد ، تنها در جامعه ای میسر است که قانون ، نظم و امنیت ، ثبات و امید به آینده و اعتماد متقابل حکم فرما باشد

دادرسی عادلانه ، خود یکی از حقوق بنیادین بشر است که صحت ، کارایی و سلامت سیستم قضایی یک کشور را تضمین می کند و از این راه امنیت قضایی را نیز تامین می نماید امنیت قضایی زمانی شکل خواهد گرفت که اصول و رویه های دادرسی ، به نحوی عادلانه ، تضمین کننده حقوق مادی و معنوی افراد جامعه باشند و همه افراد ، هنگام حضور در مراجع عدالت کیفری و توسل به قضات دادگستری از حقوق قضایی نظیر حق داشتن وکیل ، حق آگهی از موضوع اتهام ، حق سکوت بر خوردار باشند و به وسیله اعمال اصول و رویه های متعارف یک دادرسی عادلانه ، مانند : اصل برائت ، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ، نسبت به اجرای تمام

حقوق قضایی خویش و دم تضييع آن ، اطمینان حاصل کنند فقط از این راه می توان به وضعیت

مطلوب عدالت قضایی دست یافت

با توجه به امنیت قضایی آن چه از تفکیک حقوق بشر و حقوق شهروندی در مثال احترام به آزادی مشروع و حقوق شهروندی ایران حاصل می شود این است که برخی از مصادیق حقوق قضایی هم جنبه حقوق بشری دارند و هم جنبه حقوق شهروندی ، اما نسبت به این که جز حقوق بشر تلقی گردند یا حقوق شهروندی ، می تواند آثار متفاوتی را در پی داشته باشند برای مثال ، حق بر خورداری از محاکمه عادلانه در جامعه جهانی و بیشتر نظام های حقوقی پذیرفته شده است و از نظر مفهومی از دید بیشتر جوامع ، جز حقوق بنیادین بشر محسوب می شود اما از آنجا که حقوق شهروندی ، مقید به مرزهای جغرافیایی خاصی است و قوانین و مقررات هر جامعه ، به مفهوم خاص، برقراری نظم ، امنیت و عدالت را دنبال می کند مفهوم حق محاکمه عادلانه و شرایط و تضمین حق مزبور ، هرگز نباید به گونه ای باشد که ماهیت وجود چنین حقی را زیر سوال ببرد شرایط باید به نحوی باشد که قانون حق محاکمه عادلانه از جمله حقوق متهم را برای تمامی افراد جامعه ، براساس ضوابط و مقررات خاص آن جامعه تامین کند ، حقوق قضایی مجموعه قواعدی هستند که مبنای اصلی آن ها مقررات حقوق بشر است مبنای اصلی حقوق قضایی ، حق بشر است و هر یک از حقوق قضایی در یک جامعه خاص ، به عنوان یکی از حقوق اساسی و بنیادین شهروندان ، براساس مقررات و ضوابط خاص جامعه تامین و تضمین می شود این

تامین و تضمین نباید به نحوی باشد که بر ماهیت و محتوای حقوق مزبور و فلسفه وجودی آن، خللی وارد آورد جهت برخورداری از امنیت قضایی و دادرسی منصفانه گفته می شود که دادرسی کیفری باید جنگی جوانمردانه میان دولت و متهم باشد کلیه اقدامات حقوقی و قضایی و دادرسی عادلانه لازم و ملزوم یکدیگرند و مولفه های دادرسی عادلانه تا حد زیادی همان مصادیق امنیت قضایی هستند می توان تضمینات ناظر بر تامین امنیت قضایی از قبیل، اصل برائت، حق داشتن وکیل و تفهیم آن، اصل تساوی سلاح ها و تسریع در رسیدگی برشمرد

رسالت عدالت کیفری تعادل بخشی میان دو کارکرد اصلی خود در قبال شهروندان است

نخست: تضمین عادلانه حقوق شهروندان در برخورداری از امنیت فراگیر در مقابل مجرمان

دوم: تضمین واقعی حقوق انسانی و دفاعی شهروندان در مقابل مراجع عدالت کیفری، از این رو

عدالت کیفری، گذشته از نظام مندی، مبتنی بر فرآیندی با مراحل مختلف است که از دستگیری

تا اجرای مجازات و مرحله پسا کیفری را شامل می شود افزون بر این، عدالت کیفری کنشگران و

نهاد هایی دارد که برپایه سلسله قواعد و مقررات به فرآیند رسیدگی می پردازد

حقوق دفاعی متهم که امروزه به عنوان جزء جدایی ناپذیر دادرسی منصفانه در قوانین و مقررات

داخلی و بین المللی مطرح و حمایت می شود، به معنای مجموعه امتیازات و امکاناتی است که در

یک دادرسی منصفانه لازم است متهم از آن برخوردار باشد تا بتواند در مقابل ادعایی که برخلاف

فرض برائت، علیه او مطرح شده است در شرایطی آزاد و انسانی از خود دفاع کند حق دفاع متهم

عبارت از مجموع تضمینات قانونی و قضایی است که در سطح ملی، منطقه ای و یا بین المللی برای افرادی که در مظان اتهام ارتکاب بزه قرار می گیرند، در سراسر یک رسیدگی کیفری و با هدف اتخاذ تصمیمی عادلانه منظور گردیده است. حق دفاع متهم را های قانونی جهت جلوگیری از اثبات مجرمیت وی در کلیه مراحل فرآیند کیفری اطلاق می گردد. حقوق دفاعی متهم در مراحل مختلف رسیدگی به یک اتهام، در مقررهای بین المللی از جمله میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و در عرصه داخلی نیز، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و هم در قانون آیین دادرسی کیفری تضمین شده است. در فلسفه حقوق و حقوق کیفری، وقتی از حقوق دفاعی متهم صحبت می شود منظور بار ارزشی آن نیست و موضوع گزاره های اخلاقی قرار نمی گیرد، بلکه مراد بررسی بهره مندی متهم از حق ها و تضمین های مقرر شده برای وی در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی است. بنابراین حقوق دفاعی، زیر مفهوم حق داشتن قرار می گیرد، نه زیر مفهوم حق بودن به بیان ساده تر. حقوق دفاعی متهم به معنای برخورداری متهم از برخی امکانات، امتیازها، حمایت ها و تضمین های قانونی و قضایی در جریان دادرسی است. یکی از مهم ترین این حقوق حق برخورداری متهم از وکیل است.

1-9 مبانی لزوم امنیت قضایی

در ارزیابی فرآیند عدالت کیفری سوال این است که منافع چه کسانی در اولویت سیاست های تقنینی و قضایی قرار می گیرد. چنانچه نظام های عدالت کیفری در پی برقراری عدالت به معنای

واقعی آن باشند ، منافع عموم شهروندان دغدغه اصلی در فرآیند کیفری خواهد بود اما در صورتی که در پی خدمت به حکومت ها باشند و امنیت واستمرار آن ها را هدف خود بدانند ، اولویت های نظام سیاسی حاکم را درصدر برنامه های رسیدگی کیفری قرار می دهند ، هر چند موازین دادرسی عادلانه نفی گردد به همین جهت ، سیاست گذاران جنایی با پیروی از آموزه های حقوق بشری ، جرم شناسانه و بزه دیده شناسانه ، حق این دو کنشگر (بزه دیده و متهم) در بهره مندی از وکیل را در سراسر فرآیند کیفری را به رسمیت شناخته اند ، تا در پرتو آن بزه دیدگان و متهمان ، بتوانند از حقوق خود در پهنه ی عدالت کیفری دفاع نمایند

تضمین حقوقی دفاعی متهم واجد اهمیت فراوانی است وبا پذیرش حضور وکیل چه از طرف متهم وچه از طرف بزه دیده ، به این امر نه تنها به عنوان یک حق می نگرد ، بلکه آن را در زمره اصول دادرسی منصفانه می انگارد نقش وکیل را می توان به عنوان یاور دادرس در امر دادرسی دانست علاوه بر این حضور او در جریان فرآیند کیفری در اجرای عدالت نیز سودمند است ودر کانون اصلی توجه اسناد مختلف حقوق بشر از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) قرار دارد همچنین با مذاقه در دیگر اسناد بین المللی حقوق بسر همچون مجموعه اصول حمایت از همه افراد تحت هر گونه بازداشت یا حبس ، اصول اساسی نقش وکلا ونیز ملاحظه اسناد منطقه ای مشابه خصوصا کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر وآزادی های اساسی این نکته مهم احراز می شود که در بررسی لزوم حق برخورداری از وکیل ، به حقوق متهم بیشتر توجه شده

است و حقوق جامعه در مرحله دوم قرار دارد مبانی که از سوی طرفداران این الگو به عنوان مبانی حق بهره مندی از وکیل ارائه شده است

اصل براءت

تاریخچه اصلی و قدیمی اصل براءت را بایستی در سفارشات ائمه معصومین (علیهم السلام) جستجو نمود که همواره تاکید بر اصل بی گناهی انسان ها داشته اند روایات موجود درباره امام علی (ع) بیانگر حاکمیت این اصل بنیادین در سیره ایشان هستند ایشان می فرمایند: ((انی لا اخذ علی التهمه ولا اعاقب علی الظن)) من به خاطر تهمت کسی را مورد بازخواست قرار نمی دهم و با ظن و گمان کسی را کیفر نمی دهم و اصل براءت در حقوق اسلام کاربرد زیادی دارد زمانی که اصول فقه به عنوان یک رشته علمی مستقل، تدوین نیافته بود قواعد و مقررات اصل براءت در میان آیات و روایات قرآن وجود داشت البته لازم به ذکر است که اصل براءت از قواعد فقهی است اما چون مدرک استنباط حکم شرعی در مجاری خود قرار می گیرد، بنابراین در علم اصول مطرح شده است اصل براءت در حقوق اسلام در قالب قواعد متعددی مثل ((قاعده دراه))، ((اصاله الاباحه)) و نهایتاً ((قاعده براءت عقلی)) مطرح است

اصل براءت یکی از اصول مترقی است که دارای سابقه ای طولانی است و به طور کلی بیانگر این مهم است که متهم تکلیفی در ارائه دلیل بر گناهی خود ندارند که موجب علم و اقناع وجدان قاضی شود مطابق این اصل، مقام تعقیب کننده یعنی دادستان بایستی نزد دادگاه بی طرف، ارکان

جرم را به اثبات برساند و دلایل کافی علیه متهم در خصوص عنصر معنوی جرم ارائه نماید ، چرا که اصل بر بی گناهی متهم است و اثبات گناهکاری وی بر عهده مقام تعقیب کننده است بر اساس این اصل هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر این که اتهام او در دادگاه ثابت شود امنیت قضایی وقتی است که دادگاه ها و مراجع قضایی ، در اجرای وظایف قانونی خود ، به گونه ای رفتار کنند که به حقوق افراد لطمه وارد نشود و آزادی آن ها تهدید نگردد از این رو ، در جریان کشف جرم و تعقیب و مجازات مجرمان ممکن است بزهکاری افراد تحت تعقیب و اتهام هنوز به اثبات نرسیده باشد و مقامات مسئول با تردید مواجه شوند در چنین حالتی حکم به محکومیت و اعمال مجازات نسبت به فردی که هنوز انتساب جرم به او محرز نشده دور از انصاف خواهد بود به همین دلیل برای تعیین مسئولیت متهم ، تا زمانی که شک و تردید نسبت به مجرمیت این افراد وجود داشته باشد به اصل براءت متوسل می شوند

امروزه این اصل مهم ، مورد توجه همه نظام های حقوقی دنیا قرار گرفته است و در ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد پیش بینی قرار گرفته است براساس بند ۱ این ماده: هرکس که به بزهکاری متهم شده باشد ، بی گناه فرض خواهد شد تا این که در جریان یک دادرسی که در آن کلیه تضمین های لازم برای دفاع او تامین شده باشد و تقصیر او به نحو قانونی اثبات گردد همچنین به موجب بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۲ ماده ۶

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هر کس به اتهام جرمی متهم شده باشد حق دارد بی گناه فرض شود تا این مقصر بودن او طبق قانون محرز شود امروزه ، هیچ یک از نظام های حقوقی خود را بی نیاز از اصل برائت نمی دانند این اصل مهم و راهبردی در اصل ۳۷ قانون اساسی نیز مورد جرم اشاره قرار گرفته است : هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد در ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ نیز ، مقنن در فصل اول آن اصول اساسی حاکم بر آیین دادرسی کیفری را بیان نموده است و در ماده ۴ صراحتاً به اصل برائت اشاره کرده است در واقع ، این ماده ناظر بر جنبه قضایی اصل برائت است

از لحاظ آیین دادرسی کیفری ، پذیرش اصل برائت از یک سو تکالیفی را برای مقامات قضایی یک کشور و حتی مقامات دولتی آن ایجاد می کند و از سوی دیگر متهم را در شرایط مساعدی قرار می دهد و او را از امتیازاتی برخوردار می کند از جمله این امتیازات می توان به حق دفاع متهم اشاره کرد به عبارت دیگر حق دفاع متهم از مهم ترین آثار اصل برائت است وقتی دستگاه قضایی در صدد اثبات اتهام فرد و زیر سوال بردن فرض برائت و بی گناهی اوست حق دفاع از آن خواهد بود همان طوری که حق بهره مندی از مساعدت وکیل از الزامات حقوق دفاعی متهم به شمار می رود وکیل با حضور در مراحل دادرسی با تاکید بر اصل مذکور و رعایت آزادی متهم ، تا زمان اثبات توجه اتهام به متهم و آن هم پس از ارائه دلایل مقنن ، می تواند نقش بسزایی در دفاع از موکل به عمل آورد

اصل برائت هم در بعد تقنینی وهم در بعد قضایی آثار و مقتضیاتی دارد در بعد تقنینی ، اصل برائت مقتضی آن است که هیچ عملی جرم محسوب نمی شود ، مگر این که مقنن آن را جرم شناخته و برای آن مجازات تعیین کرده باشد در بعد قضایی ، اصل برائت مقتضی آن است که شخصی که به عنوان متهم در یک دعوای عمومی تحت تعقیب قرار گرفته است ، تا زمان صدور حکم محکومیت قطعی ، بی گناه فرض شود

اصول قانون اساسی در خصوص اصل برائت بیشتر حقوق متهمان و تشکیل دادگاه های صالح برای اثبات مجرمیت را مد نظر داشته در حالی که ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پس از بیان این که اصل برائت است بر ضرورت حفظ آزادی های فردی و حریم خصوصی افراد با عنایت به کرامت انسانی شهروندان ، توسط مقامات قضایی تاکید ورزیده است بدیهی است که این اصول و قواعد را بایستی مکمل یکدیگر تلقی نمود

اصل برائت یا فرض بی گناهی متهم دارای آثار متعددی در ارتباط با حقوق دفاعی متهم است از جمله : تکلیف دادستان یا شاکی به ارائه دلیل اتهام ، منع توسل به روش های غیر قانونی جهت تحصیل دلیل ، تفسیر مضیق به نفع متهم و ممنوعیت صدور حکم بر مبنای ظن و گمان ، تفهیم فوری نوع و علت اتهام ، خودداری از پیش داوری در مورد متهم ، حق داشتن وکیل مدافع و تامین امکانات دفاعی لازم برای متهم

رعایت اصل برائت و پایبندی به آن در جهت حفظ و بقای نظام و جلوگیری از آسیب ها و ناامنی در حوزه امنیت قضایی لازم و ضروری است در واقع ، اصل برائت امنیت قضایی را برای شهروندان فراهم می کند بنابراین ، بایستی از سوی تمامی نهادهای عدالت کیفری مورد احترام قرار گیرد و افرادی همچون نیروی انتظامی وضابطان دادگستری بایستی با احتیاط عمل کنند تا خدشه ای بر این اصل بنیادین وارد نشود ، چرا که همه شهروندان (حتی متهمین) در پرتو این اصل بنیادین ، بی گناه تلقی می شوند و شهروندان بایستی از هر گونه ظن و گمان ناروا در امان باشند تا احساس امنیت کرده و به نظام قضایی اعتماد پیدا کنند عدم رعایت اصل برائت باعث خدشه به آزادی افراد و ایجاد هرج و مرج در جامعه و ورود لطمه به منیت قضایی شهروندان خواهد شد

۱-۱۰ اصل تساوی سلاح ها

حقوق و آزادی های فردی، در برابری انسان ها تجلی می یابد به همین دلیل ، برابری از اصول حقوق عمومی محسوب می شود همه مردم صرف نظر از جنس ، نژاد ، طبقه ، مذهب ، ثروت و شغل باید از حقوق و تکالیف یکسان و مساوی برخوردار باشند مراد از برابری ، این است که همه افراد در استفاده از موهبت ها ، نعمت ها و مزیت های اجتماعی یکسانند قانون گذار بایستی امکانات و تسهیلات اجتماعی ، اقتصادی ، و سیاسی را به طور یکسان در اختیار افراد دهد اسناد بین المللی نیز بر تساوی افراد در برخورداری از حقوق و آزادی تاکید دارند به موجب ماده ۲

اعلامیه جهانی حقوق بشر : ((هر کس می تواند بدون هیچ گونه تمایز مخصوصا از حیث نژاد ،جنس ، زبان ، مذهب ، عقیده ، سیاسی ، یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت ، وضع اجتماعی ، یا هر موقعیت دیگر ، از تمام حقوق و آزادی هایی که در اعلامیه جهانی ذکر شده است بهره مند گردد

اصل تساوی سلاح ها ، مهم ترین معیار تضمین دادرسی عادلانه است و حکایت از برابری دادستان و متهم دارد به همین دلیل اگر دادستان در یک جلسه دادرسی حاضر اما متهم از حضور در آن محروم باشد ، این اصل نقض شده است این اصل نظام قضایی را به تامین موقعیت برابر طرفین ملزم می کند ، لیکن دو برداشت متفاوت از بربری طرفین وجود دارد اولین برداشت که طی سالیان از سوی دادگاه اروپایی حقوق بشر ارائه شده ، متضمن این است که متهم نباید در یک موقعیت شکی نامساعد نسبت به دادستان قرار گیرد در این معنا این اصل تنها نسبت به متهم اعمال می گردد ، به تعبیری معاهدات حقوق بشری منع نمی کند که متهم در وضعیت مساعدی نسبت به دادستان قرار گیرد

یعنی در فرآیند دادرسی کیفری ، مقام تعقیب به دلیل حیثیت عمومی دعوا و به اعتبار ادعای نقض نظم عمومی توسط متهم علیه وی اقامه دعوا می کند بدیهی است چنین مقامی از اقتدار خاصی برخوردار است و متهم در برابر وی دارای چنین امکاناتی نیست از این رو کنوانسیون ها و اسناد

حقوق بشری به دنبال حمایت از وی برآمدند دومین برداشت برابری طرفین را یک جزء اساسی ساختار توافقی دادرسی است ، که بر مفهوم محاکمه به عنوان نزاعی بین دو طرف استوار است طبق این رویکرد ، برای هر دو طرف دادرسی داشتن حقوق مساوی اجتناب ناپذیر است در غیر این صورت مبارزه منصفانه ای بین دو معروض وجود نخواهد داشت و ناظران نسبت به نتیجه متقاعد نخواهد شد پس این اصل دو طرفه است و دادستان نیز حق دارد در موضع نامساعدی ، در مقایسه با متهم ، قرار نگیرد در حالی که در یک سیستم تفتیشی نیاز به برابری امکانات میان متهم و دادستان مهم است می توان که مهم ترین تعبیر از برابری اصحاب دعوی ، برابری در ابزار وامکانات میان آن هاست زیرا وکیل با دانش حقوقی خود می تواند مطالبی که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم لازم است به قاضی اعلام و قسمت های تاریک پرونده را روشن کند زیرا به عقیده اکثر قریب به اتفاق علمای اجتماعی و مذهبی اگر مجرمی تبرئه شود بهتر است تا این که بی گناهی محکوم گردد به عبارت دیگر مطابق اصل تساوی سلاح ها ، تعیین وکیل در امور جزایی اغلب برای دفاع از متهم در مقابل دادستانی است که به نمایندگی جامعه در مقام کشف جرم و جمع آوری دلایل و تعقیب و دستگیری متهم برآمده و مجازات او را از لحاظ جنبه عمومی جرم برای حفظ نظم اجتماعی و یا تسکین و رضای زیان دیده از جرم از دادگاه تقاضا می کند در این صورت وکیل دادگستری با آشنایی به قوانین ، دفاع از متهم را بر عهده می گیرد تا موازنه بین دادستان و متهم برقرار شود و دادگاه بر مبنای عدالت رسیدگی کند

این اصل مستلزم آن نیست که چیزی را یک طرف نیاز دارد دیگری نیز دریافت کند اصل برابری مقتضی آن است که طرفین امکان یکسان دسترسی به اسناد و مدارک پرونده را ، دست کم تا آنجا که در شکل گیری رای دادگاه موثر است داشته باشند ، و هر طرف از فرصت اعتراض به ادله دیگر برخوردار باشند و اگر احیانا مشکل و موانعی در کار باشد که به عادلانه بودن خلل وارد آورد ، هر یک از طرفین که منافع او در خطر است مکلف است برای چاره جویی ، مراتب را بدون تاخیر بی جهت به اطلاع دادگاه برساند با توجه به مراتب فوق اصل مذکور معتبرترین نظریه ارائه شده در زمینه حق بهره مندی از وکیل است که با تشبیه تقابل متهم و مقام تعقیب به طرف های مبارزه و لزوم در اختیار داشتن امکانات دفاعی مساوی ، سعی بر حفظ حقوق متهم از طریق برخورداری از مساعدت وکیل شده است بنابراین ، برای تامین امنیت قضایی و دادرسی عادلانه ، دادرسی کیفری باید جنگی جوانمردانه میان دادستان و متهم باشد

بخش دوم: چالش ها و راهکار های فراروی

این سخن ((تأخیر عدالت ، انکار عدالت است)) بیانگر یکی از شروط بدیهی دادرسی عادلانه یعنی تسریع در دادرسی است برخورداری متهم از اصل برائت تنها در صورتی منطقی است که تا حد امکان به سرعت بی گناه یا مجرم بودنش احراز شود اجرای عدالت در مدت معقول از وجوه اساسی دادرسی کیفری و یکی از ضروری ترین شروط یک نظام قضایی مناسب است که در

جوامع مورد وفاق عمومی است ((سیستم قضایی باید بی گناه را بدون تاخیر حمایت کند همان گونه که باید مجازات مجرمان را هم بدون تاخیر صادر کند تسریع در دادرسی موضوع جدیدی نیست و در طول تاریخ همواره متخصصان کیفری بر آن تاکید داشته اند ولی منظور عجله در کار قضاوت نیست زیرا کار قضایی نیاز به دقت فراوان دارد و اشتباه ناشی از بی توجهی ، به علت سرعت ، آثار زیان باری در بر خواهد داشت بلکه منظور از تسریع این است که دادرسی سریع بدون این که به حقوق اساسی فرد ، اصل برائت و حق دفاع و داشتن وکیل ، صدمه وارد آید انجام شود

حق محاکمه متهم در مدت زمانی معقول ، بدون توجه به بازداشت یا آزاد بودن او ، در قوانین اساسی بسیاری از کشور ها به صراحت آمده است ، بسیاری دیگر نیز از بازداشت متهم و حق محاکمه سریع در کنار هم سخن گفته اند بعضی هم حق محاکمه سریع را تنها نسبت به اشخاص بازداشتی مطرح کرده اند این اصل در معاهدات بین المللی حقوق بشر وارد شده است و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (بند ۱ ماده ۶ این شرط را برای همه محاکمات لازم شمرده است و بیان می دارد که ((هر شخصی حق دارد به دعوای او در مدت زمان معقول رسیدگی شود)) علاوه بر این ، در اغلب مقررات بین المللی سریع بودن و منصفانه بودن در کنار هم بکار رفته است این نشان دهنده آن است که در دادرسی ، سرعت اهمیت زیادی دارد و بدون آن دادرسی

منصفانه نخواهد بود این اصل برای تضمین دادرسی عادلانه نقش تعیین کننده دارد زیرا ، تاخیر

های ناروا ممکن است سبب از دست دادن ادله یا ضعف حافظه و فراموشی شهود گردد

تصمیم گیرندگان سیاست جنایی بین المللی و ملی تسریع در فرآیند کیفری را به منزله یکی از

جلوه های حمایت از ((حقوق کنشگران دعوای کیفری)) و از مصادیق حقوق بشری پیش بینی

کرده اند ، در حالی که تدبیر آنان از زاویه پیشگیری از بزهکاری و سیاست جنایی بزه دیده مدار ،

موجب عادلانه شدن دادرسی را فراهم می کند ، ولی از منظر آموزه های پیشگیری واکنشی ،

سازوکار مناسبی برای کاهش میزان بزهکاری به شمار می رود بدین سان ، سرعت بخشی به

فرآیند کیفری همراه با رعایت حقوق کنشگران دعوای کیفری ، سرعت متناسب و توجه به موازین

حقوق بشر ، می تواند از سویی نظام دادرسی عادلانه و از سوی دیگر ، نظام عدالت کیفری

پیشگیران را به وجود می آورد

در واقع ، تسریع در فرآیند کیفری و صدور حکم نهایی و اجرای آن مورد انتظار عموم مردم و به

نفع جامعه است زیرا تعقیب کیفری بزهکار و صدور حکم و اعمال سریع مجازات نسبت به او

زمینه ارتکاب جرم را در دیگران از بین می برد و از بیم مجازات سریع دست به ارتکاب جرم

نمی زنند در واقع این روش به سودمندی مجازات ها از طریق ارعاب و عبرت به کیفیتی موثر

تحقق می بخشد در حالی که تاخیر و اطاله رسیدگی به امر کیفروری افکار عمومی را نسبت به

دستگاه عدالت بی اعتماد می کند

تسریع در دادرسی عجله در رسیدگی نیست زیرا ، شتاب زدگی در امر قضاوت ، اجرای عدالت را مخدوش خواهد ساخت چون دادرسی کیفری دارای مسائل دقیق و دشواری است که احاطه بر آن ها برای اشخاص غیر حقوقدان به آسانی و سرعت میسر نمی شود احاطه به شیوه تنظیم شکایات و لوایح ، انتخاب اسناد و سایر ادله ، زمان و طریق ارائه ادله و استناد به آن ها ارائه دفاعیات و اقدامات لازم به ترتیب و طریق و در مهلتی که قانون پیش بینی می کند لازمه اثبات و احقاق حق در دادرسی است در مواردی که متهم قبل و حین محاکمه در بازداشت به سر می برد اهمیت تسریع دادرسی دو چندان می شود

۲-۱ حق داشتن وکیل

یکی از معیار های و اصول دادرسی عادلانه ، برخورداری متهم از وکیل است و هدف از آن ایجاد تساوی سلاح ها و امکانات برابر برای متهم و ایجاد دادرسی منصفانه و عادلانه است در صورت عدم آشنایی متهم به علم حقوق ممکن است حق او در فرآیند کیفری تضییع گردد داشتن وکیل مدافع و استفاده از معاضدت های قضایی ، حقی اساسی در قوانین و اسناد بین المللی مورد تاکید قرار گرفته است به طوری که در کمیته منع شکنجه سازمان ملل متحد حضور وکیل مدافع به عنوان هدفی اساسی در کاهش شکنجه اعلام کرده است

حق داشتن وکیل توسط متهم که یکی از اقسام حقوق دفاعی متهم است همچون دیگر اقسام حقوق دفاعی متهم ریشه در اصل براءت دارد و این حق باید در تمام مراحل دادرسی رعایت شود اگر متهم نتواند برای خود وکیل انتخاب کند دستگاه عدالت قضایی مکلف است برای او این حق را فراهم کند زیرا منصفانه نیست که به دلیل عدم توانایی مالی متهم، رسیدگی بدون حضور وکیل صورت گیرد به همین خاطر قانون گذار حضور وکیل در جریان تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به برخی از جرائم را الزامی کرده است

در چنین بستری است که قانون گذار فرانسوی به منظور رعایت هر چه بیشتر حقوق فردی و تحت تاثیر رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر و شورای قانون اساسی آن کشور، حق داشتن وکیل در مرحله تحت نظر را به رسمیت شناخته است این حق که ابتدا در سال ۱۹۹۳ میلادی به صورت یک ملاقات ساده از بیستمین ساعت تحت نظر پذیرفته شد، به موجب اصلاحات تقنینی در سال های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۱ میلادی به حضور فعال وکیل شخص تحت نظر در این مرحله تبدیل شده است در قوانین داخلی در بند ۳ قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی که در سال ۱۳۸۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید بیان شده است :

محاکم و دادرها فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای طرفین دعوی فراهم کنند از این بند چنین بر می آید که حق استفاده از وکیل در تمام مراحل دادرسی مجاز است اما در واقع در عمل اینگونه نبود و شامل مرحله تحت نظر متهم نمی شد و تنها شامل مراحل تحقیقات مقدماتی

و رسیدگی در محاکم می شد اما به موجب ماده ۴۸ قانون آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲: ((با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می تواند تقاضای حضور وکیل نماید وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد، ملاحظاتی کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد)) لازم به ذکر است که این موضوع با محدودیت هایی همراه است: نخست این که ملاقات نباید بیش از یک ساعت طول بکشد، دوم متهم باید با وکیل ملاقات کند نه آن که وکیل از متهم دفاع کند، فقط جنبه ملاقاتی دارد، سوم متهم می تواند تقاضای حضور وکیل کند، اجباری در حضور وکیل نیست

نقش وکیل در دفاع از متهم آن چنان اهمیت دارد که اگر متهم تمکن مالی به انتخاب وکیل نداشته باشد و یا قدرت انتخاب نداشته باشد، نظام عدالت کیفری در جرائمی اقدام به انتخاب وکیل برای او می کند این امر آن چنان واجد اهمیت است که در اسناد بین المللی به آن اشاره شده است، از جمله در ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، اساسنامه دیوان بین المللی کیفری به وکیل تسخیری اشاره کرده اند علت حضور وکیل مدافع در پرونده هایی که حضور وکیل تسخیری الزامی است به دلیل دفاع از حقوق متهمان بوده است قانون گذار برای اولین بار به تعیین وکیل تسخیری اختصاص به مرحله دادرسی داشت که این نوآوری در قانون از تضمینات حقوق دفاعی متهم می باشد اگر متهم وکیل انتخاب نکند و باز

پرس هم از این کار امتناع ورزد تخلف انتظامی محسوب می شود برابرتبصره ۲ ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک مصوب سال ۱۳۹۲ ((در جرائمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است ، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید ، باز پرس برای وکیل تسخیری انتخاب می کند))

متهم در جریان تحقیقات مقدماتی می تواند از محتویات پرونده آگاهی داشته و آن را مطالعه کند این امر موجب تضمین حقوق دفاعی متهم می شود ، زیرا زمانی که متهم از پرونده ای که در جریان تحقیق است آگاهی داشته باشد ، بهتر می تواند از خود دفاع کند اما ، اگر باز پرس تشخیص دهد که از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی باشد و این که با ضرورت کشف حقیقت منافات داشته باشد و یا جرائم منافی عفت باشد ، بازپرس قرار عدم دسترسی به پرونده را صدر می کند و چنانچه مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق ، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند ، یا موضوع از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد با ذکر دلیل ، قرار عدم دسترسی به آن ها را صادر می کند

در ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۷۸ هیچ ماده ای مبنی بر اعلام یا تفهیم داشتن وکیل توسط متهم از سوی بازپرس یا ضابطین وجود نداشت ، اما تبصره ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ در جهت حفظ حقوق متهم به این حق اشاره کرده و مقرر می دارد : سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب محکومیت انتظامی تا درجه سه و هشت می شود این حق باید پیش از

شروع به تحقیق توسط بازپرس به متهم اعلام شود در واقع علاوه بر این که نقش وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی به رسمیت شناخته شده است ، اعلام و تفهیم آن هم برای باز پرس تکلیف قانونی است این حق باید در احضاریه قید شود و در صورتی که متهم بدون ارسال احضاریه یا در صورت جلب حضور یافته باشد باید این حق حضور را به وی تفهیم شود در صورتی که متهم حضور پیدا کرد ، در احضاریه این حق چه اشاره شده باشد چه نشده باشد ، حق مزبور به طور حضوری به وی تفهیم می شود و عدم تفهیم آن ضمانت اجرای سنگینی دارد بازپرس نمی تواند به بهانه های مختلف از تفهیم این حق به متهم خودداری کند

قانون گذار در ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک . مصوب ۱۳۹۲ برای نخستین بار داشتن وکیل در ((مرحله تحقیقات مقدماتی)) را مطرح کرده است وکیل متهم می تواند دلایل و مطالبی که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم لازم بداند ارائه کند، به این معنا که در جریان تحقیقات وکیل می تواند از متهم دفاع کند در حالی که در ماده ۱۲۸ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ وکیل نمی توانست در امر تحقیق مداخله کند فقط پس از خاتمه تحقیقات برای دفاع از متهم می توانست در امر تحقیق مداخله کند فقط پس از خاتمه تحقیقات برای دفاع از متهم می توانست دلایل و مطالب را ارائه کند در ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک . مصوب ۱۳۹۲ قانون گذار فقط داشتن یک وکیل را در مرحله تحقیقات مقدماتی مجاز دانسته و تعداد وکلا را پذیرفته است در صورتی که در مرحله دادرسی این چنین نیست با توجه به مطالب ذکر شده می توان چنین نتیجه گرفت که تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری

۱۳۹۲ حق داشتن وکیل در مرحله بازجویی و تحت نظر منتفی بود و داشتن این حق بستگی به

نظر قاضی داشت

در نظام حقوقی فرانسه، زمانی که شخص متهم تحت تعقیب قرار گرفت، ضابطان بایستی محلی

را به منظور ملاقات خصوصی در اختیار شخص متهم و وکیل وی قرار دهند، ضابطان نیز حق

حضور و دخالت را نخواهند داشت بنابراین، از اولین لحظات تحت نظر قرار گرفتن و متهم شدن

به جرم، شخص حق انتخاب وکیل را داراست داشتن وکیل در مراحل مختلف دادرسی یکی از

نکات بسیار مثبت این نظام حقوقی است، این حق علیرغم مخالفت های ضابطین که اعتقاد دارند

حضور وکیل در تمام مراحل دادرسی، کشف حقیقت را به تاخیر خواهد انداخت، در جهت

تامین امنیت قضایی تمامی شهروندان به رسمیت شناخته شده است در واقع شناسایی و تضمین

حقوق دفاعی متهم از جمله حق برخورداری از وکیل از همان لحظه ای که وی تحت تعقیب قرار

می گیرد، مورد حمایت قرار گرفته است

در حقوق فرانسه، حق ملاقات با وکیل در برخی جرایم محدود گردیده است در این زمینه ماده

۷۰۶-۸۸ آ.د.ک فرانسه مقرر می دارد: ((با نقض مواد ۴-۶۳ و ۲-۴-۶۳ چنانچه شخص به دلیل

یکی از جرایم مندرج در ماده ۷۰۶-۷۳ تحت نظر قرار گرفته باشد، مداخله وکیل می تواند با

اتخاذ تصمیمی مبتنی بر شرایط خاص تحقیق، ناشی از جمع آوری با بررسی دلایل، یا به دلیل

پیشگیری از تعرض به اشخاص، برای حداکثر ۴۸ ساعت و چنانچه جرم ارتكابی مربوط به

بندهای ۳ یا ۱۱ ماده ۷۳-۷۰۶ باشد، برای حداکثر ۷۲ ساعت به تعویق افتد)) با توجه به عبارات ماده، تاخیر در حق ملاقات با وکیل جنبه الزام آور نداشته و تنها در صورت وجود دستور مقام قضایی این امر امکان پذیر است ضمناً بر اساس ماده مذکور محرومیت از حق ملاقات با وکیل تا ۲۴ ساعت از اختیارات دادستان شهرستان است که می تواند راساً یا با درخواست افسر پلیس قضایی تصمیم گیری نماید و برای مدت بیش از ۲۴ ساعت، از اختیارات قضایی آزادی ها و بازداشت که از نظر سلسله مراتب قضایی بالاتر از دادستان است می باشند که با درخواست دادستان شهرستان تصمیم گیری می نماید در خصوص زمان شروع تحت نظر، در حقوق فرانسه این مرحله از زمان سلب آزادی شخص تحت نظر بوده و از لحاظ علمی، در موردی که وی به طور ارادی وبدون الزام مامورین، نزد افسر پلیس قضایی حاضر می شود و اجباری برای ماندن وی در اداره پلیس نباشد، از زمان جلسه استماع وی است

در صورت عدم امکان انتخاب وکیل توسط تحت نظر، پلیس مکلف است از طریق کانون وکلای محل، وکیلی را به درخواست شخص تحت نظر، برای او تعیین کند در حقوق ایران با آن که ماده ۴۸ حق استفاده از وکیل مدافع رایگان برای متهمانی که قادر به تعیین وکیل برای خود در این مرحله نیستند نکرده است

حق برخورداری متهم از وکیل و تفهیم حق داشتن وکیل از نوآوری های قانون گذار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ است این موضوع در جهت تامین منافع متهم بوده و در

روند رسیدگی به پرونده و حقوق شهروندی و امنیت قضایی نقش مهمی دارد از طرفی دیگر

عدالت قضایی نیز به سبب تضمین امنیت قضایی می شود ، ایجاب می کند تا فردی که به

اطلاعات حقوقی و قوانین آشنایی دارد در کنار متهم حضور یابد و از طریق متهم به علت عدم

آشنایی به قوانین دچار سردرگمی نشود

۲-۲- تامین امنیت قضایی

آزادی و امنیت شخصی هر فرد یکی از حقوقی است که برای همه انسانها به رسمیت شناخته

شده و در اسناد بین المللی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ مطابق با ۱۹ آذر ۱۳۲۷

خورشیدی همانطور که دولتها موظف به پاسداری از آن شده اند. چون این حق آثار مهمی دارد

لذا برپایه آن، همه افراد همواره باید از حق آزادی برخوردار باشند و سلب آزادی از اشخاص

باید در موارد استثنایی باشد که برپایه قانون و دستور مرجع قضایی و به حکم ضرورت

گریزناپذیر انجام گیرد و باز هرچه زودتر دادرسی عادلانه و منصفانه درباره کسانی که

آزادیشان سلب شده به عمل آید. اشخاص دستگیر شده حق اعتراض به دستگیری یا بازداشت

خود را داشته باشند و خسارت آنان در صورت دستگیری یا بازداشت غیرقانونی جبران گردد

تعهدات دولتها در زمینه پاسداری از حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد جهانی همچون: میثاق

بینالمللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۹) و در اسناد اعلامیه جهانی حقوق بشر، مانند: کنوانسیون

اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی (ماده ۵) تصریح و به آثار چنین حقی نیز

اشاره شده است. این مسئله دارای سابقه زیادی نیز در سطح اتحادیه اروپا میباشد؛ به گونهای که مقررات بسیاری برای حمایت از افراد در سطح اتحادیه اروپا در برابر بازداشت های خسارت آنان در صورت دستگیری یا بازداشت غیرقانونی جبران گردد تعهدات دولتها در زمینه پاسداری از حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد جهانی همچون: میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ماده ۹ و در اسناد منطقه ای اعلامیه جهانی حقوق بشر، مانند: کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی ماده ۵ تصریح و به آثار چنین حقی نیز اشاره شده است. این مسئله دارای سابقه زیادی نیز در سطح اتحادیه اروپا میباشد؛ به گونهای که مقررات بسیاری برای حمایت از افراد در سطح اتحادیه اروپا در برابر بازداشت های غیر قانونی وجود دارد طی مباحث حقوق اساسی برخی از مصداق های حق آزادی و امنیت شخصی به رسمیت بر ممنوعیت توقیف خودسرانه تأکید شناخته شده است؛ به طور مثال در اصل ۳۲ قانون اساسی شده و مرجعی که به بازداشت دست میزند باید حداکثر در ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی را به مرجع صالح قضایی بفرستد. اصول ۳۳، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹ قانون اساسی نیز آثاری از حق آزادی و امنیت شخصی را به رسمیت شناخته است. اگرچه کمبودهای قانونی چشمگیری در زمینه پاسداری از حق آزادی متهم وجود دارد و به ویژه در قانون آیین دادرسی کیفری با اعطای اختیار گسترده به قاضی برای بازداشت و نیز پیشبینی قرار بازداشت اجباری، حقوق ناظر بر آزادی متهم سخت محدود گردیده است بر اساس ماده ۴۴ و برابر ذیل ماده ۴۶ قانون فقط در صورتی میتوانند متهم

را بازداشت نمایند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد.

علاوه بر ضابطان تکلیف مقام تحقیق نیز در این ماده اجرای ترتیب تفهیم اتهام و تعیین تکلیف متهم تا پیش از اتمام مهلت بازداشت قانونی توسط مرجع انتظامی و مهلت قضائی توسط داسرا است. از این رو چون رویه قضایی نقش مهمی در تحقق امنیت قضایی و حتی اقتصادی جامعه دارد؛ باید مورد بررسی قرار بگیرند. برای تشریح رویه قضایی در خصوص منع بازداشت غیرقانونی باید به پرونده سال 1388 معروف به کهریزک اشاره کرد که در آن دادستانی در کیفرخواست خود چند تن از قضات مسئول پرونده را که در حوادث مربوطه به صورت خودسرانه و با دستورات فاقد وجاهت قانونی موجبات بازداشت عده ای شهروندان را فراهم نمودند را متهم به مشارکت در بازداشت غیرقانونی کرده است. از همین منظر در نتیجه باید گفت وقتی بازداشت غیرقانونی احراز شود؛ نه تنها موجب مسئولیت کیفری قاضی میشود بلکه مطابق ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مسئولیت مدنی مرتکب را نیز به دنبال دارد که در حقوق کیفری تحت عنوان تقصیر قاضی نام برده می شود از جمله رعایت تشریفات و تضمینات ناظر بر احضار و جلب متهمان، عادلانه بودن دادرسی کیفری و ایجاد احساس امنیت قضائی برای شهروندان جامعه خواهد بود. همچنان که عدالت قضایی مانعی در جهت سوءاستفاده متجاوزین به حقوق افراد از طریق وسیله قرار دادن دستگاه عدالت کیفری به منظور رسیدن به امیال نامشروع خود من باب احضار یا جلب متهمان میشود در قوانین آیین دادرسی کشورهای مختلف اولین مرحله جهت تحقیقات از متهم، احضار و یا فراخواندن فرد میباشد لذا اصل بر احضار ابتدایی

بوده و حربه جلب متهم، یک استثنا بر احضار تلقی می‌گردد. البته رویه قضایی کشورهای چون انگلستان نیز مشابه ایران می‌باشد به هر حال آمره بودن قواعد احضار و شرایط احضارنامه، امری بدیهی و مورد تاکید مراجع استنادی همچون اداره کل حقوق قوه قضائیه می‌باشد: در مقابل قوانین ماهوی جزایی، قوانینی وجود دارد که سازمان، نیروی انسانی و طرز تشکیل و فعالیت مراجعی را که به جرایم رسیدگی میکنند. چگونگی شکل گیری دادرسیهای جزایی، نحوه احضار و بازجویی از متهم، شهود، شاکی، صدور رأی و اعتراض بر احکام را تنظیم و تنسيق مینماید که آنها را حقوق جزای شکلی و یا آیین دادرسی جزایی می نامند: احضار از طرق دیگر مانند: پیام نگار ایمیل، ارتباط تصویری از راه دور، نمابر و تلفن و نظایر آن تا پیش از این مبنای قانونی نداشت ولی قانون جدید آیین دادرسی کیفری در احضار متهم راهی فراتر از قوانین کیفری مصوب تاکنون را برگزیده و از این لحاظ نوآوری قانون حاضر موجب تامین هر چه بیشتر امنیت قضائی متهم در مرحله پیش از دادرسی شده است. در بیان شرایط احضار و بر اساس ماده ۱۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری، احضار متهم الزاما به موجب فرم های مخصوص «احضاریه» صورت میگیرد که مطابق با ماده ۱۷۰ قانون مذکور در احضاریه مشخصات شخص احضار شده، تاریخ و محل و ساعت حضور، علت احضار و نتیجه عدم حضور قید میگردد و به امضاء مقام قضایی میرسد؛ پس این برگ تنها به امضا مقام قضائی صادر کننده آن دارای اثر حقوقی بوده و امضا منشی یا ضابط در آن واجد اعتبار نخواهد بود. البته برابر تبصره ماده اخیر «در جرایمی که به تشخیص مرجع قضایی، حیثیت اجتماعی متهم، عفت یا امنیت عمومی اقتضاء کند، علت احضار ذکر نمیشود، اما

متهم میتواند برای اطلاع از علت احضار به دفتر مرجع قضایی مراجعه کند «از آنجا که احضار بدون تنظیم برگ احضاریه، موجب تخلف و محکومیت است در یک نمونه رای به عنوان رویه قضائی تصریح شده است که: «... با عنایت به اینکه دستورات مورخ ۸۳/۱۱/۷ و ۸۳/۱۱/۲۷ تشخیص داده نشد، بنابراین به استناد صدر ماده ۲۰ نظام نامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات، آقای ع. ک «دادرس وقت دادگستری ... به کسر عشر حقوق به مدت یک ماه محروم می شود. این رای قطعی است احضاریه باید موارد شکلی خاص مندرج در قانون رعایت شود و ثانیاً: باید این برگ به متهم ابلاغ گردد و در صورت فقدان شرایط ابلاغ اعم از واقعی یا قانونی، یعنی فقدان اطلاع از نشانی متهم برای ابلاغ احضاریه، ناچار مکانیزم اطلاع رسانی آگهی روزنامه کثیرالانتشار باید رعایت شود و در صورت عدم رعایت این قواعد تخلف انتظامی مقام رسیدگی کننده قابل بحث و تامل خواهد بود. در این خصوص میتوان به نمونه ای از محکومیت اشاره کرد که عدم ابلاغ اوراق قضایی در اقامتگاه شاکی و اهمال در انجام وظایف قانونی موجب محکومیت بازپرس شده است. براین اساس عملکرد آقای پ در عدم ابلاغ اوراق قضایی در اقامتگاه شاکی انتظامی، اهمال در انجام وظایف مخصوصه تشخیص داده میشود و دفاعیات به عمل آمده در لایحه تقدیمی به نظر موثر در مقام نیست لذا دادگاه به استناد ماده ۱۴ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات حکم بر اخطار کتبی بدون درج در برگ خدمت صادر و اعلام میدارد رای صادره قطعی است

حال مسئله مهم دیگر در اعتبار یا فقدان اعتبار قانونی بودن احضار وقتی است که شاکی و مرجع قضایی از محل اقامت متهم اطلاعی ندارند و به طریق دیگری مثل حضور اتفاقی و دفاعی متهم در مرجع انتظامی یا قضائی و یا دفتر شعبه رسیدگی کننده منتهی به ابلاغ حضوری به وی شود، این احضاریه فاقد اثر قانونی بوده و لذا واحد حقوقی شناخته نمیشود. در این گونه موارد ضمن بررسی راه حلهای قانونی برای جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و البته جلوگیری از تعذر ابلاغ احضاریه، نهایتاً متهم بر طبق ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری از طریق نشر آگهی در روزنامه احضار میگردد با توجه به افزایش روشهای جدید ارتباطی میان مردم، قانونگذار نیز در صدد بر آمده است که از این ابزارها برای ابلاغ احضاریه ها و سایر اوراق قضایی استفاده کند. به همین دلیل در ماده 175 قانون آیین دادرسی کیفری برای نخستین بار پیش بینی شده است که:

استفاده از سامانه های (سیستم های) رایانه ای و مخابراتی، از قبیل پیام نگار (ایمیل، ارتباط تصویری از راه دور، نمابر و تلفن، برای طرح شکایت یا دعوا، ارجاع پرونده، احضار متهم، ابلاغ اوراق قضایی و همچنین نیابت قضایی با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی بلامانع است.» از آنجا که این شیوه ابلاغ، جدید و فاقد سابقه بوده، تبصره ماده یادشده، شرایط و نحوه استفاده از سامانه های مذکور را به موجب آیین نامه ای دانسته که به تصویب رئیس قوه قضاییه میرسد. این آیین نامه در تاریخ ۲۴ مرداد ۱۳۹۵ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسیده و هم اکنون بخش عمدهای از ابلاغ اوراق قضایی از طریق سامانه الکترونیکی به روشهای متعدد مذکور ابلاغ میگردد

۲-۳ امنیت قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی ما قبل دادرسی

منظور از امنیت قضائی، امنیتی است که اساس تنظیم روابط انسان ها است و تحقق این مهم همانطور که بیان شد عموماً بر عهده قوه قضائیه میباشد؛ اگر چه نقش قوای دیگر را نیز نمی توان نادیده گرفت، به عبارت دیگر قانونگذاری مناسب لازمه امنیت قضائی عادلانه است. با این حال چنانکه گفته شد بار اصلی بر دوش قوه قضائیه میباشد

امنیت قضایی در واقع نوعی اطمینان و تضمینی است که دولتها برای حفاظت و صیانت از شهروندان خود در مقابل هرگونه تجاوز و تعدی به حقوق فردی و اجتماعی آنان ایجاد میکنند تا شهروندان در سایه این امنیت بتوانند فعالیتهای فردی و اجتماعی خود را در چارچوب «قانون» به انجام برسانند. امنیت قضایی با اجرای قانونی «رابطه تنگاتنگی دارد؛ زیرا اجرای صحیح و مداوم قانون در جامعه، مستلزم وجود «امنیت قضایی» است و در فرض تعدی و تجاوز به قانون، نهادی باید این حالت را به نظم و ثبات اولیه بازگرداند؛ از این رو امنیت قضایی پیشنیاز «اجرای قانون» است و از سوی دیگر نیز امنیت قضایی در سایه اجرای صحیح قانون از سوی حکومت و مردم در جامعه به وجود می آید به اختصار به عوامل مؤثری که نقش رویه قضایی را در تحقق امنیت قضایی را نشان میدهند

۲-۴ اصول تحقق اهمیت قضایی

استقلال قضات

قضات در رسیدگی پرونده ها و دعاوی که به آنها محول گردیده است از نظر قانون دارای استقلال رأی هستند و دادگاه عالی انتظامی نیز از نظر حسن اجرای قوانین در ارشاد قضات سهم بسزائی را واجد است سپس در صورت حفظ و استقلال رای و بی نظری قاضی، مردم از اجرای قوانین و عدالت بنحو صحیح و بدون هیچگونه تبعیضی برخوردار و از مزایای امنیت فردی و اجتماعی بیشتری بهره مند خواهند گشت

۲-۵ قضات عادلانه

امنیت قضایی وقتی به وجود می آید که دادگاه ها و مراجعه قضایی در اجرای وظایف قانونی خود به گونهای رفتار نمایند که به حقوق و آزادیهای افراد لطمه وارد نشود و حرمت انسان ها مورد تهدید قرار نگیرد. به منظور ایجاد امنیت قضایی برای شهروندان در مواجهه با دستگاه عدالت کیفری و حفظ حقوق و آزادیهای آنها بر اساس موازین حقوق بشر، قانون اساسی و قوانین و مقررات عادی، تضمین های مختلفی در نظر گرفته شده است بدیهی است که عامل شاخص اجرائی عدالت، شخص قاضی است

۲-۶ احترام به حقوق مکتسبه

به نظر میرسد که یکی از مبانی اصل امنیت قضائی، اصل احترام به حقوق مکتسبه افراد باشد. برای این اصل دو مبنا را میتوان شناسایی کرد: اعمال آزادیهای بنیادین و حمایت از حقوق ناشی از قراردادها.

«عملکرد بدون تبعیض نظام قضایی» نیز شرط دیگری برای حصول به امنیت قضایی است

عملکرد صحیح و به هنگام دستگاه قضایی در برخی موارد و عملکرد غیر صحیح یا دیر هنگام

در موارد دیگر، امنیت آفرین نیست. وجود تبعیض در شیوه عمل و فرآیند قضاوت و احکام

صادر نه

تنها برخی شاخص های عینی امنیت قضایی را زایل می کند بلکه از طریق تأثیرگذاری منفی

در ذهنیت مردم، اطمینان را از اذهان ایشان فراری می دهد

هر قانون، مدلی از نظم را دیکته میکند که به شکل تدریجی پا میگیرد و آحاد مردم و جامعه

تخصصی به تدریج به آن عادت میکنند. وجود وحدت رویه، ضامن امنیت قضایی است. از اطاله

رسیدگیها جلوگیری مینماید. حال منظور از رویه قضایی، معنای عام آن است، چرا که از جهتی،

مهمتر از رویه قضایی به مفهوم خاص آن میباشد. رویه قضایی خاص، آرای هیات عمومی

دیوان عالی کشور است که در مقام وحدت رویه صادر میشود و هم ارزش علمی داشته و

هم قاطع اختلافات میباشد، اما آن چیزی که فرهنگ قضایی و فرهنگ حقوقی را در جامعه

نشر می دهد، رویه قضایی، به معنای عام کلمه است، یعنی آرای که شعب مختلف دادگاهها

در سطح کشور در

موضوعات واحد بیان میدارند

۲-۸ عدم جواز داوری بیشتر از یک بار

مانع شدن از نا هماهنگی آراء قضایی در یک موضوع واحد، امری که باعث عدم اطمینان به احکام دستگاه قضایی میشود. قوه قضاییه تا مادامی که دارای کلام نهایی نباشد و یک نزاع واحد چندین بار به دادگاه ارائه شود و یا با مرور زمان به قضات مختلف عرضه شود در این صورت پوشیده نیست که دستگاه قضایی هیچ احترام و کرامتی نخواهد داشت. هم چنین ناهماهنگی در احکام، قضا را بدنام میکند و باعث از بین رفتن اعتماد به آن و احکام صادره از دادگاه می شود

۲-۹ درک مشترک از قانون

ضمن بازگشت به مفهوم نظم حقوقی، مجموعه ای از قواعدی دیده میشود که همه باید آن را پذیرفته و به اجرا گذارند و یکی از مقتضیات نظم حقوقی فهم مشترک از قواعد حقوقی است، به طوری که قانون موجود و دستوری که قانون صادر مینماید برای کلیه کسانی که در عمل با آن مواجه هستند به یک صورت درک شده و بدان عمل گردد. در دستگاه قضایی نیز اگر مشخص نگردد که افراد به چه شکلی برای انجام دادن امور دادرسی خود و طی سلسله مراحل آن عمل نمایند عملاً دادرسی با مشکل مواجه خواهد شد. باید یک باور مشترک نسبت به قوانین برای تحقق نظم حقوقی وجود داشته باشد و همه آحاد جامعه از قانون یک مطلب را

برداشت نمایند، هرچند که امکان اختلاف نظر علمی بین متخصصان وجود دارد، اما باید از قانون فهم عرفی واحدی صورت پذیرد

۲-۱۰ تفهیم اتهام یا حق اطلاع متهم از موضوع اتهام

حق اطلاع از موضوع اتهام به عنوان یکی از حقوق اساسی در نظام کیفری ایران، از جمله در قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری مورد توجه قرار گرفته است به طوری که از ابتدا و به صراحت پلیس را مکلف نموده است که در صورت ضرورت بازداشت و لزوم تحت نظر قرار دادن متهم، اتهام به وی تفهیم و ابلاغ شود که این امر هم باید قبل از تحت نظر قرار دادن افراد صورت گیرد تا شخص متهم پیش از سلب نوعی آزادی از وی در جریان علت و نوع اتهام بازداشت خود قرار گیرد. حال ممکن است پس از اطلاع از موضوع اتهام، دلایل و مدافعاتی از سوی متهم ارائه گردد که حاکی از برائت و بیگناهی او باشد و ضرورتی به تحت نظر قراردادن متهم و یا ادامه تحقیقات و تحت تعقیب قرار دادن وی نباشد

در رویه قضایی نیز مدت زمان بیشتر از ۲۴ ساعت برای متهم تحت نظر موجب محکومت بوده و قضات به این عنوان محکومیت یافته اند. یک نمونه از این نوع محکومیت: «آقای ... دادرسی علی البدل وقت دادگاه عمومی تهران اولاً: علیرغم اینکه متهمین در یک مرحله با دستور معاون قضایی به مدت ۲۴ ساعت تحت نظر بوده اند دستور داده تحت نظر باشند و خلاف ماده ۱۲۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب عمل کرده است. ثانیاً: جلسه دادگاه را بدون وکیل تعیین

شده متهم و ابالغ وقت به وی تشکیل داده است. علی هذا با احراز تخلف قاضی موصوف مستنداً به ماده ۱۴ و ۲۰ نظام نامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات به کسر یک هشتم حقوق برای مدت سه ماه محکوم میگردد.» از حق تفهیم اتهام به عنوان یک حق اساسی برای متهم در ماده ۱۹۵ قانون آئین دادرسی کیفری این گونه مراقبت شده است که: «بازپرس موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم میکند و به او اعلام مینماید که اقرار یا همکاری مؤثر وی میتواند موجبات تخفیف مجازات وی را در دادگاه فراهم سازد و آنگاه شروع به پرسش میکند.» ...

۲-۱۱ حقوق متهم و ضمانت های اجرائی مرحله احضار

نخستین اقدام در مرحله تحقیقات مقدماتی برای بازجویی از متهم، احضار وی به مرجع قضائی است. رعایت مواد قانونی کمک میکند تا امنیت قضائی محقق شود: پس تا زمانی که طبق ماده 169 احضار متهم به وسیله احضاریه به عمل میآید و برابر ماده ۱۷۰ در احضاریه، نام و نام خانوادگی احضار شونده، تاریخ، ساعت، محل حضور، علت احضار و نتیجه عدم حضور قید میشود و به امضاء مقام قضایی میرسد؛ امنیت قضائی هر فرد و خصوصاً متهم تامین میشود لکن مهمترین نکته این بخش رعایت مواعد و زمان مقرر است که در ماده ۱۷۱ کمترین فاصله را پنج روز تعیین کرده است؛ لذا قید به محض روئیت حضور به هم رسانید که رویه جاری دادرها شده است، مالک و معیار قانونی و درستی ندارد.

اگرچه بر اساس بند «الف» ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری شکایت شاکی برای شروع به رسیدگی کافی است، ولی صرف وجود شکایت یا حتی گزارش ضابطان دادگستری علیه کسی، کافی برای احضار او نبوده بلکه عمل مجرمانه ای که به آن شخص نسبت داده میشود؛ باید مستند به قرائنی باشد که لااقل احتمال ارتکاب آن از جانب مظنون داده شود از این روست که ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری صریحاً مقرر میدارد: «بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار و یا جلب کند.» امری که طبق تبصره ماده یادشده تخلف از آن موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار برای مرجع احضار کننده است. برای تامین امنیت قضایی بیشتر، رعایت قاعده کفایت دلیل احضار ضرورت داشته و مراجع قضایی باید مفاد آن را دقیقاً مورد توجه قرار دهند. ولی رویه ناصوابی که اکنون دیده میشود این است که گاهی به محض وصول شکایت و یا اعلام جرم، دستور احضار متهم و بازجویی از او صادر میگردد که این شتاب و عجله با موازین حقوق بشر و مقررات قانونی سازگار نیست. این موضوع بیشتر عالوه بر بستگی داشتن به شخصیت و نحوه آموزش و تربیت مقام قضائی صادر کننده برگ احضار، وابستگی تامی با نوع جرم و اوضاع و احوال بزه انتسابی و مرحله کشف جرم دارد؛ در هر صورت نباید قواعد شکلی تحقیقات پیش از دادرسی دچار نقص و یا نقض گردد.

در ماده ۱۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری مندرجات احضاریه با تغییراتی نسبت به ماده ۱۱۳ چنانچه ملاحظه میشود در این ۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ همراه شده است . تبصره تجویز شده است که احضار کننده در صورت مصلحت میتواند دو مورد را در احضارنامه قید نکند: الف. علت احضار ب. نتیجه عدم حضور؛ طبق قانون آیین دادرسی کیفری حاضر نتیجه عدم حضور در هر صورت باید در احضاریه قید گردد. پس در مقررات جدید آیین دادرسی کیفری این مصلحت حذف و مفاد تبصره ماده ۱۷۰ قانون) به تشخیص مرجع قضایی، حیثیت اجتماعی متهم، عفت یا امنیت عمومی اقتضاء کند(حکمفرا است

۲-۱۴- بیان علت حضور در ورقه احضاریه

هر احضار شده‌های نگران وضع خود بوده و به حکم فطرت انسانی میخواهد علت احضار خود را بداند. نگران گذاشتن فرد احضار شده در بره های از زمان با حقوق انسانی او مغایرت دارد. در رویه قضایی ایران احضار فرد یا افراد با قید جلب بدون اینکه معلوم گردد به عنوان مطلع احضار شده اند و در ادامه به مانند متهم با آنها برخورد و عمل شود؛ نیز تخلف محسوب گردیده است و به این ترتیب که در رای محکومیت قید شده: « ... اقدام قاضی مشتکی عنه در زمینه جلب متهم پرونده امر بدون سابقه احضار و نیز عدم اخذ تامین کیفری از متهم فوق الاشعار علیرغم اعتقاد به مجرمیت وی و همچنین احضار و با قید جلب دونفردیگربدون اینکه تعیین نماید به عنوان مطلع احضار شده اند یا متهم به ترتیب منعکس در گزارش مبنای کیفرخواست، تخلف

است و دفاع وی در این موارد موثر نیست. بنا به مراتب آقای ... دادیار دادرسی عمومی و انقلاب ناحیه ۶ تهران را بابت تخلفهای مذکور به استناد صدر ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات، به کسر عشر حقوق ماهیانه به مدت سه ماه محکوم مینماید

۲-۱۵--بی طرفی قضات

قضاوت براساس میزان عدل مورد سنجش قرار میگیرد و لازمه سلامت این معیار، خالی بودن دستگاه قضایی از هرگونه اثرپذیری از منافع یا عواطف شخصی باشد. ولی این استقلال به تنهایی میزان سلامت عدالت را تضمین نمیکند؛ تا زمانی که حکم صادره از سوی قاضی بر اساس تحکم و استبداد نباشد، میتوان این حکم را بی طرفانه دانست. برای همین بی طرفی دستگاه قضایی یک عامل مکمل استقلال قوه قضائیه به شمار میرود؛ از سوی دیگر ارزش واقعی قانون بستگی به اجرای بی طرفانه آن دارد. پیمان نامه های بین المللی بر اصل بی طرفی دستگاه قضایی تأکید میکنند. اعالمیه بین المللی حقوق بشر مصوب سال ۱۳۱۳ در ماده ۱۱، کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب سال ۱۳۶۶ که مصر نیز در سال ۱۳۱۱ بدان پیوست، و توافقنامه اروپا مصوب سال ۱۳۱۱ در ماده ۶ همگی بر بی طرفی دستگاه قضایی تأکید دارند. همچنین در همایش بین المللی قضات که در سال ۱۳۱۳ در نیودلهی برگزار شد، بر عدم استبداد و تحکم قاضی تأکید شد. بی طرفی دستگاه قضا از اصول کلی قانون اساسی مصر به شمار میآید. اگرچه این موضوع بطور صریح در قانون اساسی این کشور نیامده است. این اصل را میتوان از اصل

استقلال دستگاه قضایی استنباط نمود و نتیجه گرفت. استقلال دستگاه قضایی سبب خواهد شد تا ضمانت اجرایی محکمی جهت حمایت از آزادی های فردی فراهم شود.

اگر قوه قضائیه بر اساس اصل بی طرفی این حمایتها را پیگیری و برقرار نکند، دیگر استقلال این قوه معنایی ندارد. اگر قضات یا مسئولین قوه قضائیه تابع امیال یا منافع شخصی باشند، دیگر استقلال این قوه معنایی نخواهد داشت. بی طرفی دستگاه قضایی مستلزم دوری از استبداد رای و زورگویی این قوه میباشد. وظیفه قانون تضمین بی طرفی از طریق تعیین دلیلی که ممکن است منجر به عدم ایجاد بی طرفی شود، میباشد. بنابراین قانون میبایست بی طرفی دستگاه قضایی را از طریق اعمال وظایف مشخص بر قوه قضائیه بر عهده بگیرد. در ماده ۲۳ قانون قوه قضائیه مصر، قاضی مجاز به فعالیت تجاری همزمان با انجام قضاوت نمیباشد. یعنی نمیتواند هم به امر قضاوت بپردازد و همزمان با آن به کارهای دیگر مشغول باشد. همچنین قاضی مجاز نیست به هرکاری اعم از دریافت مزد یا بدون دریافت مزد بپردازد که منطبق با استقلال دستگاه قضایی، کرامتش و جایگاه وی نباشد. یا کاری که در حال انجام آن میباشد در تعارض با وظایف قاضی یا حسن انجام کار وی باشد. همچنین طبق قانون قوه قضائیه مصر تأثیرپذیری قاضی از منافع شخصی چه در زمان قبل از قضاوت (انجام امور مربوط به وکالت) و چه در زمان بعد از قضاوت ممنوع میباشد. در ماده ۳/۶۳ قانون قوه قضائیه آمده است: «جایز نیست که محل کار قاضی در اداره دادگاه بدوی که به عنوان وکیل در آنجا کار میکرده است، باشد. مگر اینکه ۳ سال از زمان قاضی

شدن وی بگذرد. «در ماده ۳۲۱ قانون مدنی مصر آمده است: «جایز نیست که قضات، نواب و وکالت دادستان و مدیران دفاتر و مسؤولین دفاتر اسناد رسمی به نام یا بعضاً حق متنازع فیه را کال خود یا به نام مستعار اتباع نمایند، مشروط بر اینکه موضوع حق مالی به عنوان دعوی در محکمه ای که مباشر رسیدگی است، مطرح باشد، در صورت عدم رعایت مقررات مذکور بیع باطل است

ماده ۳۱۱ قانون آئین دادرسی بر منع قاضی از اینکه مانند یک مشتری یا خریدار در یک مزایده شرکت کند چه برای خودش و چه با نام مستعار تأکید دارد. این ضمانت های پیشگیرانه مسؤولیت تضمین بی طرفی قاضی را برعهده دارد. قانون با موانعی که بر سر راه قاضی میگذارد بی طرفی در قوه قضائیه و قضات را سازماندهی می کند و قدرت قاضی را هنگام حل اختلافات کاهش میدهد. مواردی که از تحکم قاضی در حل اختلافات جلوگیری میکند، قدرت قانون در پیشبینی و بررسی مقامات قضایی در تصمیم گیری ها و اقدامات میباشد. بنابراین موانع بی طرفی قوه قضائیه در حالت اول موانع قانونی و در حالت دوم موانع فرضی و تخمینی است

۲-۱۶- رویه قضائی و امنیت اقتصادی

مفهوم امنیت اقتصادی

می توان در تعریف امنیت اقتصادی گفت: «وضعیتی است که طی آن سرمایه گذار، در سایه اقتصاد سالم، دغدغه ای در بازگشت سرمایه به علاوه حداقلی سود نخواهد داشت در کنار تعریف

فوق، با نگاهی گذرا به قوانین و مقررات در ایران در می‌یابیم تقریباً اصطلاح امنیت اقتصادی نخستین بار در سال ۱۳۱۱ و در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۳۱۳ هجری شمسی سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام آمده است. مطابق سند مزبور سیاست‌های کلی نظام در خصوص امنیت اقتصادی عبارتند از: ۱- حمایت از ایجاد ارزش افزوده و سرمایه‌گذاری و کارآفرینی از راه‌های قانونی و مشروع هدف از ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری، ایجاد رفاه عمومی و رونق اقتصادی و زمینه‌ساز برای عدالت اقتصادی و از بین بردن فقر در کشور است. وضع قوانین و مقررات مربوط به مالیات و دیگر اموری که به آن هدف کمک می‌کند، وظیفه الزامی دولت و مجلس است قوانین و سیاست‌های اجرایی و مقررات باید دارای سازگاری و ثبات و شفافیت و هماهنگی باشد نظارت و رسیدگی و قضاوت در مورد جرایم و مسایل اقتصادی باید دقیق، روشن تخصصی باشد شرایط فعالیت اقتصادی دسترسی به اطلاعات، مشارکت آزادانه اشخاص در فعالیتهای اقتصادی و ۲- برخورداری از امتیازات قانونی (برای بخشهای دولتی، تعاونی و خصوصی، در شرایط عادی باید یکسان و عادلانه باشد. همچنین در بند دهم سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در بخش اقتصادی) از سند مزبور آمده است: «حفظ امنیت سرمایه‌گذاری و ارج نهادن به سازندگی و کارآفرینی و حفظ حرمت و ارزشهای ناشی از راهی مشروع.»

در این بین نقش قوه قضاییه بسیار پر رنگ است. یکی از شرایط توسعه اقتصادی پس از تأمین صلح و اصل شدن بلا جهت و تصویب قوانین مطلوب، وجود قوه قضاییه مستقل و توانمندی است که بتواند اجرای دقیق و صحیح قوانین را تضمین نماید. در واقع دستگاه قضایی با رسیدگی و صدور احکام صحیح و عادلانه، نقشی اساسی در تحقق امنیت اقتصادی داشته، نیازی به ورود این نهاد به حوزه ها و مسایل جزئی اقتصادی نیست. به بیان دیگر برای سرمایه گذار داخلی یا خارجی هیچ تضمینی بالاتر از احساس امنیت قضایی در کشور یا منطقه میزبان سرمایه وجود ندارد. در سند چشم انداز بیست ساله نیز، مقنن در بند ۳ از سیاستهای کلی در خصوص امنیت اقتصادی از نقطه نظر قضایی آورده است: «نظارت و رسیدگی و قضاوت در مورد جرایم و مسایل اقتصادی باید دقیق، روشن و تخصصی باشد.» بدین ترتیب راه کارهای قضایی توسعه اقتصادی و امنیت عبارتند از. 1: تضمین اصل بی طرفی و اهتمام در جلی اعتماد عمومی از طریق تقویت استقلال دستگاه قضایی و توسعه وحدت رویه در تصمیمات قضاوت 2. تخصصی کردن رسیدگی به دعاوی اقتصادی و تجاری توسعه روش داوری و حکمیت در حل و فصل دعاوی تجاری کاستن از مراحل دادرسی به منظور دسترسی به قطعیت احکام در زمان مناسب رعایت اصل سرعت در رسیدگی به پرونده های تجاری و اقتصادی توجه به اهمیت اصل سرعت در عالم تجارت و اقتصاد تفسیر قوانین به نفع اجرای تعهد و نه نقض آن. تحلیل اقتصادی حقوق که عبارت است از اعمال روشهای اقتصادی تحلیل حقوق، از مفاهیم اقتصادی برای توضیح آثار مقررات، ارزیابی قواعد حقوقی کارآمد از نظر اقتصادی و پیشبینی اقبال مردم به قواعد حقوقی

استفاده میکند. در رویکرد واقع گرا که از اوایل قرن بیستم و با نظریه های پاسنر تحت عنوان تحلیل اقتصادی حقوق و تحت عنوان هزینه های اجتماعی مطرح گردید، با رویکرد جدیدی در رشته حقوق و نیز سایر حوزه های علوم انسانی مواجه شدیم که در آن با استفاده از ابزارهای جاری در اقتصاد خرد سعی در تحلیل روابط اجتماعی میکنند. در این رویکرد که امروزه به عنوان تحلیل اقتصادی شناخته میشود. همواره سعی در پیشبینی علمی رفتارهای کنشگران اجتماعی در قالب گزینه منفعت طلبی و ضررگریزی با استفاده از ابزار اقتصاد خرد مینمایند به نظر پاسنر، میل به حداقل رساندن هزینه ها در انتخاب بین دقت و ملکیت تنظیم قواعد حقوقی و معیارها مبنای توجه است. نظریه پاسنر متضمن شماری از فرضیه های آزمون پذیر راجع به ساختار قاعده سازی حقوقی و تقسیم مسؤلیتهای وضع قواعد است. بررسی اتفاقی ادله موجود نشان میدهد که شماری از این فرضیه ها گرچه کار تجربی منظم و پایش نظریه محسوب میشوند اما مستلزم بررسی بیشترند. پاسنر در تنظیم قواعد حقوقی قائل به دو دسته میشود، یک به لحاظ قدیم دسته قواعد نوشته که به معمولی بودن و به روز نبودن کمتر کارآیی اقتصادی دارند و یک قواعدی که توسط قضات به وجود می آیند که معمولاً چون در رابطه با قضیه مطرح و در حال بررسی و جدیدی وضع میشوند با واقعیات اقتصادی آن مقطع زمان سازگارترند.

تمایل به افزایش ثروت و به حداقل رساندن هزینه ها همانطور که از معیارهای مورد توجه در مرحله وضع قوانین است، در مرحله اجرای آن نیز مورد توجه میباشد؛ چرا که قضات در حال

رسیدگی به دعاوی هستند که بیانگر واقعیات دوره زمانی آنهاست و به همین دلیل همانطور که بیان شد آرای همانند دادرسان میتواند موجب رسیدن به نقطه بهینه باشد، در زمینه تفسیر و اجرای قانون، توجه به این معیارها نیز میتواند موجب تکرار آرای همانند دادرسان باشد؛ لذا دارای اثر متقابل هستند با اجرای وظایف عادی قضات، به تدریج قاعده حقوقی شکل میگیرد؛ به نحوی که این عمل به صورت نهادی سازمان می یابد و این عمل سازمان یافته است که به رویه قضائی کلیت میدهد و قاضی میتواند در پرونده های مشابه به آن مراجعه میکند؛ همانطور که میتواند به تفسیری که قاضی دیگری از آن قانون داده مراجعه کند. یک چنین مراجعه به آراء قبلی آن قدر عادی و راحت صورت میگرد که کم کم سوابق در یک جهت جمع می شوند

امروزه مراجعه به سوابق با توجه به الزامی که قضات در زمینه توجیه تصمیمات خود دارند، که آن هم مورد کنترل دیوان عالی است، قوت گرفته است. تصمیم باید الزاما استدلال حقوقی و به ویژه بیانگر تفسیر قاعده حقوقی باشد. به طور کلی وجه مشخصه و غایت روش تحلیل و تفسیر اقتصادی همانا تعیین نقطه تعادل بهینه در رفتارهای اجتماعی است، پس منظور از تفسیر اقتصادی تبیین و تعیین نقطه تعادل، و برآوردن معیار کارایی است. مسلما در تمام نظام های پیشرفته حقوقی کارایی اقتصادی جزء یکی از اهداف نظام حقوقی است اما گسترش نگرش اقتصادی به کل نظام حقوقی و توجه تنها به عوامل اقتصادی و کنار گذاشتن سایر عناصر قاعده حقوقی بسیاری از شاخه های حقوقی را مانند حقوق اموال، قراردادهای، مسئولیت و حقوق جزا را از هم

می باشد و آنها را به ابزارهایی برای سیاست اقتصادی تبدیل میکند. حقوقدانان باید برای تأیید فرض هایشان از اقتصاد به عنوان وسیله ای فنی بهره گیرند و به جای اینکه حقوق ابزار سیاست اقتصادی باشد، اقتصاد باید ابزاری باشد در خدمت حقوق و عدالت. تمایل به به حداقل رساندن هزینه ها همانطور که از معیارهای مورد توجه در مرحله وضع قوانین است، در مرحله اجرای آن نیز مورد توجه میباشد؛ چرا که قضات در حال رسیدگی به دعاوی هستند که بیانگر واقعیات دوره زمانی آنها است و به همین دلیل همانطور که بیان شد آرای همانند دادرسان و درک مشترک از قانون میتواند موجب رسیدن به نقطه بهینه باشد، در زمینه تفسیر و اجرای قانون، توجه به این معیارها نیز میتواند موجب تکرار آرای همانند دادرسان باشد؛ لذا دارای اثر متقابل هستند.

امروزه ناممکن است کسی بخواهد منکر ویژگی هنجاری رویه قضایی شود. اهمیت این منبع رویه قضایی در عرصه های گوناگونی که در آنها موجب وضع مقررات گردیده است سنجیده میشود: حقوق خانواده، حقوق قراردادها، مسئولیت مدنی ناشی از جرم و ... در نظامهای حقوق نوشته مانند حقوق ایران و مصر رویه قضایی نقطه تبلور حقوق است. رویه قضایی به قانون عینیت میبخشد، به آن تحرک میدهد، نقاط ضعف، شدت و نارسایی آن را برطرف کرده و با نیازهای اجتماعی منطبق میسازد؛ معیار خوبی است برای سنجش عدالت و سرانجام انعکاسی است از اخلاق و تمدن یک ملت و استفاده از آن آسانتر از قواعد قانونی است رویه قضایی نقش مهمی در تحقق امنیت قضایی و اقتصادی دارد؛ از آنجا که قاضی با تفسیر قانون است که میتواند آن را با

نیازهای روز جامعه هماهنگ سازد که با معیار رویکرد تحلیل اقتصادی نیز سازگار است، اهمیت نقش قاضی در تفسیر منطبق با معیارهای تحلیل اقتصادی مانند کارایی و رسیدن به نقطه بهینه به خوبی روشن میشود. رویه قضایی عامل مهمی در تحقق نظم حقوقی است و با فقدان قوانین که از هر حیث جامع و کامل باشند، بهتر است از تصمیمات مشابه گذشته برای نیل به عدالت و امنیت قضایی برای پر کردن خلاءهای قانونی استفاده کنیم و باید بپذیریم که نقش رویه قضایی را نمیتوان نادیده گرفت. در حقوق مصر باور این است که رای صادره در یک دعوی از سوی قاضی با تمام اختیارات قضایی که دارد شکل میگیرد. در حقوق این کشور به فاکتورهای مهم و اساسی در تحقق عدالت و امنیت که در آنها رویه قضایی نقش اساسی را دارد بسیار پرداخته شده است که استقلال و بی طرفی قضات و ضمانت اجرای آنها و هم چنین اهمیت هماهنگی آراء در تحقق عدالت مطرح میشود. قوانین با توجه به پیچیدگی روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... نمیتوانند برای هماهنگی با تغییرات روز جامعه منتظر ارائه تفسیر مناسب از قانونگذار یا تصویب قانون جدید بمانند؛ لذا اگر در رویه قضایی این امر صورت نگیرد و قاعده حقوقی در راستای تفسیر منطبق با واقعیات و نیازهای جامعه از قانون ایجاد نشود، قانون مسکوت میماند یا دارای اثر مورد نظر قانونگذار نخواهد بود. از سوی دیگر اقتصاد و استفاده از معیارهای تحلیل اقتصادی مانند افزایش ثروت یا کارآمد بودن قواعد جز با استفاده از رویه قضایی در تفسیر و موجد قاعده حقوقی بودن آن قابلیت تحقق ندارد و اگر جایگاه متناسب با کاربرد خود را داشته باشد قطعاً به پیش برد نظام حقوقی کمک خواهد کرد.

با این مقدمه، لازم است از منظر و دریچه مدیریت تعارض منافع به سند امنیت قضایی نیم‌نگاهی بیفکنیم. اگر مسئله تعارض منافع را چنانکه کارشناسان متعددی تصریح می‌کنند یکی از مهم‌ترین علل ناکارآمدی نهادهای حاکمیتی قلمداد کنیم، جا داشت که در سند امنیت قضایی برای این مسئله تمهیداتی در نظر گرفته می‌شد و یک سرفصل در بخش اول سند به بحث مدیریت تعارض منافع اختصاص داده می‌شد.

کشورهای جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده آمریکا و انگلستان هر یک تا اندازه‌ای در نظام حقوقی خود قوانین و مقرراتی بدین منظور تصویب کرده‌اند. با مقایسه سه کشور فوق می‌توان به این نتیجه رسید که با توجه به شناسایی زود هنگام مفهوم تعارض منافع در آمریکا و انگلیس و به تبع تدوین، تصویب و اجرای مقدم این قوانین نسبت به ایران، تعارض منافع موجود در نظام قضایی این کشورها روند کاهشی داشته است و مسئولان قضایی و مردم نیز با اطلاع و تفهیم این موضوع در مدیریت تعارض منافع نقش به‌سزایی داشته‌اند ولی در نظام حقوقی ما هنوز مفهوم مستقلی به نام تعارض منافع نتوانسته است جایگاه مناسب خود را در قوانین پیدا کند و نیز در نتیجه روند آن چنان محسوس از مدیریت تعارض منافع در نظام قضایی را شاهد نبوده‌ایم. در یادداشت کوتاهی با عنوان مصادیق تعارض منافع در نظام قضایی و حقوقی کشور، نمونه‌هایی از تعارض منافع در دستگاه قضایی را به این شرح برشمرده است:

- وجود رابطه استخدامی بین نمایندگان عضو کمیسیون قضایی و قوه قضائیه و دریافت حقوق این نمایندگان مجلس از قوه قضائیه
- اعطای پروانه وکالت به قضات پس از بازنشستگی
- انفصال قضات از قوه قضائیه و ورود به وکالت بدون گذراندن آزمون وکالت

مطابق قانون اساسی وظایف پیشگیری از وقوع جرم و حل و فصل اختلافات بر عهده قوه قضائیه نهاده شده است. یعنی اگر قوه قضائیه در امر پیشگیری از وقوع جرم و اختلافات موفق عمل نکند نتیجه آن به خودش برمی گردد و این شاید انگیزه‌ای شود تا در امر پیشگیری تلاش فراوان نماید اما سیاست‌های بودجه‌ای قوه قضائیه دقیقاً عکس این موضوع را تقویت می‌کند. در قانون بودجه، بخشی از هزینه‌های دادرسی که باید به خزانه واریز شود به عنوان بودجه به قوه قضائیه تخصیص می‌یابد. بنابراین از یک سو پیشگیری از وقوع جرایم و اختلافات بر عهده قوه قضائیه است و از سوی دیگر بروز اختلاف منجر به افزایش درآمد قوه قضائیه می‌شود. معنای آن این است که اطلاع دادرسی و پرپیچ و خم شدن آن می‌تواند به افزایش درآمد و کاهش مشکلات بودجه‌ای قوه قضائیه بیانجامد؛ هرچند منظور وی ظاهراً افزایش تعرفه‌های دادرسی است، اما این افزایش هزینه از طریق طولانی شدن فرآیند دادرسی نیز ممکن است حاصل شود. بنابراین می‌توان مشاهده کرد که موقعیت تعارض درآمد و وظیفه نیز می‌تواند بسترساز یکی از مشکلات شهروندان در مواجهه با قوه قضائیه شود. علاوه بر موارد فوق، مصادیق دیگری از تعارض منافع در قوه قضائیه در سطح سازمانی مطرح است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تعقیب جرائم عمومی توسط دادستان‌ها و قضاوت در مورد آنها توسط دادگاه‌ها، اگر چه به صورت مستقل انجام می‌شود اما از آنجا که هر دو امر فوق ذیل وظایف یک قوه قرار گرفته است موجب بروز موقعیت تعارض وظایف در قوه قضائیه می‌شود.
- همچنین پیش‌بینی سازوکار انتخاب وکیل در مرکز مشاوران توسط قوه قضائیه که وظیفه دفاع در قوه قضائیه را بر عهده دارند با وظیفه قضاوتی قوه قضائیه، زمینه تعارض منافع را فراهم می‌کند.
- نگهداری زندانیان در زندان که تحت مدیریت سازمان زندان‌ها به عنوان بخشی از قوه قضائیه انجام می‌شود با وظیفه قوه قضائیه در نظارت بر عملکرد زندان‌ها که توسط قضات و دادستان‌ها انجام می‌شود.

• از یک طرف نظارت بر اجرای قوانین توسط قضات در قوه قضائیه توسط دادگاه‌های انتظامی قضات انجام می‌شود و از طرف دیگر نظارت بر اجرای قوانین توسط قضات دادگاه‌های انتظامی توسط بخش دیگری از قوه قضائیه انجام می‌شود.

این مصادیق ناشی از موقعیت درب‌های گردان، اشتغال بیرونی، موقعیت تعارض وظایف و نظارت بر خود هستند. اگر کنکاشی در مصادیق و موقعیت‌های تعارض منافع در نظام قضایی صورت گیرد، شاهد فهرستی طولانی از این موقعیت‌ها و مصادیق خواهیم بود که بدون تردید از علل بروز ناکارآمدی و فساد در سیستم قضایی است. به رغم اهمیت و فوریت مسئله مدیریت تعارض منافع در بخش‌های مختلف حاکمیت، دیده نشدن این مسئله در سند امنیت قضایی، خلاء بزرگی برای آن محسوب می‌شود.

۲-۱۱-۱۰ شفافیت راهکاری برای مدیریت تعارض منافع در نظام قضایی

قابل ذکر است که کسانی که در تدوین سند مذکور نقش داشته‌اند به خوبی اهمیت مسئله‌ی شفافیت را درک کرده و یکی از مواد ۳۷ گانه این سند (ماده ۵) به اصل شفافیت اختصاص داده شده است. در این ماده، تمهیداتی برای نگارش همه‌فهم لوایح و بخشنامه‌های قضایی، اعلام تصمیمات اداری به طرفین دعوا، انتشار برنامه و اوقات رسیدگی جلسات علنی دادگاه‌ها در تارنمای قوه قضائیه، ضبط و نگهداری صدا و تصویر جلسات رسیدگی به درخواست طرفین دعوی و امکان دسترسی وکلا به این محتوا و انتشار آراء قطعی دادگاه‌ها با هدف تحلیل و نقد صاحب‌نظران و متخصصان به صورت کامل ضمن حفظ حریم خصوصی اشخاص در تارنمای قوه قضائیه در نظر گرفته شده است.

با توجه به ارتباط بین تعارض منافع و فساد، پیشگیری از تعارض منافع راهکاری اساسی جهت پیشگیری از فساد است و این مسئله به حدی مهم است که بسیاری از اقتصاددانان عامل اصلی عدم ایجاد اصلاحات اقتصادی را وجود تعارض منافع در ایران می‌دانند. برای حل این مسئله، اصطلاحاً

موقعیت‌های تعارض منافع باید مدیریت گردند. مدیریت تعارض منافع به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که تلاش دارد تا از انتخاب نفع شخصی به جای نفع عالی و عمومی جلوگیری کند. برای این مجموعه اقدامات راهبردهای بسیاری طراحی شده است که این راهبردها به دو صورت کلی تأثیر بر تصمیم افراد برای انتخاب نفع برتر و یا تأثیر بر ساختارها و قواعد تقسیم‌بندی می‌گردند. یکی از راه‌های تأثیر بر تصمیم افراد برای مدیریت موقعیت تعارض منافع استفاده از راهبرد شفافیت است.

نمونه‌ها و مصادیقی از شفاف‌سازی که در ماده ۵ سند امنیت قضایی ذکر شده گرچه بسیار مهم است و در صورت تحقق عملی کمک بزرگی به تسهیل دادرسی و اقامه حقوق شهروندان می‌کند، اما برای مقصود مدیریت تعارض منافع کفایت نمی‌کند. این ناظر بر شفافیت فرآیندهای قضایی برای شهروندان است؛ اما شفافیت در وضعیت کارکنان و زیرسیستم‌های نظام قضایی را مدنظر ندارد. برای مثال، آن نوع شفافیتی که می‌تواند به مدیریت تعارض منافع در یک سازمان کمک کند، انتشار عمومی یا درون‌سازمانی ارتباطات شغلی، مالکیت و سهامداری بیرونی، اظهارنامه‌های منافع متعارض توسط کارکنان، اظهارنامه‌های دریافت هدایا و مواردی از این دست است که ضامن پیشگیری از قرار گرفتن کارکنان قوهی قضائیه در معرض تعارض منافع است.

قضاوت و دادرسی، که در روزگار قدیم به صورت ساده و ابتدایی و در قالب داوری خصوصی جریان داشت، امروز به صورتی پیچیده در آمده است و متناسب با درجه تمدن، نوع حکومت و مقتضیات سیاسی، اجتماعی و علمی جوامع، تغییر و تحول یافته است

به عبارت دیگر، پویایی، جزء لاینفک و اجتناب ناپذیر نظام قضایی است تحول پرفراز و نشیب نهاد دادرسی در سرزمین کهن ایران، نسبت مستقیم و گسترده‌ای با نوع حکومت، دین رایج و وضعیت سیاسی و اجتماعی داشته است. در زیر، به اختصار، به روند تاریخی تحول نظام قضایی ایران از عهد هخامنشی تا پیروزی انقلاب اشاره می‌شود:

نظام قضایی در عهد هخامنشی

کلمه «دات» در فرس قدیم هخامنشی و اوستا به معنای «قانون» است. این کلمه در فارسی به «داد» تبدیل شده و «داتیک» منسوب به «دات» به معنای عدل و داد است. قضاوت و داوری در عهد هخامنشی زیر نظر شاه انجام می گرفت. مغان و پیشوایان مذهبی، مجری قانون و مسئول صدور احکام بودند. «مغان» نزد ایرانیان از فرزندان به شمار می رفتند، به طوری که حتی کسی پیش از آموختن تعالیم مغان، به پادشاهی نمی رسید. تمام قدرت و اختیارات، از جمله امر قضاوت، زیر نفوذ شاه بود. شاه امر قضاوت و انتخاب قضات را به یکی از دانشمندان سالخورده واگذار می کرد. محاکم به دو دسته عالی و محلی تقسیم می شدند و محاکم عالی از هفت قاضی تشکیل می شد. قوانین توسط کاهنان وضع می شد. محاکمات از روند خاصی پیروی می کرد و یکی از روندها پیشنهاد سازش از طریق داوری بود. با افزایش میزان امور قضایی، گروه خاصی به نام سخنگویان قانون (وکیل امروزی) پیدا شدند که مردم را در کارهای قضایی راهنمایی و ارشاد می کردند. سوگند دادن و اجرای احکام از دیگر روندهای قضای بود.

نظام قضایی در عهد اشکانیان

نظام قضایی در زمان اشکانیان دگرگون نشد و تغییرات جزئی در روش های قضایی به وجود آمد. ریاست قوه قضاییه به شاه اختصاص داشت. گفتار پادشاه قابل نقض و نقد نبود و اگر کسی در محاکمات محلی به حقوق خود نمی رسید، می توانست به شخص شاه شکایت کند شاه سالی دو بار در ایام نوروز و مهرگان بار عام می داد و مردم می توانستند شکایات خود را، از شاه و سایر افراد کشور، مطرح کنند. شاه و مردم، در صورتی که شاکی و مدعی داشتند، به وسیله موبدان (موبد میر بدان میربد و ایران ذبیربذ)، که مقامات روحانی و قضایی بودند، محاکمه می شدند. پیش از ظهور اسلام در ایران و در عصر ساسانی، سازمان قضایی و آداب قضا و دادرسی در دست موبدان زرتشتی بود و مبانی حقوق و قضایی، کتاب اوستا و اجماع (مجموع فتاوی علمای روحانی) بود. پس از سقوط امپراطوری ساسانی و تسلط مسلمانان بر ایران، احکام قضا مبنی بر فقه اهل سنت بود. با قدرت گرفتن سلسله صفوی و رواج مذهب شیعه، نظام قضایی بر محور فقه

امامیه تنظیم شد که امور شرعی و عرفی از یکدیگر تفکیک شدند. دادگاه های شرعی زیر نظر فقها و دادگاه های عرفی زیر نظر دولت اداره می شدند. در دوران زندیه و افشاریه، امر قضا با همین روند ادامه داشت. در دوران قاجاریه و زمان ناصرالدین شاه، «عدلیه» شکل گرفت و در دیوانخانه به شکایات و اختلافات رسیدگی می شد. شکایات و دعاوی حقوقی توسط روحانیان و مجتهدان رسیدگی می شد و دعاوی غیرحقوقی توسط مقامات دولتی حل و فصل می گردید. در شهرستان ها نیز امور حقوقی را علما و امور جزایی و انتظامی را حکومت ها حل و فصل می کردند. رئیس دیوانخانه توسط شاه منصوب می شد. در عصر قاجاریه در نظام قضایی ایران در سه مقطع بازنگری شد:

۱. در عصر میرزا تقی خان امیرکبیر.

۲. در عصر میرزا حسین خان مشیرالدوله.

۳. در تحولات جنبش مشروطه که این مرحله به تشکیل عدالتخانه انجامید.

در دوران مظفرالدین شاه، طبق اصل ۲۷ متمم قانون اساسی، قوه قضاییه مستقل بود. نیز طبق اصل ۷۱، صلاحیت محاکم شرع و عرف، که سنت دوران صفویه بود، به رسمیت شناخته شد و طبق اصل ۷۲ قانون اساسی، رسیدگی به جرایم سیاسی در صلاحیت دادگاه های عام قرار گرفت. در زمان وزارت فرنفرما (وزیر عدلیه) چهار محکمه «ابتدایی»، «جزایی»، «استیناف» و «تمیز» فعالیت خود را آغاز کردند. در سال های بعد و در دوران وزارت مشیرالدوله پیرنیا، مدعی العموم (دادستان) و دیوان تمیز به تشکیلات عدلیه اضافه شد. در کمیسیون وزارت عدلیه در مجلس، تغییراتی در ساختار تشکیلات عدلیه به تصویب رسید که بر اساس آن، دادگاه های رسمی به سه دسته «صلح»، «استیناف» و «تمیز» تقسیم شدند. قوانین به اصول محاکمات حقوقی جزایی و تجارتمی تقسیم شد و در همین دوران به تصویب رسید.

تا پیش از روی کار آمدن سلسله پهلوی، امر دادرسی و قضاوت از نظم و تمرکز خاصی برخوردار نبود. در دوران پهلوی، قوانین عرفی، بدون توجه به ضوابط و معیارهای شرعی تعیین می شد. در زمان پهلوی اول، قانون مدنی (مشمول بر ۹۵۵ ماده در مورد مالکیت) و نیز حقوق قراردادها در

سال ۱۳۰۷ به تصویب رسید. آیین دادرسی مدنی در سال ۱۲۹۰ با نام «اصول محاکمات» از قانون فرانسه اقتباس شد و به تصویب رسید که در حدود سال ۱۳۱۸ اصلاح شد. جلد دوم و سوم قانون مدنی (احوال شخصیه و اقامت) با توجه به قوانین مدنی فرانسه، بلژیک و سوئیس تهیه و تصویب شد. نظام قضایی ایران در عصر پهلوی به سمت عرفی سازی و سکولاریزه کردن جامعه سوق داده می شد.

پس از سقوط رضا شاه و در دوره سلطنت سی و هفت ساله پهلوی دوم، عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران در معرض فراز و نشیب های فراوان قرار گرفت. بروز تغییرات سطحی، که تنها شامل شکل نظام قضایی می شد و نه بنیان های آن، از ویژگی های مهم تحول نظام قضایی در این دوره است. این دوره نه مانند صدر مشروطه، دوره پی ریزی نظام قضایی بود و نه مانند دوره رضاخان، دوره نوسازی و جهان پسند کردن دادگستری، بلکه در این دوره، از دستاوردهای نظام قضایی دو دوره قبل بهره برداری شد. سوای برخی تغییرات جزئی و محدود در نظام قضایی، شکل و محتوای آن تقریباً به حال سابق باقی ماند. چارچوب قوانین شکلی، از قبیل قانون آیین دادرسی مدنی و قانون آیین دادرسی کیفری، حفظ شد. تغییرات نظام قضایی در عصر پهلوی دوم، هماهنگ با تغییرات و تحولات سیاسی، به سه دوره قابل تقسیم است:

دوره اول: تغییرات بعد از شهریور ۱۳۲۰ تا روی کارآمدن دکتر مصدق (تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲)

دوره دوم: تحولات دوره کوتاه زمامداری مصدق.

دوره سوم: تا سقوط خاندان پهلوی در سال ۵۷.

دوره اول از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

- در شرایط بی ثباتی و تزلزل تمام امور مملکت، تحولات قضایی از ثبات و استحکام برخوردار نبود.

- به موجب قانون مصوب ۱۶ مهر ماه ۱۳۲۰ ریاست عالیہ کلیہ قوا، که طبق قانون مصوب ۲۰ دلو ۱۲۰۳ به رضا شاه اعطا شده بود، از شاه سلب شد.

- بیشترین سروصدایی که دادگستری بعد از شهریور ۱۳۲۰ به پا کرد، مربوط به محاکمه عمال قصر رضاخانی به ویژه عناصر پلیس رضاخان بود.

- موضوع دیگری که دادگستری را به صحنه کشاند، استرداد املاک غضب شده در دوره رضاخان بود که با اختراع فرمول «هبه نام» به تسکین احساسات عمومی پرداخت. نهایتاً در ۱۲ خرداد ۱۳۲۱ لایحه «تعیین تکلیف املاک واگذاری» به تصویب نمایندگان رسید.

- محدود کردن صلاحیت محاکم نظامی با تصویب ماده واحده سال ۱۳۲۲.

- به استناد مصوبه ۱۳ دی ۱۳۲۰ هیأت وزیران قوه قضاییه کشور از هر حیث از قوه قضاییه مجزا شد.

- نبود تغییرات بنیادی و گسترده در ساختار حکومت، مانع از پذیرش اصلاحات و تغییرات در نظام قضایی از سوی تمام ارکان حکومت شد.

- افزایش صلاحیت دادگاه های نظامی، بویژه از سال ۱۳۲۷ به بعد، وجه دیگر نقض صلاحیت عمومی دادگستری بود.

- «نفوذ سیاست در قضاوت»، به معنای مداخله و نفوذ ارکان قدرت در امور قضایی، ویژگی خاص این دوره است.

دوره دوم (دوره مصدق)

دوره زمامداری دکتر مصدق (از اردیبهشت ۱۳۳۰ تا مرداد ۱۳۳۲) یکی از بحث انگیزترین ادوار تاریخ معاصر ایران است. از حیث بررسی تحولات نظام قضایی، دوره زمامداری مصدق به دو دوره کاملاً متمایز قابل تقسیم است:

1 در یک سال نخست زمامداری دکتر مصدق، تحول قابل توجهی در نظام قضایی رخ نداد. مهم ترین برنامه دولت مصدق، اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت بود و به همین دلیل، کمتر به

اصلاحات داخلی توجه شد.

2. پس از قیام عمومی ۳۰ تیر ۱۳۳۱ مرحله جدیدی از زمامداری دکتر مصدق، که ویژگی اصلی

آن پرداختن به اصلاحات داخلی بود، آغاز شد. در برنامه پیشنهادی دولت مصدق، بر ایجاد

اصلاحات در زمینه های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و قضایی تأکید شد.

تغییرات قضایی در دوره زمامداری مصدق به معنای دگرگونی چارچوب نظام قضایی نبود. لایحه

تحول شامل مجموعه ای از تغییرات شکلی بود که متناسب با فضای سیاسی آن روز و با هدف

دموکراتیک کردن دستگاه قضایی صورت گرفت. در حقیقت، تحول نظام قضایی دوره مصدق،

خارج کردن دستگاه قضایی از حال و هوای حکومت استبدادی رضاخان بود. این تغییرات را می

توان در بندهای زیر مرتب کرد:

- سازمان دادگستری، شامل تشکیلات قضایی و اداری، بیش از سایر جنبه های نظام قضایی در

معرض تغییرات قرار گرفت.

- تلاش برای تقویت دستگاه قضایی و استقلال آن، دادن جایگاه واقعی به قوه قضاییه در سازمان

حکومت و در رابطه با قوای مقننه و مجریه و افزایش کارایی دستگاه قضایی از طریق تجدید نظر

در قوانین قضایی، مهم ترین نقاط مثبت اصلاحات قضایی دکتر مصدق بود.

دوره سوم (۱۳۵۷-۱۳۲۸)

در دوره ۲۵ ساله پس از کودتا تحولات در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی و قضایی با

ادوار قبل کاملاً متفاوت بود. در این دوره، پی ریزی نظام سیاسی و اجتماعی و قضایی خاصی

مطرح نبود، بلکه در تمام عرصه ها برنامه های به جای مانده از ادوار قبل، با تغییرات اندکی،

تداوم یافت. در مدت کوتاهی پس از کودتا اصلاحات مصدق لغو و یا در آنها تجدید نظر شد و

کلیه قوانین ناشی از اختیارات دکتر مصدق ملغی گردید. مهم ترین عرصه های تغییرات قضایی

در این دوره عبارتند از:

- دادگاه سیار، به موجب لایحه قانونی ۳۰ بهمن ۱۳۳۵ (مصوب کمیسیون مشترک مجلس) به

تصویب رسید.

- سازمان و تشکیلات قضایی مملکت بعد از کودتای مرداد تا انقلاب اسلامی، ترکیب و ساختار قبلی خود را حفظ کرد. به عبارت دیگر، سازمان قضایی مملکت در این دوره ۲۵ ساله، سازمان به جای مانده صدر مشروطه و دوره رضاخان بوده که تغییرات جزئی و محدود یافت.

- وقوع انقلاب اسلامی ایران به تنهایی می تواند دلیل کافی بر ضعف دستگاه قضایی در سال های قبل از انقلاب باشد.

۲-۱۱-۱۱ نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران

در اوایل انقلاب، به علت نبود قانون اساسی، تغییرات چندانی در سیستم قضایی به وجود نیامد. بعد از مدتی کمیته انقلاب در دادگستری تشکیل شد و به شکایات مردم از مسئولان سابق رسیدگی کرد. در ۱۷ اسفند سال ۱۳۵۷ لایحه قانونی اصلاح سازمان دادگستری و قانون استخدام قضات به تصویب شورای انقلاب رسید که اختیارات گسترده ای، از جمله حق انحلال محاکم و مراجع قضایی و ادارت زاید دادگستری و تشکیل مجدد آنها پس از تصفیه را دارا بود. دیگر ویژگی های این دوره عبارتند از:

- ۲۵ اسفند ۱۳۵۷ طبق لایحه قانونی، دیوان عالی کشور و دادرسی آن و دادگاه های انتظامی و تجدید نظر منحل شد.

- در ۱۵ فروردین ۱۳۵۸ دیوان عالی کشور با ترکیب جدیدی ایجاد شد.

- طبق اصل ۱۷۴ قانون اساسی، «سازمان بازرسی کل کشور»، به جای «اداره کل بازرسی وزارت دادگستری و سازمان شاهنشاهی» زیر نظر قوه قضاییه به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین و مقررات در دستگاه های اداری تشکیل شد.

- به موجب ماده واحده مصوب ۱۱ اردیبهشت ۵۸ دادگاه های نظام صنفی، منحل و رسیدگی به جرایم مختلف صنفی به دادگاه های جنحه محول شد.

- با تصویب لایحه قانونی تشکیل دادگاه های عمومی، دادگاه های مدنی خاص دادگاه ها و دادرسی انقلاب در کنار دادگستری عمومی ایجاد شد.

- به استناد ماده ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضاییه به عنوان یک قوه مستقل و جدا از وزارت

دادگستری شناخته شده است؛ در حالی که در قانون اساسی مشروطه، وزارت دادگستری به عنوان عالی ترین تشکیلات و وزیر دادگستری به عنوان عالی ترین مدیر دستگاه قضایی، هدایت و مدیریت قوه قضاییه را از زمان مشروطه تا انقلاب عهده دار بود و سازمان قوه قضاییه جایگاهی در سازمان حکومت نداشت.

- در اصل ۱۵۷ قانون اساسی، مدیریت کلان قوه قضاییه به «شورای عالی قضایی» سپرده شده بود.

- در ساختار جدید، اختیارات وزارت دادگستری کاهش و عمده کارهای آن به شورای عالی قضایی انتقال یافت. وزیر دادگستری بر امور قضایی و تشکیلاتی قوه قضاییه اشراف و تسلطی نداشت، بلکه حکم نماینده قوه قضاییه در جلسه هیأت دولت و مجلس را داشت تا از طرح ها و لوایح قضایی دفاع کند.

- دادگاه های نظامی زیر لوای قوه قضاییه درآمد و «سازمان قضایی نیروهای مسلح»، به عنوان یک سازمان وابسته به قوه قضاییه، طبق اصل ۱۷۲ قانون اساسی تشکیل شد.

- به موجب اصل ۱۷۳ قانون اساسی، تشکیلات جدیدی با نام «دیوان عدالت اداری» ایجاد شد.

- یکی دیگر از تشکیلات مفیدی که بعد از انقلاب ایجاد شد، «سازمان بازرسی کل کشور» بود.

- سه سال نخست بعد از انقلاب، به دلایلی از قبیل دوگانگی اندیشه قضایی، فوریت پیشامدهای قضایی و کم تجربگی عناصر انقلابی، دوران هرج و مرج بحران قضایی بود.

- صدور فرمان ۸ ماده ای امام خمینی (ره) در ۲۵ آذر ۱۳۶۱ نقطه عطفی در تحول نظام قضایی پس از انقلاب بود. در بند اول این فرمان، بر جاری شدن قوانین شرعی به ویژه در امور قضایی، و در بند ۲ بر رسیدگی به صلاحیت مأموران قضایی و پاکسازی دستگاه قضایی و در بندهای بعدی نیز بر مصونیت و امنیت قضایی افراد تأکید شد.

- در مرداد ماه ۱۳۶۴ به منظور پیشبرد مسئولیت های شورای عالی قضایی و ترتیب تصمیم گیری و اداره شورا آیین نامه ای در ۳۹ ماده و ۴ تبصره به تصویب رسید.

- اشکالات و معایب ناشی از نظام شورایی مدیریت دستگاه قضایی و همچنین بعضی نارسایی

های دیگر سبب شد امام خمینی در ۲۳ بهمن ۱۳۶۷ در نامه ای از رئیس جمهور بخواهد تا در

جلسه ای مرکب از سران سه قوه و اعضای شورای عالی قضایی، موضوع تقسیم کار شورای عالی قضایی را بررسی کرده، طرح های خود را به ایشان ارائه دهند. در این جلسه، حوزه مسئولیت وزیر دادگستری، «کلیه امور اجرایی دادگستری و پزشکی قانونی» تعیین شده بود. اموری از قبیل تعیین حقوقدانان شورای نگهبان و نماینده قوه قضاییه در شورای سرپرستی صدا و سیما نیز به پیشنهاد وزیر دادگستری موکول شد. رفع کمبود مسکن قضات، تشکیل سمینارها و ارتباط با دولت و مجلس نیز از وظایف خود شورا تعیین شد. طرح مذکور در ۲۶ بهمن به تأیید امام رسید. دیری نپایید که با طرح موضوع بازنگری در قانون اساسی، موضوع تمرکز در مدیریت قوه قضاییه در زمره موارد بازنگری قرار گرفت و پس از تصویب نهایی اصلاحات قانون اساسی، دوره جدیدی از مدیریت دستگاه قضایی آغاز شد.

- حضرت امام در ۴ اردیبهشت ۱۳۶۸ در نامه ای به رئیس جمهور وقت، به منظور اصلاح در قانون اساسی، هیأتی مرکب از ۲۰ نفر را تعیین و معرفی ۵ تن دیگر را به انتخاب مجلس واگذار کردند. در بند ۳ از نامه ایشان، «تمرکز در مدیریت قوه قضاییه» به عنوان یکی از موضوعات مورد بازنگری تعیین شده بود. هنگام بحث بر سر تمرکز در مدیریت قوه قضاییه، درباره جایگاه، وظایف و اختیارات وزیر دادگستری نیز بحث شد و حذف پست وزارت دادگستری، به پیشنهاد میرحسین موسوی (نخست وزیر) و حسن حبیبی (وزیر دادگستری) بنا به تجربیات ده ساله آنها مطرح و پیشنهاد شد رئیس قوه قضاییه یک معاون اجرایی و پارلمانی داشته باشد که در هیأت دولت شرکت کند؛ زیرا وزیر از یک طرف در مقابل مجلس مسئول است و از طرف دیگر هیچ اختیاری ندارد.

مخالفان حذف پست وزارت دادگستری معتقد بودند وزیر از اعتبار بالایی برخوردار است؛ زیرا به وسیله رئیس جمهور و مجلس انتخاب می شود و حذف آن به اعتبار دستگاه قضایی لطمه می زند. وزیر دادگستری، در اجرای اصل ۱۶۰ قانون اساسی، رابط قوه قضاییه با قوه مجریه و مقننه است. او، به عنوان عضو کابینه، در مقابل مردم و مراجع قانونی، مسئول است و در روابط بین المللی نیز، به عنوان مسئول و طرف قرارداد، حسب مورد، مقبول است. ضمناً او در جلسات

هیأت دولت حضور یافته، حق رأی دارد و باید از طرح ها و لوایح قضایی و سایر لوایح مربوط به وزارت دادگستری دفاع کند؛ بنابراین، وزیر دادگستری، در قبال مسئولیت های خود، اختیارات کافی ندارد و در سازمان حکومتی از جایگاه ویژه ای برخوردار نیست.

در حال حاضر، طبق اصل ۴ قانون اساسی، انطباق کلیه قوانین و مقررات با موازین اسلامی، ضروری است. در نتیجه، کلیه قوانین و مقررات قضایی، قوانین آیین دادرسی (اعم از مدنی و کیفری) و قوانین ماهوی و بالاخره تمام قوانین جاری باید با قوانین و موازین فقه اسلامی منطبق باشد

اصل شفافیت، تضمین کیفیت قانون و آراء قضایی از نظر قابلیت فهم و وضوح آن برای همه شهروندان باهدف افزایش اعتبار نظام حقوقی است. بر اساس این اصل، تصمیمات مراجع قضایی، شبه قضایی و اداری باید عاری از ابهام بوده و دارای انسجام باشد. در این راستا: ۱- لوایح قضایی، آیین نامه ها و بخشنامه های قضایی باید به نحوی نگارش شود که برای همه شهروندان و قضات در مقام استناد واضح و قابل فهم باشد. ۲- همه آراء قضایی باید مستدل و مستند به قانون و موجه باشد و به اصحاب دعوا ابلاغ شود. قضات مکلفند با پرهیز از به کار بردن الفاظ و عبارات کلی و مبهم، فرآیند اتخاذ تصمیم و دلیل آن را با جزئیات در رأی خود منعکس کنند، به نحویکه امکان نظارت دقیق بر فرایند تصمیمگیری از سوی مرجع بالاتر فراهم شود. تصمیمات اداری اتخاذ شده در فرایند دادرسی نیز در صورتیکه بر حقوق طرفین دعوا تأثیر

گذارد باید مستدل باشد و به آنها اعلام شود. ۳- جهت ارتقاء شفافیت فرایند رسیدگی در مراجع قضایی اقدامات زیر در دستور کار قضاییه قرار میگیرد:

الف- جهت سهولت قوه دسترسی مردم، برنامه و اوقات رسیدگی جلسات قضاییه منتشر و در علنی دادگاه ها در تارنمای قوه نمایشگرهای تعبیه شده در دادگاه ها نیز مهر ماه ۱۳۹۹ نشریه روابط عمومی کانون وکلای دادگستری مرکز تحقیقات قضایی سند امنیتی در ۳۷ ماده از سوی آیت الله ریسی قضاییه ابلاغ شد رئیس قوه مصوبه مورخ ۱۳۹۹/۷/۲۷ هیات مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز در خصوص اظهارات معاون رئیس قوه قضاییه مبنی بر تاسیس اداره نظارت بر وکالت استقلال کانون وکالت، با دادرسی منصفانه، احقاق حقوق شهروندان و اعتبار و منزلت دستگاه قضایی پیوند خورده است. براین اساس، کانون وکلای دادگستری مرکز، مستندا به بند «ب» ماد ۶ لایحه قانونی استقلال، نظارت سازمانی بر اعمال وکالت را از جمله صالحیت های ذاتی و انحصاری کانون های وکالت دادگستری دانسته و ضمن تأکید بر اجرای استثنایی و موردی اختیارات منصوص در مواد ۱۵، ۱۶، ۱۸، و ۲۱ لایحه قانونی استقلال کانون وکالت توسط مقامات مذکور در این مواد، خاطر نشان میسازد که اختیارات اداره کل جدیدالتأسیس نظارت در معاونت محترم حقوقی و امور مجلس قوه قضاییه، به اعضای کانونهای وکلا دادگستری قابلیت اعمال قانونی نداشته و گسترش اختیارات استثنایی و موردی منصوص در مواد فوق، مغایر با قانون و ناقض استقلال کانون

وکلاست از ریاست محترم قوه قضائیه انتظار دارد در راستای تحقق اصول مندرج در سند امنیت قضایی، از تسری اختیارات ادارۀ مذکور به اعضای کانون های وکلای دادگستری جلوگیری به عمل آورند سند امنیت قضایی در ۳۷ ماده از سوی قضائیه ابلاغ شد آیت الله ریسی، رئیس قوه متن این سند به شرح زیر است

سند امنیت قضایی در اجرای بند «به ماده ۱۲۰ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵ و به منظور تحقق اهداف بندهای ۶۵، ۶۶ و ۶۷ سیاستهای کلی قانون برنامه ششم توسعه کشور مصوب ۱۳۹۴» سند امنیت قضایی «به شرح مواد آتی است. مقدمه

نظام قضایی در قانون اساسی نقش بنیادین دارد. لذا اصل یکصد و پنجاه و شش قانون اساسی، وظیفه پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی و همچنین تحقق بخشی به عدالت را بر قضائیه نهاده است. در راستای ایفای عهده قو این نقش، اشخاص حق دارند از آثار و نتایج حقوقی و قضایی رفتار و اعمال خود و دیگران در حدود قانون آگاه باشند. این مهم، مستلزم ثبات نسبی در وضع قواعد و اجرای آنها و احترام به حقوق مکتسبه افراد است حقوق اشخاص ایمن به آن، نخواهد بود، مگر آنکه به هنگام تع نظام قضایی شایسته، مستقل و قانون محور برای دادخواهی و احقاق حق حضور داشته باشد. در جامعه مردم سالار و اسلامی، اعتماد عمومی به نظام قضایی، اقتدار و انسجام دستگاه قضایی از

اهمیت ویژه برخوردار است. امنیت قضایی حالتی است که در آن، حیثیت جان، مال و کلیه امور مادی و معنوی اشخاص در حمایت قانون و مصون از تعرض باشد و تأمین چنین امنیت عادلانه برای همه بر عهده قضایه قرار گرفته است. این سند تلاش دارد قوه با ترسیم سیاست های کلی مرتبط با تأمین امنیت قضایی شهروندان و با رویکرد تحول نظام قضایی، گام بردارد. پایبندی به اصل حاکمیت قضایه و قضات قانون و اصل استقلال قوه دادگستری از الزامات بنیادین دستیابی به امنیت قضایی است. برای دستیابی به این هدف، همکاری سایر قوا، نهادها و مشارکت مردم که صاحبان اصلی این حقوق هستند، ضروری است. ایجاد امنیت قضایی، عموم جامعه را به تأمین حقوق شهروندی مطمئن خواهد ساخت و آرامش خاطر شهروندان را از عدم تضییع حقوق بنیادین آنان فراهم میآورد. در این راستا، بند چهاردهم از اصل سوم قانون اساسی، ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همگان را از اموری دانسته که دولت باید برای تحقق آن تمام امکانات خود را به کار گیرد. در سیاست های کلی قضایی، مصوب مقام معظم رهبری مصوب ۱۳۸۱ نیز بر اصاح ساختار نظام قضایی کشور در جهت تضمین عدالت و تأمین حقوق فردی و اجتماعی تأکید شده است همچنین، سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، بهره مندی از امنیت قضایی را از ویژگی های جامعه

ایرانی در افق این چشم انداز، برشمرده است بخش اول: هدف و اصول امنیت قضایی ماده ۱: هدف امنیت قضایی هدف امنیت قضایی، رسیدن به عدالت قضایی است که اثر آن ایجاد اعتماد شهروندان به قانون و نظام قضایی است تا در چارچوب آن اشخاص از آسودگی خاطر و احساس امنیت در تضمین و احقاق حقوق و آزادیهای خود برخوردار شوند. ماده ۲- اصل اعتماد و انتظار مشروع ۱- اصل اعتماد مشروع، عبارت است از امکان پیشبینی نتایج نظام حقوقی که در نهایت میتواند اعتماد شهروندان به نظام قضایی را جلب کند. ۲- تحقق امنیت قضایی، مستلزم احترام به حقوق مکتسبه اشخاص و حمایت از انتظارات مشروع آنان است. رعایت امور مذکور در عرصه تصمیم گیری های قضایی و اداری در راستای اصل کلی اعتماد مشروع، عاوه بر ثبات و پیشبینی پذیری نظام حقوقی، نقض حقوق و آزادیها را نیز کاهش میدهد. انتظارات مشروع عبارت است از خواستهها و توقعات معقولی که در روابط متقابل افراد با مقامات (اعم از قضایی و اداری) در اثر تصمیمات، اعلامات سیاستها و رویه های اداری و اجرایی ایجاد شده و در صورت نقض میتواند نقض میتواند موجب ایراد خسارت شود.

ماده ۳- اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین و مقررات یا قبح عقاب بلا بیان. قوانین و مقررات عطف به ماسبق نمی شوند مگر در خود آنها ترتیب دیگری مقرر شده باشد هیچ فعلی یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود و مرتکب آن مشمول مجازات بعدی نمی شود مگر مجازات بعدی اخف باشد افراد حق دارند پیش از ارتکاب یک عمل یا ورود به وضعیتی حقوقی از لوازم و عواقب قانونی آن آگاهی یابند احترام به این اصل باید در مصوبات و تصمیمات مراجع قضایی، شبه قضایی و اداری، به ویژه در مواردی که به حقوق مکتسبه افراد مربوط است، تأمین شود. ماده ۴- اصل قانونی بودن جرم و مجازات. رأی مراجع قضایی، اداری و شبه قضایی باید مستدل، موجه و مستند به مواد قانونی باشد. دادگاه صالح جز به استناد قانون، حکم به مجرمیت و تعیین مجازات نمی دهد و مجازاتهای همین حکم درباره تعیین تخلف انتظامی جاری است. حکم به مجرم بودن و تعیین مجازات تنها به استناد قانون و به حکم دادگاه صالح است. ماده ۵- اصل شفافیت بی طرفی.

الف- اصل استقلال قضایی پیش شرط تحقق امنیت قضایی و تضمین اساسی برای رسیدگی عادلانه است. در راستای وظایف مصرح در اصل ۱۵۶ قانون اساسی که قضایه را قوهای مستقل از سایر قوا، پشتیبان قو حقوق فردی و اجتماعی معرفی میکند، این قوه از هرگونه اعمال نفوذ از اشخاص، نهادها و دیگر

قوا مصون است. ب- قضات در تصمیم‌گیریه‌های خود در تمام مراحل دادرسی مستقل هستند و هرگونه اعمال فشار از جمله جابجایی اجباری موضوع اصل یکصد و شصت و چهار قانون اساسی و منع دیگر حقوق قانونی بر آنها ممنوع است. پ- قاضی باید در نهایت بیطرفی به دادرسی پردازد. هرگونه اعمال تبعیض، تعصب و پیشداوری قاضی تحت تأثیر افکار و عقاید شخصی و عوامل درونی یا بیرونی مبنی بر حمایت از یکطرف دعوی، نقض اصل بیطرفی محسوب می‌شود و با متخلف طبق قانون برخورد خواهد شد. ماده ۷- اصل تمرکز بر امور قضایی. فکیک عمل قضایی از عمل اجرایی و اصل تمرکز بر امور قضایی الزامه تفکیک قوا و اصل استقلال قضایی است. بنا به اصل ۱۵۶ قضاییه در راستای رسالت قانون اساسی، قوا اصلی خود به امر قضایی و نظارتی می‌پردازد. در قضاییه با استفاده حداکثری از این راستا قوه ظرفیت دستگاه‌های اجرایی و بخش خصوصی نسبت به برون سپاری امور غیر قضایی اقدام الزم را به عمل می‌آورد. علاوه بر این از توسعه بی‌رویه مراجع غیر قضایی ممانعت مینماید و در هر حال ایجاد هر مرجع شبه قضایی با حضور عضو قضایی قضاییه می‌باشد. بدین منوط به موافقت قوه قضاییه خروج منظور و در راستای طرح تحول قوه پرونده‌های با صبغه غیر قضایی از صلاحیت محاکم باعث افزایش کارآمدی دستگاه قضایی، کاهش اطاله دادرسی و تضمین اصل امنیت

قضایی خواهد شد. ماده ۸- اصل برابری در مقابل قانون. همه اشخاص در مقابل قانون و مراجع دادگستری مساوی هستند. در راستای تضمین قانونی اصل برابری، رفتار برابر و یکسان با همه اشخاص در مراجع قضایی، شبه قضایی و اداری، شرط ضروری دادرسی عادلانه است. به این منظور، همه افراد بدون تبعیض از هر حیث از قبیل جنسیت، نژاد، رنگ، زبان، دین، عقاید سیاسی و دیگر ویژگیها از حق دادخواهی و دادرسی عادلانه برخوردارند. بخش دوم: حقوق عام شهروندی مربوط به امنیت قضایی. ماده ۹- حق دادخواهی و دسترسی به مراجع قضایی. الف- دادخواهی حق هر شخص است و اعمال هرگونه ممانعت، محدودیت و تبعیض در احقاق حق ممنوع است. دسترسی آسان به صفحه نمایش گذاشته شود. ب- صدا و تصویر جلسات رسیدگی به تشخیص دادگاه یا در صورت درخواست شاکی یا طرفین دعوی به طور کامل ضبط و در سوابق پرونده نگهداری شود. در صورت مخالفت با این درخواست، دادگاه به نحو مستدل آن را رد میکند. علاوه بر این، قضات میتوانند از مرور محتوای ضبط شده در صدور رأی استفاده کنند. در فرایند دادرسی، دادستان، طرفین دعوا یا وکلای آنها، میتوانند تحت نظارت مراجع قضایی محتوای ضبط شده را به عنوان مدرک مورد ملاحظه و استناد قرار گیرد. پ- آراء قطعی دادگاهها با هدف تحلیل و نقد صاحب نظران و متخصصان به صورت کامل ضمن حفظ حریم

خصوصی اشخاص در تارنمای قضاییه منتشر و در دسترس عموم قرار می گیرد.

ماده ۶- اصل استقلال قضایی و ، امنیت تحقق مستلزم احترام به حقوق مکتسبه اشخاص و حمایت از انتظارات مشروع آنان است دادگستری مرکز مقرر^۱ زیر را دربار^۲

کارآموزی و در قالب نظامات در تاریخ ۱۳۹۹/۷/۲۷ تصویب نمود :مصوبه:

«پذیرش سرپرستی کارآموز وکالت توسط وکالی عضو کانون^۳ از بین کارآموزان عضو کانون وکلای دادگستری مرکز صرفاً دادگستری امکانپذیر بوده و قبول کارآموز خارج از افراد مذکور ممنوع است. این مقرر به عنوان نظامات کانون به اتفاق آرا تصویب شد.» مراجع صالح قضایی، شبه قضایی، انتظامی و^۴

قضاییه اداری حق بنیادین هر شخص است و قوه باید مراجع قضایی را در نواحی از شهر مستقر نماید تا به سهولت در دسترس شهروندان باشد .ب- دسترسی مؤثر افراد توان خواه و سالمندان به انواع مراجع دادرسی بر مبنای برابر با دیگران در تمام مراحل دادرسی باید تضمین شود. بدین قضاییه مکلف است از طریق جایابی منظور، قوه ساختمان های دادگستری با توجه به موقعیت شهری، جمعیت و فاصله مکانی متناسب سازی این ساختمان ها برای استفاده ی این افراد، در نظر گرفتن محل پارک و نظایر آن را فراهم کند و عاوه بر آن نسبت به مناسب سازی فیزیکی مراجع قضایی، شبه قضایی و اداری قبلی و قدیمی به منظور دسترسی آسان آنان اقدام نموده و همچنین شرایط ویژه نگهداری و مراقبت از آنها در فضای

موردنظر را مهیا سازد. ماده ۱۰ - حق رسیدگی و دادرسی در مهلت معقول: الف - همه مراجع قضایی باید در مهلت معقول و بدون تأخیر غیرموجه، به دعاوی رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ کنند و از هرگونه اقدامی که باعث ایجاد اختال یا طوالتی شدن فرایند دادرسی شود، جلوگیری کنند. احقاق حق محکومله باید بهطور کامل و در اسرع وقت صورت پذیرد. ب - در راستای وظیفه رسیدگی در مهلت معقول، قضاییه امکانات الزام را برای تسریع در قوه رسیدگی و کاهش ورودی پرونده از طریق روش هایی مانند کاهش عناوین مجرمانه، اتخاذ تدابیر پیشگیرانه از وقوع جرائم در تعامل با دیگر قوا و ممانعت از اقدامات اختاف انگیز یا فساد آور یا جرم خیز در سطوح مختلف مدیریتی دولتی یا خصوصی، ایجاد و توسعه نهادهای حل اختاف غیر قضایی، گسترش فناوری اطلاعات، تخصصی کردن دادرسیها و دادگاهها، افزایش کارایی دستگاه قضا فراهم و در صورت ضرورت به تأسیس شعب جدید دادرسی و دادگاه و استخدام کارکنان قضایی و غیر قضایی اقدام میکند. ماده ۱۱ - حق رسیدگی علنی: محاکمات در همه دادگاهها علنی برگزار میشود، مگر آنچه در قانون استثنا شده است. قضات موظفند استثنائات پیش بینی شده را به نحو مضیق تفسیر و همواره با احراز ضرورت و اصل تناسب آنها را اعمال کنند. در مواردی که طرفین دعوا یا یکی از آنها درخواست رسیدگی علنی کنند، دادگاه در حدود قانون و تنها با ارائه دلیل مستند و مدلل،

میتواند قرار غیرعلنی بودن جلسه رسیدگی را صادر کند. ماده ۱۲ - حق بهره

مندی از خدمات صفحه حقوقی: الف- اشخاص حق دارند از بدو تا ختم فرایند

دادرسی در کلیه مراجع رسیدگی کننده، اعم از مراجع قضایی و شبه قضایی آزادانه

وکیل انتخاب کنند. تحمیل وکیل یا تحدید حق آزادی انتخاب وکیل ممنوع است.

ب- در نظام اسامی وظیفه وکلای دفاع از موکل در جهت احقاق حق است و با

توجه به نقش مهمی که وکلا در نظام قضایی و اجرای عدالت بر عهده دارند،

باید از تعقیب به سبب دفاع از حقوق موکل مصون بوده و بتوانند بهصورت

مستقل و فارغ از هرگونه فشار سیاسی داخلی و خارجی، تهدید و آزار و قضایه

برای اذیت به فعالیت پردازند. پ- قوه اشخاصی که قادر به پرداخت

هزینه خدمات حقوقی اعم از مشاوره و وکالت یا کارشناسی یا داوری اجباری

نیستند، امکان بهره مندی از این خدمات را به طور رایگان یا ارزانتر فراهم میکند .

ماده ۱۳ - حق حریم خصوصی: ۱- حریم خصوصی عبارت است از قلمرو

زندگی خصوصی اشخاص که انتظار نقض آن را ندارند و هرگونه تعرض و

مداخله دیگران از جمله ورود، نظارت و دسترسی به آن بدون رضایت شخص

ممنوع است. تمامیت جسمانی، مسکن، محل کار، اطلاعات و ارتباطات

خصوصی شخص از جمله ساحات حریم خصوصی وی به حساب می آید. ۲-

برخوردار است. هرگونه بازرسی اماکن، اشخاص، اشیاء و ورود به منازل تنها با حکم قانون و با دستور مقام قضایی ممکن است. برای بازرسی از محل کار افرادی که به واسطه شغل خود اسرار دیگران نزد آنها محفوظ است، نظیر وکلا و پزشکان باید ترتیب خاصی مقرر شود. ماده ۱۴ - احیای حقوق عامه:

احیای حقوق عامه یکی از وظایف قضاییه در بند دوم اصل یکصد و پنجاه و شش قانون اساسی است. این قوه در مرحله تصمیم سازی و صدور مصوبات قضایی و مراجع فرا قوهای که در آن عضویت دارد برای حفظ حقوق اساسی مردم موضوع اصول نوزدهم تا چهل و سوم قانون اساسی، مانند تأمین امنیت یا سلامت و بهداشت عمومی و یا حمایت از تولیدات داخلی و یا حقوق مصرفکنندگان در تصمیمات مراجع مذکور اهتمام الزم را خواهد داشت. چنانچه پیشبینی شود حقوق و آزادیهای بخشی از مردم ناگزیر نقض یا تحدید میشود باید قبل از هر اقدامی از وجود تضمینهای کافی برای تأمین خسارات وارد شده اطمینان حاصل شود. در صورتیکه حقوق بخشی از مردم یا منافع عمومی در قالب نظم و اخلاق عمومی، سلامت عمومی، امنیت عمومی و رفاه جمعی برخلاف قانون نقض گردد، دادستان به موجب ضوابط قانونی و یا مطالبه عمومی وارد عمل میشود و اقدامات الزام و ضروری را در جهت احیای حقوق نقض شده، انجام میدهد. دادستان در صورتی میتواند با استناد به احیای حقوق عامه

عمل کند که موجب اختال در تصمیمات و وظایف مدیریتی دستگاههای اجرایی در چارچوب قوانین و مقررات نشود و ورود وی ضروری، موجه، متناسب و مطابق قانون باشد. ماده ۹- در اجرای این دستورالعمل، اقدامات دادستانها و دیگر مراجع و مقامات قضایی باید به گونه ای باشد که موجب اختال در تصمیمات و وظایف مدیریتی دستگاههای اجرایی در چارچوب قوانین و مقررات نشود.

در راستای وظیفه فوق اشخاصی که در خصوص نقض قانون توسط مأموران دستگاههای اجرایی و قضایی یا جرائم ارتكابی از ناحیه آنان گزارش کرده یا مبادرت به افشای فساد میکنند، باید مورد حمایت و تشویق قرار گیرند مرجعی برای اعام آنان تعیین شود. ادله ارائه شده توسط آنان باید کامل و با ذکر مصداق باشد و هویت آنان نباید افشا شود ماده ۱۵ قاعده تسلیط یا حق مالکیت مشروع حق مالکیت مردم تحصیل اموال از راه قانونی مورد حمایت از راه قانونی مورد حمایت حصید قانون است و تأمین امنیت مالکیت و تسهیل کسب و کار مشروع، حفظ ثبات در اسباب تملک و قراردادهای مردم و اصل آزادی قراردادها الزامی قضاییه با همکاری مراجع دیگر است. قوه انتظامی و دولتی با جرائم علیه اموال و مالکیت مانند کلاهبرداری تصرف عدوانی، سرقت مقابله قضاییه بر حفظ حقوق مادی و میکند. قوه معنوی مالکیت فکری شهروندان اهتمام می ورزد. حق اشخاص در دسترسی و یا تملک منابع طبیعی در حدود قانون و با تعهد به حفظ و بقای منابع بدون ورود خسارت به محیط زیست و میراث مشترک ملی و انسان است چنانچه تصرفات مذکور غیر قانونی یا منخل به محیط زیست یا تخریب میراث فرهنگی و تاریخی باشد یا مغایر و مزاحم حقوق قانونی دیگران باشد مقابله با آن از وظایف

دستگاه قضایی وانتظامی است ماده ۱۶ اصل جبران خسارتی که به سبب اقدامات یا بی توجهی یکی از مقامات رسمی در جهت خلاف حقوق قیدشده در قانون اساسی یا سایر قوانین و مقررات وارد می شود، علاوه بر مواردی که به طور خاص جبران آن

در قوانین کشور پیشبینی شده است باید در قالب قواعد عام مسئولیت مدنی از سوی دولت یا شخص مقصر جبران شود ماده ۱۷ - حق مبارزه با فساد هر شخص باید حق دسترسی به نهادهای مبارزه با فساد را به منظور شکایت از طرز کار و سوء مدیریت و رفتار فساد آمیز همه اشخاص حقیقی و حقوقی را داشته باشد.

ماده ۱۸ حق حمایت دیپلماتیک و کنسولی: هر یک از اتباع جمهوری اسلامی ایران در قلمرو کشورهای دیگر از حق حمایت دیپلماتیک و کنسولی مانند کمک و مساعدت به آنها در حفظ اموال، منافع و مالکیت فکری و به خصوص حفظ منافع اتباع محجور، صغار و زندانیان و حفظ امنیت مراسمات قضایی و غیر قضایی را دارد دولت همچنین مکلف است نسبت به استیفای حقوق اتباع و دیپلماتهای ایرانی آسیب دیده از اقدامات دولت های خارجی که در راستای منافع کشور یا مأموریت های محوله متحمل ضرر و خسارت شده اند، پیگیری نماید بخش سوم - حقوق خاص شهروندی در فرآیند دادرسی ماده ۱۹ - فرض عدم مسئولیت کیفری اصل، براءت است و هیچکس مجرم شناخته نمیشود، مگر این که جرم او در مراجع صالح ثابت شود

بار اثبات اتهام بر عهده مدعی است، همه مقامات عمومی، بهویژه ضابطان دادگستری، قضات دادسرا و قضات دادگاهها، مکلفند مطابق اصل براءت از پیشداوری درباره نتیجه محاکمه پرهیز کنند. ماده ۲۰ - منع مطلق شکنجه و رفتارهای تحقیرآمیز: مظنونان، متهمان، شهود و مطلعان به هیچ وجه نباید در

معرض رفتارهای غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار بگیرند. هرگونه شکنجه جسمی یا روحی، اجبار به اقرار یا ادای شهادت یا ارائه اطلاعات رفتار توأم با توهین و تحقیر کلامی یا عملی، خشونت گفتاری یا فیزیکی و آزار جنسی یا هتک حیثیت و آبروی اشخاص مذکور از هر نوع و همچنین هرگونه تهدید، اعمال فشار و محدودیت بر خود فرد یا خانواده و نزدیکان اشخاص فوق، در هر ممنوع است و نتایج حاصل از آن شرایطی مطلقاً نیز قابل استناد در مراجع قضایی نیست. رفتارهای مذکور نسبت به افراد محکوم به حبس یا زندانی یا تبعیدشده فراتر از حکم قضایی صادر شده، ممنوع و موجب مجازات است. ماده ۲۱ - اصل شخصی بودن: با توجه به اصل شخصی بودن جرم و مجازات محکومیتها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و افرادی که ارتکاب رفتار مجرمانه به آنها انتساب ندارد، مصون از تعقیب و مجازات هستند. ماده ۲۲ - اصل منع محاکمه مجدد: هیچکس را نمی توان به سبب یک رفتار دو بار محاکمه و مجازات کرد. دادگاهها در رسیدگی و حکم قطعی صادر موضوعی که قبلاً شده است، حق دادرسی مجدد را ندارند، مگر آنکه حکم قطعی توسط مرجع ذیصلاح نقض شود. ماده ۲۳ - حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی: هرکس حق دارد نسبت به تصمیم یک مرجع قضایی یا اداری که به ضرر او صادر شده است جز در موارد مصرح در قانون، اعتراض کند. اجرای مجازات بدون رسیدگی به اعتراض متضرر ممنوع است. ماده ۲۴ - منع بازداشت غیرقانونی و خودسرانه: هر شخص حق دارد از زندگی و آزادی و امنیت در سایه امنیت قضایی برخوردار باشد. هیچکس را نمیتوان بازداشت یا الزام به تبعید یا اقامت اجباری کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین کرده است. قضات موظفند موارد زیر را در فرایند دادرسی رعایت نمایند در غیر این صورت از مصادیق بازداشت غیرقانونی یا خودسرانه به حساب میآید: الف - قرار کفالت یا وثیقه باید به نحوی صادر شود که متهم فرصت کافی برای تسلیم کفیل یا وثیقه در ساعات اداری همان روز

داشته باشد. به این منظور، نباید به دلیل عدم ارائه خدمات اداری که دلیل آن منتسب به خود شخص نیست و به طولانی شدن بازداشت متهم منجر میشود، صدور قرار قبولی کفالت و یا وثیقه به تعویق افتد. ب- مدت بازداشت باید معقول و متناسب با عمل ارتكابی یا اتهام باشد و تمدید مدت بازداشت فقط در صورت احراز ضرورت آن موجه است. پ- ضابطان دستگیر کننده باید در اسرع وقت خانواده شخص بازداشتشده را به طریق مقتضی از اصل بازداشت و محل آن مطلع کنند. همچنین، در صورت تغییر محل بازداشت این امر باید به اطلاع خانواده شخص برسد. ت- در صورتیکه شخص بازداشتشده تبعه دولت «مدت بازداشت باید معقول و متناسب با عمل ارتكابی یا اتهام باشد و تمدید مدت بازداشت فقط در صورت احراز ضرورت آن موجه است» «هر شخص باید حق دسترسی به نهادهای مبارزه با فساد را به منظور شکایت از طرز کار و سوء مدیریت و رفتار فسادآمیز همه اشخاص حقیقی و حقوقی را داشته باشد» قضاییه بازداشت وی را از طریق بیگانه باشد، قوه قضائیه، وزارت امور خارجه به سفارتخانه یا دفتر حافظ منافع کشور تبعه بازداشت شده اطلاع میدهد. مأموران کنسولی آن دولت حق دارند، از طریق وزارت امور خارجه درخواست خود مبنی بر ملاقات، مذاکره، مکاتبه و یا ترتیبات الزم برای نمایندگی قانونی فرد بازداشتشده را به قضاییه ارسال نمایند. شخص بازداشتشده قو خارجی از تمامی حقوق قانونی برابر با سایر اشخاص برخوردار است. ث- فرد بازداشت شده در اسرع وقت و همزمان با پذیرش در محل بازداشت، باید مورد معاینه پزشکی مناسب قرار گیرد و پس از آن مراقبت و درمان پزشکی در هنگام لزوم برای وی فراهم شود. این مراقبت و درمان باید رایگان باشد. ج- هنگامی که فرد در بازداشت مورد معاینه پزشکی قرار میگیرد، نام پزشک و نتایج معاینه باید به طور کامل ثبت شود. فرد بازداشت شده یا وکیل وی در صورت تقاضا، باید به پرونده پزشکی دسترسی داشته باشند. فرد بازداشت شده یا وکیل وی، حق دارد از مقام قضایی معاینه مجدد یا نظر پزشک دیگری را درخواست کند. چ- بازرسی بدنی بدون لباس ممنوع

است، مگر در صورت ضرورت قطعی و در هر صورت باید با رعایت دقیق موازین شرعی انجام شود. بازرسی با شرایط فوق باید فقط از سوی متخصصان مراقبتهای بهداشتی یا حداقل کارکنانی انجام شود که به خوبی از طرف متخصصان پزشکی مطابق استانداردهای بهداشتی، سلامتی و ایمنی آموزش دیده باشند قضاییه در طول مدتی که فرد در اما کن - تحت نظر این قوه یا سازمانهای وابسته به آن بازداشت است، شرایط مناسب را از نظر امکانات رفاهی، بهداشتی، آموزشی و غیره فراهم میکند؛ به نحوی که کرامت انسانی افراد حفظ شود. خ -نگهداری فرد در بازداشت به گونه ای که وی به طور موقت یا دائم از استفاده از حس های طبیعی خود مانند دیدن یا شنیدن، با آگاهی از مکان و گذشت زمان محروم شود، نقض کرامت انسانی و مقررات به حساب می آید.

ماده ۲۵ - برخورداری از امکانات اعم از رفاهی و بهداشتی در طول دادرسی کیفری: با توجه به اصل کرامت انسانی و برخورداری عموم شهروندان از حقوق اولیه، باید با متهم به عنوان یک بی گناه رفتار شود. بدین منظور، در طول مدت بازداشت تمامی شرایط انسانی از نظر امکانات رفاهی، بهداشتی، خدمات پزشکی، تغذیه، دسترسی به ارتباطات، برای او فراهم میشود. وضعیت بازداشتگاهها از نظر موقعیت مکانی و فضای فیزیکی و حقوق بازداشت شدگان بایستی استانداردسازی شود تا در سراسر بازداشتگاه های کشور به صورت یکپارچه عملیاتی شود. ماده ۲۶- حق دفاع و انتخاب وکیل: متهم باید از شرایط مناسب جهت تهیه و ارائه دفاع در فرصت کافی و مهلت معقول برخوردار باشد، و بتواند از مشاوره و انتخاب و داشتن وکیل و ارتباط با وی، مطالعه پرونده بهره مند و به شهود یا مطلعین یا کارشناسان پرونده دسترسی داشته و از وضعیت روحی و جسمی مناسب برای ارائه دلیل و دفاع برخوردار باشد. ماده ۲۷ -حقوق ویژه زندانیان و محرومان از آزادی: محکومان به حبس باید از تمام حقوق اولیه برخوردار باشند و در شرایطی نگهداری شوند که از امکانات رفاهی، بهداشتی، حرفه آموزی، بازپروری و غیره بهره گیرند. زندانیان در چارچوب قانون حق مرخصی دارند و

هرگونه برخورد سلیقه ای و تبعیض آمیز در استفاده از حق مرخصی نسبت به زندانیان ممنوع است. سلامت جسمی و روحی زندانیان بهطور منظم مورد پایش قرار میگیرد. وضعیت سامتی زندانیان باید بهصورت مرتب به اطاع خانواده آنان برسد، نگهداری انفرادی زندانیان به طور موقت نسبت به ممنوع است و صرفا زندانیان شورش‌ی یا متمرّد که حضور آنها موجب آسیب به دیگران شود با روابط عمومی کانون وکلای دادگستری مرکز استاندارد‌های حقوق زندانیان و دسترسی به امکانات متعارف، مجاز است. همین حقوق برای تبعیدشدگان و دیگر افراد محروم از آزادی وجود دارد. اگر زندانی اعتصاب غذا کند، مراتب جهت صدور دستور مقتضی به قاضی رسیدگیکننده اعلام میشود. ماده ۲۸- حق اعاده حیثیت و باز اجتماعی شدن محکومان: حق همه محکومان است که پس از اجرای حکم به زندگی شرافتمندانه خود بازگردند و از همه حقوق شهروندی به ویژه اشتغال به کار برخوردار شوند محرومیت اجتماعی هر محکوم جز در موارد مصرح قانونی و در حدود و زمان تعیینشده، ممنوع است. به منظور تأمین امنیت و منافع خانواده و سایر افراد جامعه و حمایت از فرد در روابط با اجتماع با هدف توانمندسازی زندانی آزادشده همگام با تحولات اجتماعی، از همان آغاز محکومیت باید به آینده زندانی پس از خروج از زندان توجه شود. در این راستا، مراکز و سازمان های رسمی دولتی یا بخش خصوصی با همکاری یکدیگر، صلاحیت بازیابی جایگاه اجتماعی شخص تا مدت زمان معینی پس از آزادی از حبس را دارند. ماده ۲۹- استناد به اصول کلی حقوقی: در موارد تعارض، ابهام، نقص یا نبود قانون در قضایای مطروح، قضات میتوانند عاوه بر امکان مراجعه به منابع معتبر اسامی یا فتاوی معتبر، به اصول کلی حقوقی که مغایر شرع نباشد نیز توجه ویژه نموده و با استناد به اصول مذکور، حکم پرونده را صادر نمایند. ماده ۳۰- حقوق خاص دادرسیهای اداری: الف- تمامی مراجع اداری، نظیر هیئتها و کمیسیونها در رسیدگی به پروندههای مستخدمان که جنبه

مجازات دارد، مکلف به رعایت اصول دادرسی عادلانه و اصول دادرسی اداری و تضمین حداقل حقوق آنها با رعایت تناسب بین تخلف و حکم هستند.

ب- اگر تصمیم یا اقدام نهاد یا مقام اداری در دیوان عدالت اداری مورد رسیدگی قرار گرفته و ابطال شود، اتخاذ همان تصمیم یا ارتکاب همان اقدام به صورت مجدد از سوی نهاد یا مقام اداری مذکور یا نهادهای مشابه آن به صورت تعمدی یا از روی مسامحه تخلف اداری محسوب میشود و میتواند مشمول بند ۳۰ ماده ۸ قانون رسیدگی تخلفات اداری، مصوب ۱۳۷۲ باشد. بخش به تخیل چهارم: راهبردها. ماده ۳۱: در راستای حمایت از قضاییه در جهت صنایع و رونق تولید داخلی، قو نیل به اقتصاد مقاومتی تدابیر پیشگیرانه و حمایتی حقوقی و قضایی را ضمن رسیدگی به پروندههای اقتصادی در زمینه های زیر اتخاذ خواهد نمود: الف- جلوگیری از ورشکستگی فعالان اقتصادی و تولیدی؛ عدم تعطیلی کارگاه ها و بنگاههای اقتصادی؛ ب- ایجاد زمینه تداوم فعالیت کارآفرینان، شرکتها و مؤسسات دانش بنیان و فعالان اقتصادی بدهکار، از طریق راهکارهای قانونی؛ ماده ۳۲- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نسبت به تثبیت کامل مالکیت بخش خصوصی و مالکیت دولت بر انفال و ثروتهای عمومی از طریق اتمام طرح کاداستر (حدنگار در اسرع وقت اقدام مینماید و سازمان بازرسی کل کشور باید نسبت به اقدامات مستمر دستگاههای اجرایی ذیربط برای مستندسازی اموال ابنیه، اراضی، املاک و دیگر اموال غیرمنقول دولتی نظارت نماید. ماده ۳۳: با توجه به تأثیر احساس امنیت قضایی در عملکرد فعالان بخش اقتصادی کشور و بهبود فضای کسب و کار و جهش تولید، قوه قضائیه نسبت به ایجاد شعب تخصصی از دادگاهها و دادرها ویژه رسیدگی به امور اقتصادی اقدام میکند. معاونت راهبردی و آمار و فناوری اطلاعات با همکاری معاونت حقوقی و امور قضایی مجلس و مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه بعد از نیازسنجی ایجاد شعب مذکور در سطح کشور، ظرف مدت شش ماه از تصویب این سند، قضاییه پیشنهادات خود را به حوزه

ریاست قوه اعلام میکنند. ماده ۳۴: در راستای کاهش اطاله دادرسی و اصل تمرکز بر امور قضایی، قوه قضائیه با توجه به نتیجه مطالعات میدانی و پژوهشی و با همکاری افراد صاحب نظر و معاونت های راهبردی و آمار و فناوری اطلاعات و حقوقی و امور مجلس، اموری که به معنای اخص غیر قضایی اند، اما در حال حاضر در صلاحیت قوه قضائیه قرار دارند، احصا و در قالب لایحه قضایی جهت جرای تشریفات قانونی به حوزه قضاییه اعلام میکند. ماده ۳۵: الف) ریاست قوه به منظور ارتقاء اصل حاکمیت قانون و اعتماد شهروندان به نظام قضایی و در راستای سیاستهای قضایی، آموزش همگانی شهروندان نسبت به حقوق شهروندی و حقوق و تکالیف متقابل شهروند - نظام قضایی با همکاری قوه مجریه، در دستور کار نهادهای ذیربط از جمله صداوسیما قرار خواهد گرفت. ب) بهممنظور دستیابی عملی به اهداف این سند و ارتقاء امنیت قضایی و تضمین حقوق شهروندی، قضاییه موظف است نظام جامع آموزش قضات و کارمندان را از طریق استانداردسازی آموزش قضات و کارمندان پس از جذب و پیش از شروع به کار و همچنین ضمن خدمت و پیش از ارتقاء تدوین کند؛ به نحوی که آنان، به ویژه در مراجع تخصصی، آموزش های الزام را برای انجام شایسته وظایف خود دریافت کنند. پ) معاونت منابع انسانی و امور فرهنگی با همکاری معاونت حقوقی و امور مجلس در راستای ارتقای سطح اطمینان به آرای امور اقتصادی و تسریع در رسیدگی و استاندارد نمودن فرایند رسیدگی به این امور، در شعب ویژه، نسبت به جذب، شناسایی، آموزش و تربیت قضات این شعبات اقدام میکند. ماده ۳۶: برای تسهیل پذیرش و سازگاری قضات و کارکنان با سازوکارها و رویه های ارتقاء شفافیت در نظام قضایی، پیش از عملیاتی شدن روشهای مربوط باید آموزش های الزام در اختیار آنها قرار بگیرد. ماده ۳۷: در راستای افزایش سرعت رسیدگی به پرونده ها، سهولت دسترسی آزاد شهروندان به اطلاعات قضایی خود قوه قضاییه افزایش و حفظ امنیت این اطلاعات، قوه سطح استفاده از فناوری اطاعات در امور اداری و قضایی

قوه و ارتقاء سرعت، کیفیت و کمیت دسترسی شهروندان به اطاعات قضایی خود و تقویت امنیت اطاعات در فناوری مورد استفاده در دادگاهها و دفاتر خدمات الکترونیکی را در دستور کار خود قرار میدهد سید ابراهیم رئیسی صفحه همه محکومان است «حق که پس از اجرای حکم به زندگی شرافتمندانه خود باز گردند و از همه حقوق شهروندی به ویژه اشتغال به کار برخوردار شوند اجتماعی هر محرومی محکوم جز در موارد مصرح قانونی و در حدود و زمان تعیین نشده، ممنوع است. به منظور تأمین امنیت و منافع خانواده و سایر افراد جامعه و حمایت از فرد در روابط با اجتماع با هدف توانمندسازی زندانی آزاد شده همگام با تحولات اجتماعی، از همان آغاز محکومیت باید به آینده زندانی پس از خروج از زندان توجه شود» نقد آرای مراجع قضایی و اختصاصی غیر قضایی نهال درخت گیلاس و دادگاه صالح «صلاحیت محلی ظاهر میشود. قانون مدنی در مواد ۱۱ تا ۲۲ معیارهای شناخت این اموال و مصادیق آنها را بیان کرده یکی از آثار مهم تقسیم اموال به منقول و غیر منقول در شناخت مرجع قضایی دارای صلاحیت طی مواد ۱۲، ۱۳ و ۱۵ دربار دادگاه صالح رسیدگی و قانون آیین دادرسی مدنی نیز در باب صالحی به دعاوی منقول و غیر منقول احکامی را مقرر نموده است. دعاوی راجع به مال منقول «شخصی» می‌کند. دعاوی مربوط تشکیل دادگاه محل اقامت خواننده «تبعی محسوب میشود و از قاعد کلی» صالحی به مال غیر منقول در دادگاه محل وقوع این مال طرح میشوند و استثنایی هستند بر قاعده مرقومه «نهال درخت چه وضعیتی دارد» موضوع این نوشته است. «تأثیر جنون ادواری بر عقد و کالتماجرا به طور ساده از این قرار است که پس از اعطای وکالت موکل دچار جنون ادواری میشود، وکیل نیز بیخبر از آنچه برای موکل اتفاق افتاده با اختیاری که داشته وکالت خویش را به دیگری و آن دیگری به دیگران و سپس محجور ساز گاهی از این اتفاقات دادخواستی به خواسته ابطال وکالت اولی تفویض می‌کنند. قیم نیز با اوست، وکالت عقد جایز است و جنون سبب از بین رفتن آن وکالت های بعدی ارائه میدهد و حق طبیعی میشود. با از بین رفتن وکالت اعطایی از سوی خواهان (موکل) به خواننده ردیف نخست) وکیل او است که وکالت های بعدی نیز باقی نخواهد

ماند، چرا که این وکالتها بر پایه وکالت نخست منعقد شده اند دادگاه تجدید نظر به گونه دیگری می اندیشد... سند امنیت قضائی در بردارنده اصول بنیادینی است که از یک طرف بر رعایت حقوق و آزادی های اشخاص در جامعه تأکید میکند و از طرف دیگر تکالیف صاحب منصبان حکومت را در قبال حمایت از این حقوق و آزادیها و رعایت آنها مشخص می نماید. هدف از تنظیم این سند ایجاد امنیت قضایی رسیدن به عدالت برای شهروندان و نهایتاً قضایی در فرآیند رسیدگیهای حقوقی و کیفری است. برای رسیدن به این هدف به اصول و قواعدی استناد شده است که غالب آنها در قوانین موضوعه کشور از جمله قانون اساسی و قوانین عادی وجود دارد ولیکن قرائت های متفاوت و یا عدم اجرای دقیق آنها ریاست محترم قوه قضائیه را در دوره جدید بر آن داشته که بر رعایت آنها تأکید نماید. ۲- سرلوحه این سند اصل اعتماد و انتظار مشروع شهروندان است. رئیس محترم قوه قضائیه به درستی واقف بوده است که اگر اعتماد عمومی به دستگاه قضا از بین برود و توجهی به انتظارات مشروع مردم نشود، سخن از ایجاد امنیت قضایی بیمعنی خواهد بود به همین دلیل رکن یکین این سند را تحکیم اعتماد عمومی به دستگاه قضا و توجه به انتظار مشروع مردم از مسئولین قضایی قرار داده است. ۳- بدون شک افزایش اعتماد عمومی در دستگاه قضایی زمانی محقق میشود که صاحب منصبان قضایی به اصول دیگر اشاره شده در سند به عنوان اصول بنیادین دادرسی توجه نمایند- 4. از جمله این اصول که رعایت دقیق آنها اصل اساسی اعتماد عمومی را تضمین مینماید، اصل برابری اشخاص در مقابل قانون، اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین و مقررات، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل شفافیت در رسیدگیها و اصل استقال و بیطرفی قاضی است که اگر به درستی و آنگونه که در آموزه های حقوقی به آنها اشاره شده توسط قضات عالم و مسلط بر موازین قضایی رعایت شود بدون شک بخش مهمی از امنیت قضایی شهروندان رعایت خواهد شد- 5. البته در این بخش جای دو اصل بنیادین دیگر

یعنی اصل تقابلی بودن دادرسی و اصل حقّ دفاع مستقل که لازمه امنیت قضایی است، خالیست که امیدوارم ریاست محترم قوّه قضائیه با روشن بینی که دارند این دو اصل بنیادین را نیز که تضمین کننده حقوق دفاعی اشخاص در مراجع قضایی است اضافه نمایند. ۶- از ویژگیهای مهم این سند پرداختن به حقوق عام و خاص شهروندان در فرایند رسیدگیهای قضایی است. ۷- از جمله حقوق عام شهروندی مذکور در این سند، حق دادخواهی و دسترسی آسان به مراجع قضایی است که در قانون اساسی بر رعایت آن تأکید شده است. حق رسیدگی و دادرسی در مدت معقول حق دیگری است که امروزه عدم تحقق آن در بسیاری از بخشهای قضایی حقوق شهروندان را به مخاطره انداخته است. حق رسیدگی علنی دادگاهها از جمله حقوق دیگر اشاره شده است که متأسفانه توسط برخی از دادگاهها به دلیل عدم وجود فضای کافی برای تماشاجی و بدون صدور قرار غیرعلنی بودن محاکمه، رعایت نمیشود. بهره مندی از وکیل و از همه مهمتر حق مستقل از بدو تا ختم فرآیند دادرسی در کل مراجع رسیدگی کننده اعم از مراجع قضایی و شبه قضایی است. در این بخش ریاست محترم قوّه قضائیه به درستی به حق انتخاب آزادانه وکیل و ممنوعیت هرگونه تحمیل وکیل یا تهدید حق آزادی انتخاب وکیل همچنین مصونیت وکیل از تعقیب در مقام دفاع تا کید و استقلال وکیل را فارغ از هرگونه فشار سیاسی و تهدید و آزار و اذیت مورد توجه قرار داده است. ۸- اجرای این بخش از سند که بسیار هوشمندانه تنظیم شده است مستلزم دوّل حذف تبصره اقدام قانونی است. اقدام او ذیل ماده ۴۷ قانونی آئین دادرسی کیفری که انتخاب آزادانه وکیل توسط اصحاب دعوی را سلب نموده و با تحمیل وکیل و تحدید حق آزادی انتخاب وکیل یکی از حقوق بنیادین شهروندی را نقض نموده است و اقدام دو حذف مرکز وکالتی وابسته به قوّه قضائیه و جذب اعضای آن در زیر مجموعه کانون های وکلا دادگستری مستقل طی یک فرایند قانونی است که انجام آن تضمین کننده استقلال وکیل طبق مفاد سند

میباشد علاوه بر این ریاست محترم قو^ق قضائیه به یکی دیگر از مهمترین نیازهای شهروندان و تکالیف حاکمیت که تا کنون به درستی اجرا نگردیده است اشاره نموده و آن در اختیار گذاشتن کمک های حقوقی رایگان به اشخاص نیازمند است. ایشان با وقوف به تجربیات جهانی در این خصوص مقرر داشته اند که قو^ق قضائیه باید برای اشخاصی که قادر به پرداخت هزینه خدمات حقوقی اعم از مشاوره و وکالت یا کارشناسی یا داوری اجباری نیستند، امکان استفاده از این خدمات را به طور رایگان یا ارزان فراهم کند. امروزه در دنیا برای این بخش از کمک های حقوقی ردیف بودجه علیحده در قانون بودجه سنواتی در نظر می گیرند. به عنوان مثال در انگلیس مبلغ ۲/۵ میلیارد پوند، در هلند ۱/۷ میلیارد دالر و در استرالیا یک میلیارد ریال در بودجه سالیانه برای کمکهای حقوقی قرار میدهند و سپس وجوه مذکور را در اختیار وزارت دادگستری و کانونهای وکال جهت ارائه به اشخاص نیازمند در قالب وکیل معاضدتی و تسخیری و همچنین افزایش آگاهیهای اجرای این حقوقی مردم قرار میدهند. قطعاً بند از سند مستلزم قرار دادن ردیف بودجه مناسب در قانون بودجه توسط دولت و مجلس است که امسال برای اولین بار در ردیف بودجه سال ۱۴۰۰ کشور قرار گیرد، در غیر این صورت اجرای این بند از سند متروک باقی خواهد ماند. در همین حوزه جهت اطاع از سابقه عرض میکنم که صرفاً علیرغم اینکه در قانون مقرر شده است که برای هزینه وکالت های تسخیری و معاضدتی ردیف بودجه در نظر گرفته شود. تا کنون حتی یک ریال بودجه معاضدتی و تسخیری در اختیار کانون های وکلای دادگستری به عنوان مرجع ارائه وکالت های معاضدتی و تسخیری قرار نگرفته و این در حالیست که از قریب به یکصد سال پیش کانون های وکلای دادگستری خدمات معاضدتی و تسخیری را به صورت رایگان در اختیار شهروندان گذاشته اند که امیدوارم این اقدام ریاست محترم قوه باعث شود که با پرداخت مطالبات معوق وکالت های تسخیری کانون ها این بخش از خدمت رسانی رایگان کانون ها تقویت شود- 9. در بخش

حقوق خاص شهروندی در فرایند دادرسی، سند متضمن چند اصل مترقی است که رعایت آن برای تحقق امنیت قضایی شهروندان بسیار حیاتی و ضروری است. یکی از این اصول اصل منع مطلق شکنجه و رفتارهای تحقیرآمیز است. اگرچه این اصل در قانون اساسی و قوانین عادی مورد تأکید قرار گرفته و امر جدیدی نیست و لیکن پرداختن به مصدایق شکنجه و رفتار تحقیرآمیز در سند باب هرگونه ابهام و قرائت های مختلف را بسته و حجت را برای اشخاصی که تحت توجیحات فرا قانونی رفتار خاف این اصل را انجام میدادند ۱۰- ذکر رفتارهای غیر انسانی یا تحقیرآمیز با مظنونان، متهمان، شهود و مطلعان از قبیل هرگونه شکنجه جسمی یا روحی، اجبار به اقرار یا ادای شهادت یا ارائه اطلاعات، رفتار توأم با توهین و تحقیر کلامی یا عملی، خشونت گفتاری یا فیزیکی و آزار جنسی یا هتک حیثیت و آبروی اشخاص از هر نوع و همچنین هرگونه تهدید، اعمال فشار و محدودیت به خود فرد یا خانواده و نزدیکان شخص، از جمله مصداقی است که در سند برای تمام کردن حجت در فرایند تحقیق و حائز اهمیت و قابل تقدیر است. ۱۱- حق رسیدگیهای کیفری به آن اشاره گردیده که اعتراض و تجدید نظرخواهی حق دیگری است که در این بخش به آن پرداخته شده است. در شرایط حاضر متأسفانه در مقررات ما اصل بر عدم حق اعتراض و تجدید نظر است. برای اجرایی شدن این بند ضرورت اصاح مقررات آیین دادرسی و اصل قرار دادن حق اعتراض و تجدید نظر ضروری است- 12. ذکر مصدایق بازداشت غیر قانونی و خودسرانه در ماده ۲۴ سند از قبیل بازداشت در نتیجه راهای کیفری فاقد زمان الزام برای معرفی کفیل و وثیقه گذار، قرارهای کیفری نامناسب؛ تمدید قرار بازداشت غیر ضروری، و مصدایق محدود کننده حقوق بازداشت شده از قبیل عدم اطاع خانواده بازداشت شده از اصل بازداشت و محل آن، عدم معاینه پزشکی و مراقبت و درمان از بازداشت شده، بازرسی بدنی بدون لباس، عدم رعایت کرامت انسانی، نگهداری فرد بازداشت شده به گونهای که وی

به صورت موقت یا دائم از استفاده از حسه‌های طبیعی خود مانند دیدن و شنیدن، با آگاهی از مکان و گذشت زمان محروم شود و ممنوعیت مطلق اعمال فوق از دیگر مواردی است که در سند به منظور تمام کردن حجت برای ضابطین قضایی و قضات در فرایند رسیدگی‌های کیفری آورده شده است. موارد ذکر شده فقط بخشی از آموزه‌های سند امنیت قضایی بود که به طور مختصر به آن پرداخته شد. بدون شک اجرای کامل مفاد سند گامی اساسی در جهت حرکت به سمت تحقق دادگستری شایسته در کشور خواهد بود که امیدوارم با کمک قوای سه‌گانه محقق شود. کانون وکلای دادگستری با استقبال از رویکرد مترقی سند امنیت قضایی، آمادگی خود را جهت کمک به اجرایی شدن مفاد آن اعلام میدارد. توضیحات رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز درباره سند قضایی امنیتی اگر اعتماد عمومی به دستگاه قضا از بین برود و توجهی به انتظارات مشروع مردم نشود، سخن از ایجاد امنیت قضایی بی معنی خواهد بود امروزه در دنیا برای این بخش از کمک‌های حقوقی ردیف بودجه علی‌هده در قانون بودجه سنواتی در نظر میگیرند نقد آرای مراجع قضایی و اختصاصی غیر قضایی «نتیجه‌های باطل بر مبنای باطل» نقد رأی وحدت رویه شماره ۴۹۹ - ۴۵۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با صدور رأی وحدت رویه‌های موجبات قطع حمایت‌های قضایی کارشناسان واحد قانون حمایت حقوقی سازمانهای دولتی را فراهم نموده است. این حمایت‌های قضایی به موجب ب ۱۳۷۹ برقرار ب ۱۳۷۶ و آیین نامه اجرایی آن قانون مصوح قضایی از کارکنان دولت و پرسنل نیروهای مسلح ۱۳ آیین نامه مذکور سازمان‌های دولتی مجاز بودند برای جبران زحمات کارشناسان گردیده بود. در اجرای ماد حقوقی خود حداکثر چهل درصد فوق العاده جذب پرداخت نمایند. با تصویب قانون مدیریت خدمات کشور در ۷۸ آن کلیه مبنای پرداخت خارج از ضوابط و مقررات قانون مدیریت خدمات کشوری سال ۱۳۸۶ و به موجب این ماد لغو گردید «دعوی مطالبه وجه چک خارج از مدارای متفاوت آثار متعدد برخی از محاکم تعلق نامتعارف دارند» چک در اقامه دعوا را آمارهای بر انصراف علمی او از مطالبه خسارت

تأخیر تأدیه) از زمان سررسید تا زمان اقامه و ترک فعلی از جانب وی تلقی می‌کنند و در نتیجه خسارت تأخیر تأدیه را تنها از زمان طرح دعوا قابل مطالبه میدانند.

نتیجه گیری

امروزه تامین و تضمین امنیت قضایی شهروندان دارای اهمیت فراوانی است امنیت قضایی شهروندان به خصوص متهمان در پرتو اصل بنیادین برائت که اصل مهم و کلیدی و راهگشا محسوب شده ، تامین خواهد شد بر اساس این اصل هیچ کس گناهکار نیست مگر آن که خلافش ثابت شود در حقوق ایران ، بر اساس این اصل در قانون اساسی پیش بینی شده است و در قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۲ نیز اصل مطرح گردید اصل برائت که باعث ایجاد امنیت قضایی در میان شهروندان می شود رعایتش در جهت حفظ و بقای نظام و جلوگیری از آسیب ها و نا امنی در حوزه امنیت قضایی لازم و ضروری است اصل برائت نقش مهم و کلیدی در تعیین سر نوشت متهم در دادرسی های کیفری دارد یکی از نتایج این اصل ، تضمین حقوق دفاعی متهم است در پرتو اصل برائت که این حقوق دفاعی برای متهم تامین و مورد تضمین قرار می گیرد : تکلیف مدعی العموم یا شاکی به ارائه دلیل اتهام ، منع توسل به روش های غیر قانونی جهت تحصیل دلیل ، تفسیر شک به نفع متهم و ممنوعیت صدور حکم بر مبنای ظن و گمان، تفهیم فوری نوع و علت اتهام ، خودداری از پیش داوری در مورد متهم ، حق داشتن وکیل مدافع و تامین امکانات دفاعی لازم برای متهم

در طول نیم قرن گذشته ، تحولات عمده ای در زمینه حقوق متهم رخ داده است بدیهی است قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز نمی تواند نسبت به این تحولات بی توجه باشد زیرا رعایت موازین حقوق بشر در خصوص متهم ، صدور احکام مبتنی بر عدالت را در دادگاه در پی خواهد داشت و این هدف به مقصود نخواهد رسید مگر آنکه عدالت نه تنها نسبت به قربانیان جرایم ، بلکه نسبت به کلیه طرف ها از جمله افرادی که به عنوان متهم در دادگاه حاضر می شوند اعمال گردد از جمله حقوقی که در نظام بین المللی حقوق بشر مورد تایید و تاکید قرار گرفته حق برخورداری از وکیل و تفهیم حق داشتن وکیل است که از نو آوری های قانون گذار در قانون آیین دادرسی کیفری جدید است این موضوع در جهت تامین منافع متهم بوده و در روند رسیدگی

به پرونده و حقوق شهروندی و امنیت قضایی نقش مهمی دارد از طرفی دیگر عدالت قضایی نیز که سبب تضمین امنیت قضایی می شود ایجاب می کند تا فردی که به اطلاعات حقوقی و قوانین آشنایی دارد در کنار متهم حضور یابد و از این طریق متهم به علت عدم آشنایی به قوانین دچار سردرگمی نشود

در واقع، یکی از انواع معاضدت هایی که اشخاص تحت تحقیق، تعقیب، یا محاکمه استحقاق آن را دارند معاضدت حقوقی است که خود یکی از حقوق و تضمین های بنیادی دادرسی عادلانه است و باید از همان آغاز فرآیند کیفری تامین گردد حق داشتن وکیل و تامین ارتباط آزادانه با او شاخص ترین تضمین برای حقوق مظنون و متهم در منصفانه دادرسی است حق برخورداری از وکیل از وکیل در اسناد فراملی به دفعات مورد حمایت قرار گرفته است که از آن جمله می توان می توان به بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بند ۱ ماده ۱۷ مجموعه اصول حمایت از همه افراد تحت هر گونه حبس یا بازداشت، اصل بنیادین نقش وکلا ۱۹۹۰ اشاره کرد اصل اول از اصول اساسی راجع به نقش وکلا می گوید همه اشخاص حق دارند از معاضدت وکیل منتخب برای حمایت و احراز حقوقشان و دفاع از خویش در تمام مراحل دادرسی کیفری بهره ببرند بنابراین حق بر وکیل عنصری مهم در حق برخورداری از امکانات کافی برای آماده سازی دفاع و حق بر دفاع در راستای اصل برائت به حساب آمده و عادلانه بودن دادرسی را تضمین می کند در گذشته حق داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی چه در ایران و چه در کشورهای دیگر مورد تردید بود اما امروزه این حق در بسیاری کشورها از جمله ایران پذیرفته شده است و متهم حق داشتن وکیل را در سه مرحله تحت نظر، تحقیقات مقدماتی و دادرسی دارد

منابع

۱- آخوندی، محمود (۱۳۸۰). آیین دادرسی کیفری، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

۲- آشوری، داریوش (۱۳۷۰)، دانشنامه سیاسی تهران: نشر مروارید

- ۳- آشوری ، محمد (۱۳۷۶)، عدالت کیفری (مجموعه مقالات) تهران : نشر گنج دانش
- ۴- آشوری ، محمد (۱۳۸۳) ، بررسی مفاهیم عدالت و انصاف از دیدگاه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ، مفاهیم مساوات ، انصاف و عدالت ، تهران : نشر گرایش
- ۵- آشوری ، محمد (۱۳۸۵) ، آیین دادرسی کیفری ، تهران : انتشارات سمت
- ۶- آشوری ، محمد و سپهری ، روح الله (۱۳۹۲) بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه آموزه های حقوق کیفری ، دوره جدید (۶)
- ۷- اسلامی ، محمد (۱۳۸۷) بررسی حق دفاع متهم در ایران (پایان نامه ارشد) حقوق جزا و جرم شناسی ، دانشگاه شهید بهشتی ، تهران ، ایران
- ۸- اسماعیلیان ، شاپور (۱۳۸۶) . استقلال وکیل شرط محاکمه عادلانه . خبرنامه کانون وکلای دادگستری اصفهان ، (۱۲)
- ۹- امیدی ، جلیلی (۱۳۸۳) دکتر آشوری و حقوق دفاعی متهم ، علوم جنایی (مجموعه مقالات) تهران : نشر سمت
- ۱۰- پاک نیت ، مصطفی (۱۳۸۹) . جلوه های رفتار منصفانه نسبت به بزه دیده در مقررات دادرسی کیفری ایران و سازمان ملل متحد (پایان نامه کارشناسی ارشد) دانشگاه شهید بهشتی تهران ، ایران
- ۱۱- ثقفی کوفی اصفهانی ، محمد (۱۳۵۵)، الغارات ، تهران : انتشارات انجمن آثار ملی
- ۱۲- حر عاملی ، محمد بن حسن (بی تا) وسائل الشیعه الی التحصیل مسائل الشریعه بی جا : نشر دارا احیاء التراث العربی ، موجود در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی ، قم
- ۱۳- خالقی ، علی (۱۳۹۳)، نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری تهران ، نشر شهر دانش
- ۱۴- خزانی ، منوچهر (۱۳۷۷)، فرآیند کیفری تهران : نشر گنج دانش

۱۵- راغب اصفهانی ، حسین بن محمد (۱۳۸۶)، المفردات فی غریب القرآن قم : مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی

۱۶- رحیمی نژاد ، اسماعیل (۱۳۸۷)، کرامت انسانی در حقوق کیفری ، تهران : نشر میزان

۱۷- زارعی ، محمد حسین (۱۳۸۷)، امنیت قضایی به مثابه حق . مجله مجلس و پژوهش ، (۵۶)

۱۸- زراعت ، عباس (۱۳۹۲)، اصول آیین دادرسی کیفری تهران : نشر مجد

۱۹ - ساداتی ، سید محمود (۱۳۸۹)، امنیت قضایی در جمهوری اسلامی ایران ، ماهنامه دادرسی ، (۷۹)

۲۰ - ساقیان ، محمد مهدی (۱۳۹۳) ، تحولات حق متهم برداشتن وکیل در مرحله تحت نظر در حقوق ایران و فرانسه ، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی ، (۱)

۲۱- ساقیان، محمد مهدی (۱۳۹۳) ، تقویت حقوق و آزادی های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ، پژوهش حقوق کیفری ، (۶)

۲۲-شاملو ، باقر (۱۳۸۳) ، اصل برائت در نظام های نوین دادرسی ، علوم جنایی (مجموعه مقالات) در تجلیل از دکتر محمد آشوری (تهران : انتشارات سمت

۲۳- شفیع زاده ، توحید (۱۳۹۲)، مطالعه الگو های دو گانه عدالت کیفری هربرت پارکر ، با تکیه بر ارزیابی عدالت کیفری ایران در پرتو آن الگوها .(پایان نامه کارشناسی ارشد)/دانشگاه شهید بهشتی ، تهران ، ایران

۲۴- طهماسبی ، جواد (۱۳۹۶) . آیین دادرسی کیفری . تهران : نشر میزان

۲۵- عباسی ، محمود و جمشیدی ، علیرضا (۱۳۹۶) ، گفتار هایی در حقوق شهروندی . تهران : نشر میزان

۲۶- علی اکبری ، رستم ، کرمی ، پدرام و کنجوری ، مجتبی (۱۳۹۴) بررسی مصادیق حقوق دفاعی متهم در قانون جدید آیین دادرسی کیفری . همایش ملی قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ در بوته نقد ، مراغه ، انجمن حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه

۲۷- علیزاده طباطبایی ، سید محمود (۱۳۸۵) ترازوی عدالت با وکیل میزان می شود . روز نامه شرق

۲۸- فرح بخش ، مجتبی (۱۳۸۵) مفهوم و مبانی حقوق دفاعی متهم . مجله حقوقی دادگستری ، (۵۶ و ۵۷)

۲۹- فضائلی ، مصطفی (۱۳۸۷) . دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین المللی . تهران : انتشارات شهر دانش

۳۰- قپانچی ، حسام و دانش ناری ، حمید رضا (۱۳۹۱)الگوهای دو گانه فرآیند کیفری کنترل جرم و دادرسی منصفانه آموزه های حقوق کیفری . دانشگاه علوم رضوی

Abstract

Judicial security To clarify Several dimensions of Concept of judicial
The concept security Although the use of this word At Today's writings
are increasing With this description, it seems that the understanding is
clear and accurate This term does not exist among the common people
and even the judges and experts Hence at first Explaining some given
definitions of judicial security And after examining and criticizing them,
a comprehensive definition has suggested In the end, while examining
the case of "night bat" case, whether it existed or not Judicial security
has spoken about this case The purpose of this article is to present it
Specific legal indicators, while quantifying the abstract concept of
judicial security." ", the degree of capability Display it in the current
legal analysis The government of the Islamic Republic of Iran is obliged
to ensure the comprehensive rights of men and women and create Fair
judicial security for all and public equality before the Constitution"
Some experts, without making a specific Principle 3-Paragraph 14
definition of judicial security, to review Examples of judicial
security indicators or examining the causes and examples of the

lack of judicial security The title "Judicial security of women in Iran" (1), to examine the situation of judicial security of women in the society Iran has investigated without giving a specific definition of the term judicial security He discusses some of the examples and provisions in Iran's laws that, in his view, disrupt security It is a women's judiciary. Dr. Seyyed Mohammad Hashemi also does not give a clear definition of this concept. With this His description describes some institutions of judicial security in Iranian law. (2) Ishan also judge and the law as institutions that provide freedom and security. (3), judicial security It is the proper quality of the performance of the courts in applying the enforcement guarantees of the law An arrangement that prevents citizens from violating their laws and obligations. (4) definition of the term judicial security He discusses some of the



Faculty of law

M.A thesis in criminal law and criminology

Title:

The challenges of processing the judicial
security institution in Iran's justice system
with an emphasis on preventive methods
and solutions

supervisor:Amin Hajivand(phd)

BY:

Danial pournaseri

Spring 2022